



دوره‌ی یازدهم ● فروردین ۱۳۸۹
نماریه‌ی بی‌دری ۸۱ ● ۴۸ صفحه
۳۰۰۰ ریال
www.roshdmag.ir
ISSN: 1606-9226



امور و مشکلات رشد

ماهنامه‌ی آموزشی-پژوهشی-انتخابی برای جوانان دانشجویان و کارکنان آموزش و پرورش



حلول سال نو و سالروز تولد
جمهوری اسلامی ایران مبارک باد



آنچه امروز از کشتزار زندگی تان برمی دارید،
محصول بذری است که در گذشته افشانده اید.





بسم الله الرحمن الرحيم

روشدهما

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
« دوره‌ی پانزدهم » فروردین ۱۳۸۹ « شماره‌ی بی‌دری ۸۱ »

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: محمدرضا حشمتی

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: جعفر ربانی، منصور ملک‌عباسی و

علی‌اصغر جعفریان

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک و طرح جلد: پریسا سندوسی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۲

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

پایگاه اینترنتی: www.roshdmag.ir

رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر تشریفات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵-۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۱۸۵۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- راهنمایی و راهنما / محمدرضا حشمتی / ۲
کیفیت‌بخشی یادگیری / سمیه سیفی / ۳
معلمان مریی / سریه محمدنژاد / ۴
کمک! من کیستم؟! پروین داعی‌پور / ۸
سونامی هسته‌ای ایران اسلامی / محمدرضا مقدادی / ۱۰
قسمت حضرت عباس یا دم خروس! / سیما سعادت / ۱۳
معلم، عالم عامل / حجت‌الاسلام عباس پسندیده / ۱۴
پیش‌نیازهای تربیت / یدالله سعیدنیا / ۱۶
شبانه‌روزی صداقت / حسین افصح / ۱۸
معمای کلاس طبیعت / لیلا سلیقه‌دار / ۲۲
مشاوره‌ی تمرینش / مهدی رضائیان / ۲۴
بهداشت معلمان: مفضل‌ها را نشکند! / احمد مختاریان / ۲۶
شاعر دلیر و آزادی‌خواه / جعفر ربانی / ۲۸
دنیای مدارس شبانه‌روزی / نصرالله دادار / ۳۰
حرفه‌وفن / فاطمه خرقانیان / ۳۴
معلم مشاور / محمدرضا حشمتی / ۳۷
رشد برای رشد / شهلا افتخاری / ۳۸
از آن حکایت‌ها! / احمد عربلو / ۴۰
آموزش چند زبانی / ترجمه‌ی زهرا عطارزاده / ۴۲
کلاس تغز / زینب رزاق شعار / ۴۵
تمرکز کامل، نتیجه‌ی خوب! / طیبه رحیمی / ۴۶
پرسش مسئولان، پاسخ شما / ۴۷
سفره‌ی عیدانه‌ی رشد نوجوان / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و

عترجمان محترم:

– مقاله‌هایی که برای درج در مجله

می‌فرستید باید با اهداف

و ساختار این مجله مرتبط باشد و

قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.

– مقاله‌های ترجمه شده باید با متن

اصلی همخوانی داشته باشند و متن

اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه

مقاله را خلاصه می‌کنید این

موضوع را قید بفرمایید.

– مقاله یک خط در میان، در یک

روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا

تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با

نرم‌افزار word و بر روی CD یا

فلپی و یا از طریق رایانامه مجله

ارسال شوند.

– نثر مقاله باید روان و از نظر

دستور زبان فارسی درست باشد

و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی

دقت لازم مبذول شود.

– محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها

و عکس‌ها در متن مشخص شود.

– مقاله باید دارای چکیده باشد و

در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند

سطر تنظیم شود.

– کلمات حاوی مفاهیم نماییه

(کلید واژه‌ها) از متن استخراج

شوند.

– مقاله باید دارای تیترو اصلی،

تیترهای فرعی در متن و سونیترو

باشد.

– معرفی‌نامه‌ی کوتاه‌ی از نویسنده یا

مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین

و آثار وی پیوست شود.

– مجله در رد، قبول و ویرایش و تلخیص

مقاله‌های رسیده مختار است.

– مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.

– (رای مندرج در مقاله ضرورتاً مبنی

رای و نظر مسئولان مجله نیست.

راهنمایی و راهنما

محمد رضا حشمتی

انسان موجودی است که برای «سفر زندگی» بیش از سایر موجودات به هدایت و راهنمایی نیاز دارد. ارائه و اعمال راهنمایی در تمام دوره‌های تحصیلی، ضرورت اجتناب‌ناپذیری است و اجرای آن به هیچ وجه نباید به دوره‌ی خاصی از تحصیلات محدود شود. می‌دانیم که فلسفه‌ی وجودی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی بر امر راهنمایی و مشاوره مبتنی است و اهداف زیر برای آن در نظر گرفته شده است:

- شناخت اصول مطالعه و شیوه‌های یادگیری.
- شناخت شیوه‌های استفاده از اوقات فراغت.
- شناخت اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی.
- آشنایی با مهارت‌های ضروری در کار و زندگی.
- داشتن عزت نفس.
- داشتن نظم و انضباط در شئون گوناگون زندگی.
- داشتن شخصیت متعادل.
- داشتن فضایل و مهارت اخلاقی.

هم‌چنین می‌دانیم که نوجوانی نوعی فرایند تغییر جسمی و روانی است که بعد روانی آن به دلیل افراط و تفریط‌ها، بی‌نظمی و هویت‌یابی (این که شخص بداند چه کسی است و مقصدش کجاست؟) اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، ما معلمان برای کمک به نوجوان، باید بگوئیم راهنمایی‌های معتدلاته‌ای داشته باشیم.

برای انجام راهنمایی، باید با اصول و فنون آن آشنا باشیم. دوستان! راهنمایی براساس اصول علمی، روش و قواعد خاص خود را دارد. همه‌ی ما به‌منظور این که راهنمای خوبی برای دانش‌آموزان خود باشیم، سروری است با «اصول و فنون راهنمایی» آشنا باشیم. چرا که امکان دارد بدون در نظر گرفتن نکات سرنویست‌ساز، به‌جای «راهنمایی»، «چاره‌نمایی» کنیم!

دوستان عزیز! مسئولیت مهم و ارزشمندی را برعهده گرفته‌ایم که باید شکرگزار آن باشیم. اما واقعیت آن است که در راه تحقق این مهم موانعی وجود دارد. به‌نظر شما، برای اجرای شین راهنمایی براساس روش علمی توسط معلمان دروس گوناگون، به چه دانش‌هایی نیاز داریم؟

در این راستا ساختار سازمانی مدرسه، ساعات تدریس، محتوای مطالب درسی و... چگونه باشد؟ «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی»، منتظر پاسخ‌ها، نظرات و تجربه‌های گران قدر شماست تا بتواند سهم کوچکی در ایجاد فرهنگ این فعالیت مهم داشته باشد.

راهنمای جهان‌افزین، یارمان

کیفیت بخشی یادگیری

نمیه سیفی

یادگیری مغز محور سه مؤلفه‌ی اساسی دارد:

الف) هوشیاری توأم با آرامش (ایجاد محیط هیجانی خوشایند برای یادگیری) که اصول آن عبارت‌اند از:
۱. یادگیری از راه چالش ارتقا می‌یابد و با تهدید کاهش می‌یابد.

۲. مغز/ ذهن اجتماعی است.

۳. جست‌وجوی معنا (معنا بخشیدن به تجربه‌ها) ذاتی است.

۴. هیجانات، در الگوسازی نقش تعیین کننده دارند.
ایجاد محیط غاری از تنش، تعاملات اجتماعی خوشایند یا دانش آموزان، و توجه به هیجانات مثبت در یادگیری را براساس چهار اصل ذکر شده مورد توجه قرار می‌دهیم.

ب) غوطه‌ور سازی هماهنگ در تجربه‌های پیچیده (ایجاد راه‌های خوشایند و غنی برای یادگیری) که اصول آن عبارت‌اند از:

○ مغز نوعی پردازش کننده‌ی هم‌زمان و موازی است و پردازش‌های مغزی، هم جزئی و هم کلی هستند.

○ یادگیری مستلزم درگیر شدن فیزیولوژیکی مغز است.

○ جست‌وجوی معنا (مفهوم‌سازی) از طریق الگوگیری یا الگویابی رخ می‌دهد.

○ یادگیری تحولی و رشدی است.

توجه به یادگیری‌های قلبی دانش آموزان، سازمان‌دهی اطلاعات در مغز، ارائه‌ی اطلاعات به روش‌های گوناگون و فعال‌سازی قسمت‌های متفاوت مغز از طریق آماده‌سازی تجربه‌های واقعی برای دانش آموزان را براساس چهار اصل مبتنی بر غوطه‌ور سازی در تجربه‌های پیچیده مدنظر قرار می‌دهیم.

ج) پردازش فعال اطلاعات (ایجاد راه‌های خوشایند برای تحکیم یادگیری) که اصول آن عبارت‌اند از:

○ درک و فهم و یادسپاری مطلوب زمانی اتفاق می‌افتد که دانسته‌ها و مهارت‌ها به حافظه‌ی طبیعی و فضایی راه یابد.

○ یادگیری مستلزم توجه درونی و ادراک بیرونی است.

○ یادگیری دربرگیرنده‌ی فرایندهای آگاهی و ناآگاهانه است.

○ مغز هر کس به صورت منحصر به فردی سازمان یافته است.

در نظر داشتن زمانی برای پردازش یادگیری‌های صورت گرفته، توجه به عواملی که موجب می‌شود یادگیری‌ها در ذهن بهتر بمانند، توجه به تفاوت‌های فردی و توجه به عوامل پیرامون یادگیری (محیط یادگیری)، در تحکیم یادگیری‌ها در مغز مؤثر است.

منبع

Caine, N.R. and Caine, J. (2005) 12 Brain / mind learning principle to in action. crown press. california.



اشاره

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولان آموزش و پرورش کشور، برای حل مسائل روحی و روانی نوجوانان، دوره‌های تحصیلی را که در آن زمان به دو دوره ابتدایی و متوسطه خلاصه می‌شد، به سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تبدیل کردند تا دانش‌آموزان دوره راهنمایی را از سایر دانش‌آموزان متوسطه جدا سازند. با تأسیس دوره راهنمایی، برای هدایت تحصیلی و روانی دانش‌آموزان دوره راهنمایی، مشاور پیش‌بینی شد. از آن زمان، دانش‌آموزان دوره راهنمایی، برای حل مسائل گوناگون خود، به مشاوران مدارس مراجعه می‌کردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، براساس ضرورت‌ها و نیازهای جامعه، تحولات زیادی در نظام آموزش و پرورش کشور ایجاد شد که هنوز هم در برخی از بخش‌ها ادامه دارد. براساس یکی از قوانین جدید آموزش و پرورش به نام «قانون احیای معاونت پرورشی و تربیتی بدنی»، دفتر مشاوره امور تربیتی و تحصیلی وزارت آموزش و پرورش، از حوزه نظری مهارتی، به حوزه معاونت پرورشی انتقال یافت و به عنوان «دفتر مشاوره امور تربیتی و تحصیلی» آغاز به کار کرد.

به منظور پی‌گیری موضوع مشاوره دانش‌آموزان دوره راهنمایی که از نظر روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت، امری جدی و ضروری است، خدمت محمدعلی امیری، مدیر کل دفتر مشاوره امور تربیتی و تحصیلی وزارت آموزش و پرورش رسیدیم و با ایشان درباره «جایگاه مشاوره دانش‌آموزان دوره راهنمایی در ساختار جدید آموزش و پرورش» گفت‌وگویی انجام دادیم.

سریه محمدنژاد

معلمانِ مربی

گفت‌وگو با محمدعلی امیری، مدیر کل دفتر مشاوره امور تربیتی و تحصیلی

امیری، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و دارای ۲۷ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش در پست‌های آموزشی و پرورشی است. آن‌چه در پی می‌آید، حاصل گفت‌وگوی ما با ایشان است.

مأموریت‌های حوزه برنامه‌ریزی امور مشاوره‌ای هم شامل برنامه‌ریزی و نظارت امور راهنمایی و مشاوره در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه است.

از زمانی که امور مشاوره از معاونت آموزشی به معاونت پرورشی و تربیتی بدنی منتقل شد، بخشی از فعالیت‌های مشاوره‌ای که در «دفتر راهنمایی و تحصیلی» پی‌گیری می‌شد، به دفتر ما یعنی «دفتر مشاوره امور تربیتی و تحصیلی» منتقل شد که در آن، سیاست‌های احیای نقش تربیتی معلمان و همه‌ی کارکنان مدرسه پی‌گیری می‌شود. ما شاهد یک تغییر عنوان بوده‌ایم. در گذشته، در دفتر راهنمایی، احیای نقش راهنمایی و مشاوره معلمان پی‌گیری می‌شد و در دفتر جدید، احیای نقش تربیتی همه‌ی کارکنان مدرسه دنبال می‌شود که دارای جامعیت بیشتری است. در بخش احیای نقش تربیتی همه‌ی کارکنان مدرسه، علاوه بر مأموریت مشاوره عمومی اهداف و ساخت‌های تربیتی

جایگاه مشاوره دانش‌آموزان دوره راهنمایی در ساختار جدید آموزش و پرورش کجاست؟

● قبل از این که به سؤال شما پاسخ دهم، ضروری می‌دانم توضیحی درباره ساختار تشکیلاتی دفتر مشاوره امور تربیتی و تحصیلی ارائه کنم.

دفتر مشاوره امور تربیتی و تحصیلی، شامل دو معاونت سه نام‌های «برنامه‌ریزی امور تربیتی» و «برنامه‌ریزی امور مشاوره‌ای» است.

مأموریت‌های حوزه برنامه‌ریزی امور تربیتی عبارت است از: آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی در بخش پرورشی کشور، برنامه‌ریزی به منظور احیای نقش تربیتی همه‌ی کارکنان مدرسه، پی‌گیری تلفیق دروس با ساخت‌های گوناگون تربیتی، ارزش‌یابی از برنامه‌های حوزه معاونت پرورشی و تربیتی.

را نیز پی گیری می کنیم. درست است که ما در دوره ی راهنمایی مشاور نداریم، ولی وظایف مربوط به ایفای نقش تربیتی معلمان را پی گیری می کنیم که دربرگیرنده ی همه ی دوره های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه می باشد.

○ واگذاری فعالیت راهنمایی و مشاوره از دفتر دوره ی راهنمایی تحصیلی به دفتر شما براساس چه ضرورتی صورت گرفت؟

● این تغییر به این دلیل بود که بحث «احیای نقش تربیتی همه ی کارکنان مدرسه»، دقیقاً با قانونی که مجلس شورای اسلامی در مرداد ماه سال ۱۳۸۵ به نام قانون احیای معاونت پرورشی و تربیت بدنی در وزارت آموزش و پرورش تصویب کرده بود، هم خوانی داشت.



کنیم که در بخش مشاوره هیچ تخصصی ندارد و در این زمینه آموزش تخصصی ندیده، زیرا مشاوره به تخصصی ویژه نیاز دارد به همین دلیل، ما عنوان راهنمایی و مشاوره را به عنوان احیای نقش تربیتی معلم تغییر دادیم، چون وظیفه ی کلی معلم وظیفه ی تربیتی است. تربیت جزو وظایف ذاتی معلمان است و اگر مدتی فراموش شده بود، بر اثر جو کنکور بود متأسفانه بر اثر جو کنکور، نقش تربیتی معلمان نادیده گرفته شده است و انتظاراتی از مدرسه، معلم، مدیر و دانش آموز در جامعه به وجود آمده که همه ی افراد رفتارهایشان را در قالب کنکور تنظیم کرده اند ما می گوئیم مدرسه باید فضایی کاملاً تربیتی داشته باشد، البته ایجاد فضای تربیتی به معنای انجام فعالیت های خاص تربیتی مانند نصب تراکت و



در این نامه ی اجرایی این قانون، به وزارت آموزش و پرورش این مسئولیت افزوده شده است که معلمان باید وظایف تربیتی را که براساس قانون تعیین شده اند پی گیری کنند. ما تاکنون در حوزه ی فعالیت معلمان هیچ دخالتی نداشتیم و وظیفه ی راهبردی خودمان را نادیده گرفته بودیم.

ما معتقدیم، فضای ارتباطی بین معلم و دانش آموز باید به گونه ای ایجاد شود که همه ی رفتارها و ساخت های تربیتی را توسعه دهد. ما در حوزه ی فعالیت معلم کمی فراتر رفتیم و گفتیم که همه ی کارکنان مدرسه و همه ی کسانی که در تعلیم و تربیت دانش آموزان نقش دارند، اعم از مدیر مدرسه، معاون، معلمان، کارکنان اداری و حتی کارکنان خدماتی مدارس، باید وظیفه و نقش تربیتی خودشان را به طور جدی مورد توجه قرار دهند.

فعالیت راهنمایی و مشاوره، فعالیتی خاص است. ما نمی توانیم وظیفه ای تخصصی را که عنوان مشاور را دارد، به فردی محول

برگزاری مراسم در مناسبت ها نیست، این ها بخشی از فعالیت عمیق تربیتی و شکل ظاهری آن ها هستند. شکل باطنی آن است که در مدرسه باید روح معنوی و آرامش حاکم باشد و اعتماد کامل دانش آموز و خانواده را جلب کند و به همه ی ساخت های تربیتی توجه گردد.

نقش مهم دیگری که از فضای تربیتی حاکم بر مدرسه انتظار می رود، تقویت و احیای نقش تربیتی معلمان است. معلمان در حال حاضر به واسطه ی تحت فشار قرار گرفتن از خواست اجتماعی ناشی از کنکور و برنامه هایی که آموزش و پرورش برایشان پیش بینی کرده و در طول ۹ ماه تحصیلی، باید محتوای کتاب درسی را به پایان برسانند از وظیفه ی تربیتی خود غافل مانده اند.

در شرایط موجود، اگر معلم بتواند کتاب درسی را در طول ۹ ماه تمام کند، کار بسیار هنرمندانه ای انجام داده است.

ما در
بخش
احیای
نقش
تربیتی
همه ی
کارکنان
مدرسه،
مشاوره ی
عمومی را
پی گیری
می کنیم

شاخص‌هایی هم که برای ارزیابی معلم پیش‌بینی کرده‌اند، معلم را وامی‌دارد که در کلاس، تنها به بحث علمی و دانشی بپردازد و رابطه‌اش را با دانش‌آموزان کم و فقط رابطه‌ی یاددهی و یادگیری ایجاد کند که این کارها همه در حوزه‌ی کتاب درسی است.

ما معتقدیم، کتاب درسی همه‌ی ساخت‌های تربیتی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش را در بر گرفته است.

در حال حاضر، آموزش و پرورش از معلم نمی‌پرسد بیشتر وقت‌های تربیتی دانش‌آموز در طول یک سال تحصیلی چه میزان بوده است، زیرا شاخص‌های لازم را برای اندازه‌گیری پیشرفت تربیتی دانش‌آموزان ندارد. از معلم نمی‌پرسد بیشتر وقت تربیتی دانش‌آموزان همراه با پیشرفت تحصیلی آنان چقدر بوده است؟

ما باید فضای بین معلم و دانش‌آموز را در فضایی توسعه یافته‌تر، بازتر، عاطفی‌تر و تربیتی‌تر تعریف کنیم. به نظر می‌رسد هم معلم این استعداد و ظرفیت را دارد و هم دانش‌آموز می‌تواند در چنین فضایی، با همه‌ی استعدادهایش رشد و پرورش پیدا کند. حدود انسان‌ها را با استعدادهای بی‌کران افزایش داده است، اما ما در محیط آموزش و پرورش، کمتر توانسته‌ایم ظرفیت‌سازی کنیم و این استعدادها را رشد و پرورش دهیم.

در ساختار تحولی که امروز در آموزش و پرورش زمینه‌اش آماده و اساداش در حال تنظیم است، باید به جایی برسیم که این فضا بتواند گستره‌ی بیشتری پیدا کند پس باید قضااسازی لازم را ایجاد کنیم تا همه‌ی مؤلفه‌های آموزش و پرورش در عرصه‌ی تربیت ایفای نقش کنند. به همین دلیل، نیاز نیست ما نقش مشاوره به معلمان بدهیم، ما اگر نقش راهنمایی و تربیتی معلمان را احیا کنیم که در ماده و حده‌ی قانون احیای معاونت پرورشی و تربیت‌دینی بر آن تأکید شده است، در این صورت می‌توانیم به اهدافمان برسیم. یکی از مهم‌ترین وظایفی که بر عهده‌ی این دفتر جدیدالتأسیس قرار دارد، احیای نقش تربیتی همه‌ی کارکنان مدرسه است که با این وظیفه را با جدیت دنبال می‌کنیم.

۲) پل ارتباطی دفتر مشاوره‌ی امور تربیتی و امور تحصیلی با مدارس دوره‌ی راهنمایی کدام است؟

● پل ارتباطی ما با مدارس دوره‌ی راهنمایی، همان کارشناس مشاوره‌ی عمومی سابق است که در حال حاضر کارشناس احیای نقش تربیتی کارکنان مدارس شده است و در سطح استان کار می‌کند ما در منطقه هم کارشناس امور تربیتی و فرهنگی هنری داریم. قبلاً کارشناس مشاور در مناطق نداشتیم، ولی الان با تغییر عنوان این کارشناسی، در منطقه کارشناس امور تربیتی و فرهنگی هنری هم داریم. یعنی وظایف کارشناسی احیای نقش تربیتی کارکنان در آموزش و پرورش، به وسیله‌ی کارشناس تربیتی و فرهنگی هنری مناطق پی‌گیری و از آن طریق، با مدرسه ارتباط برقرار می‌شود.

مدیر در مدرسه برای پی‌گیری احیای نقش تربیتی کارکنان، نقش اول را دارد و هم وظایف آموزشی و هم وظایف پرورشی را عهده‌دار است. ما مأموریت‌هایمان را از مدیر مدرسه می‌خواهیم. مدیر مدرسه عواملی دارد که زیرمجموعه‌ی آن‌ها مربی امور تربیتی، معاون پرورشی و معلمان و سایر کارکنان هستند.

از این پس، مربی امور تربیتی به نهایی مسئول کار تربیتی در مدرسه نیست، بلکه همه‌ی عناصر مدرسه وظیفه‌ی تربیتی دارند. کارهای خاصی مانند برگزاری اردو، مراسم صحکاه، بردن دانش‌آموزان به تمار جمعه، اداره‌ی تنسکل‌های دانش‌آموزی یا برنامه‌ریزی برای شوراها، دانش‌آموزی صرفاً بر عهده‌ی امور تربیتی می‌باشد که وظیفه‌ی سایر کارکنان مدرسه نیست.

در همه‌ی مدارس که ۱۵۰ نفر یا بیشتر دانش‌آموز داشته باشند معاون پرورشی داریم و در مدارس زیر ۱۵۰ نفر مربی تربیتی. یعنی مدارس با مربی تربیتی دارند و با معاون پرورشی. علاوه بر این‌ها، در مدارس بالای ۱۵۰ دانش‌آموز، درسی به نام پرورشی داریم که این درس را حتماً مربی پرورشی تدریس می‌کند. یعنی در این نوع مدارس، علاوه بر معاون پرورشی، مربی پرورشی هم داریم که ساعات درس پرورشی را در اختیار او می‌گذاریم. این کلاس یکی از کلاس‌های بسیار ارزشمندی است که فرایند استعداد و تربیت خاص را در آن‌ها پی‌گیری می‌کنیم.

کلاس پرورشی، همان‌طور که از اسم آن پیداست، جایگاه پرورش استعدادهای خاص دانش‌آموزان است. این گونه که مربی پرورشی ما در کلاسی حضور پیدا می‌کند اما دانش‌آموز نقش محوری در کلاس دارد. کلاس دانش‌آموز محور است و مربی یا تخصص خود به شناخت استعدادهای برتر دانش‌آموزان می‌پردازد و آن‌ها را به سازمان‌های بیرون از مدرسه، مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یا انجمن‌های علمی، ادبی، هنری و فرهنگی معرفی می‌کند.

در همین جا، من از همه‌ی مدیران مدارس خواهش می‌کنم که کلاس‌های پرورشی را دست کم نگیرند و وقت آن را به همکارانی بدهند که به این درس علاقه ندارند یا می‌خواهند ابلاغ موظفی ۲۴ ساعتشان را کامل کنند.

۳) آقای امیری، شما اشاره‌ای داشتید به این که می‌خواهید همه‌ی ساخت‌های تربیتی را پوشش دهید، اما حقیقت آن است که در مدارس، تعریف واحدی از مسائل تربیتی وجود ندارد و وقتی صحبت از مسائل تربیتی می‌شود، بیشتر همان امور تربیتی را در نظر می‌گیرند. به طور واضح و روشن بفرمایید، منظور شما از تربیت و ساخت‌های تربیتی چیست؟

● تربیت دو جهت دارد: یکی تربیت عمومی دانش‌آموزان و دیگری تربیت خاص. منظور از تربیت عمومی همان تربیت دینی دانش‌آموزان است. ما تربیت دینی را به سکن عام برای همه‌ی



ساخت‌های تربیتی تعریف می‌کنیم، تربیت دینی ما ساخت‌های گوناگونی دارد، اعم از: اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، زیستی، علمی و آموزشی. یعنی همه‌ی ساخت‌هایی که تعریف کردیم، همگی تربیت دینی دانش‌آموزان هستند.

تربیت دینی، تنها تربیت اعتقادی نیست. همه‌ی این ساخت‌ها باید جاشنی تربیت دینی داشته باشند. رشد فرهنگی دانش‌آموزان نمی‌تواند با دین ما مرتبط نباشد. مگر می‌توانیم تربیت زیستی دانش‌آموزان را بدون ارتباط با دین تعریف کنیم؟ تربیت اقتصادی دانش‌آموزان را هم نمی‌توانیم بدون توجه به مسائل دینی پیش ببریم. مدیر مدرسه مسئول همه‌ی شرایط آموزشی و پرورشی مدرسه است. معلم نیز هم وظیفه‌ی آموزش دانش‌آموزان را در مؤلفه‌های علمی به عهده دارد و هم وظایف پرورشی دارد. اگر معلم شاخص‌های اصلی شخصیت الگویی را داشته باشد، منطبق با آن کلاس را اداره کند و درس را تنظیم کند، نقش تربیتی را ایفا کرده است. ما حتماً نمی‌گوییم که معلم در کلاس، «صحیفه‌ی سجادیه» بخواند. البته اگر شرایط بپذیرد، این کار جزو آرمان‌های ماست، ولی در ابتدای کار چنین انتظاری را نداریم. بلکه می‌خواهیم معلم نقش الگویی خود را با رفتاری زیننه ارائه دهد و در تعاملاتش با دانش‌آموزان، وظایف الگویی را رعایت کند و ارتباط او با دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها، کاملاً صمیمی، عاطفی و منطبق بر شرایط الگوی اسلامی باشد.

انتظار ما از معلم کلاس درس این است که محیطی کاملاً آرام و به دور از اضطراب و با احترام به شخصیت دانش‌آموزان فراهم کند و در همین شرایط، از بسیاری مسائل به عنوان زمینه‌های ایجاد آسیب‌های اجتماعی ممکن است در محیط‌های آموزشی و محیط اطراف مدرسه اتفاق بیفتد، پیشگیری کنند. اگر دانش‌آموز به معلمش اعتماد کند و او را راهنما یا کمک‌رسان و حافظ اسرار بداند، اگر معلم فضایی ایجاد کند که دانش‌آموز بتواند حرف دلش را به او بزند، این دانش‌آموز دیگر در بیرون از مدرسه به دام کسانی نمی‌افتد که در ظاهر به درد دل او گوش می‌دهند. به نظر می‌رسد، نقش تربیتی معلم، اگر به درستی فهمیده شود، بار اضافی بر دوش معلم نیست و منطبق با علاقه‌مندی‌های خود اوست و جایگاه معلم را از شرایط فعلی، خیلی بالاتر می‌برد. ما امیدواریم براساس این شرایط، بتوانیم به جایی برسیم که به جای این که درصد قبولی درسی محض دانش‌آموزان معلمی مورد توجه قرار بگیرد، تأثیرگذاری او روی شخصیت دانش‌آموزان و رفتار آن‌ها، به عنوان شاخصی برای محبوبیت معلم و موفقیت او مدنظر باشد.

○ تکلیف مسائل و مشکلات عاطفی و روانی دانش‌آموزان راهنمایی چه می‌شود؟

● دیدگاه ما این است که هیچ‌کس به اندازه‌ی معلم، در روند رشد عاطفی، روانی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی نقش مثبت ندارد.

معلم‌ها، مخصوصاً در دوره‌ی راهنمایی، وظیفه‌ی بسیار مهمی دارند که دانش‌آموزان را تحت پوشش عاطفی خود قرار دهند تا دانش‌آموزان به آن‌ها اعتماد کنند. دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی، به خاطر شرایط سنی‌شان ممکن است در کلاس رفتارهایی را بروز دهند که معلم آن‌ها را پیش‌بینی نکند و از دانش‌آموز انتظار نداشته باشد. اما باید توجه داشت که آن‌ها در سنین تحول و تغییر هستند. پذیرش تغییر برای همه‌ی آدم‌ها سخت است، به‌خصوص برای دانش‌آموزی که در سنین پایین قرار دارد. وقتی دانش‌آموز هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شود، تغییری در چهره‌اش می‌بیند و به خاطر این تغییر چهره و اندام که هنوز درونی نشده و به درک لازم برای آن نرسیده است، مورد سؤال دیگران واقع می‌شود، ممکن است رفتارهایی بروز دهد که به نظر ما ناپهناج باشد و رفتار انضباطی خوب و مناسب برای محیط درس و کلاس نباشد. این رفتارها نیازمند صبر و تدبیر بیشتر معلمان است.

ما انتظار داریم، همکاران دبیر ما در دوره‌ی راهنمایی، به این مسائل به صورت جدی توجه کنند و شرایطی را ایجاد کنند که دانش‌آموزان بتوانند ارتباط صمیمی و نزدیکی با آن‌ها داشته باشند و با این ارتباط بسیار مناسبی که با دانش‌آموزان برقرار می‌کنند، نقش تربیتی برجسته‌ی خودشان را ارائه دهند. ما امیدواریم معلمان برتر در حوزه‌ی ارائه‌ی رفتارهای تربیتی مناسب را بشناسیم و با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم. حتماً به منظور تقدیر از این عزیزان، برنامه‌هایی هم داریم که از طریق مناطق آموزش و پرورش و استان‌ها آن‌ها را عملی می‌کنیم تا زمانی که برسیم به شاخص‌های اصلی پیشرفت دانش‌آموزان که مهم‌ترین وظیفه‌اش به عهده‌ی معلمان است. ما به دنبال شناسایی معلمان هستیم که نقش تربیتی خودشان را به نحو احسن ارائه می‌کنند. معلمان که دانش‌آموزان به آن‌ها علاقه دارند. علاقه‌ی دانش‌آموزان به معلم، نشان‌دهنده‌ی این است که کار تربیتی او بسیار موفق بوده است. نمونه و مثال‌های زیادی داریم که ارتباط صمیمی معلم و دانش‌آموز باعث شده است تا دانش‌آموزان در درس تخصصی که آن معلم ارائه می‌دهد، بازدهی بسیار بالایی داشته باشند. چه‌طور معلمی که با این شرایط می‌تواند درس دانش‌آموزان را رشد دهد نمی‌تواند بعد تربیتی دانش‌آموزان را در حوزه‌های گوناگون ارتقا دهد؟

به منظور ارتقای علمی معلمان در جهت ایفای نقش تربیتی از طریق نیازسنجی از استان‌ها، برای معلمان سرفصل‌های آموزشی پیش‌بینی کرده‌ایم که استان‌ها و مراکز آموزش و پرورش می‌توانند براساس آن‌ها برای معلمان دوره‌ی راهنمایی، دوره‌ی آموزش ضمن خدمت برگزار کنند. تا همکاران ما با شرایط تحولی دانش‌آموزان در دوره‌ی راهنمایی و تغییر و تحولاتی که از نظر جسمی و روانی در آن‌ها ایجاد می‌شود، آشنایی بیشتری پیدا کنند و بتوانند برخورد تعاملات و رفتارهای مناسبی با دانش‌آموزان داشته باشند.

مشاوره
یک کار
تخصصی
است و
نباید آن
را به
عهده‌ی
همکاری
گذاشت
که در
این زمینه
تخصص
ندارد

اشاره‌ی دوم

از دست رفتن فردیت به پهنای اجتماعی شدن نوجوانان، از دیگر آسیب‌هایی است که می‌تواند دست‌یابی به هویت را به تعویق بیندازد. حقیقت این است که ارزش‌ها و ملاک‌های بیرونی یا به تعبیری اجتماعی، بر ملاک‌ها و ارزش‌های خانوادگی تفوق پیدا کرده‌اند؛ به طوری که فرزندان بیشتر شبیه جامعه هستند تا خانواده‌ی خود. یعنی نوجوانان الگوهای رفتاری خود را براساس آن چه که در گروه همسالان به عنوان رفتارهای مناسب یا رایج می‌بینند، تطبیع می‌کند. نحوه‌ی پوشش، گفتار، علاقه‌مندی‌ها و تفریحات، همه و همه براساس هنجارهای گروه همسالان است. برای مثال، اگر داشتن موبایل از جانب گروه همسالان به عنوان ضرورت مطرح شود، کمتر والدی موفق به رد کردن خواسته‌ی فرزندش می‌شود. این ضعف و تسلیم خانواده در برابر خواسته‌های گروه، به صدمه به هویت فردی دانش‌آموز می‌انجامد.

اشاره‌ی اول

یکی از افات رسیدن به این چالش بزرگ، وجود پیام‌های متعارض و متضاد پیرامون «درستی» و «نادرستی»، ملاک‌های رفتاری و نظام ارزشی است. تعدد مراجع از والدین گرفته تا بستگان محبوب، اولیای مدرسه یا گروه همسالان، معتمدان دینی و فرهنگی، صدا و سیما و سایر رسانه‌ها، و امر از دیدگاه‌های متفاوت پیرامون یک موضوع، از نیمی تا تساهل گرفته تا توصیه به اقدام، می‌تواند باعث سردرگمی نوجوان و تعارض در رفتار و نهایتاً تأخیر در هویت‌یابی شود. درست مثل بازه‌ای از اخبار علمی که در یک خبر می‌گویند محققان دریافتند، نوشیدن جای برای سلامتی مضر است و چند روز بعد می‌شنوید، محققان دیگر خوردن جای را برای سلامتی توصیه کرده‌اند!

اشاره‌ی سوم

از دیگر افات بزرگ، گرایش نوجوان به ارتباط با جنس مخالف و معاشرت است. در سالیان اخیر، ارزش‌ها و نگرش‌های نوجوانان درباره‌ی جنسیت، تغییرات چشم‌گیری پیدا کرده است. می‌توان مدعی شد، در وضعیت امروز کشور، «هنجارها و اخلاق‌های جدیدی» در حال شکل‌گیری هستند.

پروین داعی‌پور

نوجوانان امروز در قیاس با نسل‌های پیشین، صراحت بیشتری در مورد مسائل جنسی نشان می‌دهند و تمایل دارند، اصول رفتاری خود را براساس ارزش‌ها و قضاوت‌های خودشان، تا ارزش‌ها و سنت‌های خانوادگی و اجتماعی مشخص کنند. پس تجربه‌ی ارتباط با جنس مخالف کاهش یافته است و نوجوانان متهورانه هم‌دیگر را به این تجربه تشویق می‌کنند و متأسفانه زمانی متوجه می‌شوند از حیث عاطفی به بازی گرفته شده‌اند که دیگر دیر نشده است. آلوده شدن به این بازی‌های انحرافی عاطفی، از آسیب‌های جدی است که نه تنها پروسه‌ی هویت‌یابی را به تعویق می‌اندازد، بلکه در مواردی موجب استقرار نگرش‌ها و استنباط‌های غلطی می‌شود که به کلی مسیر زندگی‌شان را دگرگون می‌کند.

کمک

من کیستم؟!

اشاره‌ی چهارم

تقلید کورکورانه از همدیگر، پذیرفتن نقش‌های عاریتی و کاذب، عدم تأمل در خود و شناخت بیشتر خود، هم‌صدا و هم‌رنگ شدن با گروه و تسلیم جمع‌شدن، تسلسل باطلی را به وجود می‌آورد. به گونه‌ای که نوجوان تصور می‌کند دریافته است چه می‌خواهد و هویت خویش را به دست آورده است. میان فردی که یا قدرت انتخاب و اراده‌ی آگاهانه به پذیرش ارزش‌ها، قوانین و مقررات می‌پردازد و آدمی که از برون بدون هوشیاری و انتخاب طرح‌ریزی می‌شود، تفاوت بسیار است.

اشاره‌ی پنجم

تقویت هویت خانوادگی، بازگرداندن قدرت به خانواده، هوشیار کردن و مهارت‌افزایی والدین، ارج نهادن به تفاوت‌های فرهنگی و رفتاری، احترام گذاشتن به آداب و سنت‌های خانوادگی، به رسمیت شناختن حقوق خانواده برای حفظ استقلال هویت خانوادگی، شاه کلید نجات هویت‌یابی نوجوانان است.

اشاره‌ی هفتم

احساس تعلق، از نیازهای بنیادی انسان‌هاست. هر چه قدر فرد در راستای شناخت خویش ریشه‌های خود را بهتر بشناسد، از سلامت عاطفی بالاتر و عزت‌نفس بهتری برخوردار است. در اولین پله‌ی این تعلق، بچه‌ها باید نسبت به خانواده‌ی خود احساس غرور داشته باشند به زبان ساده‌تر، از این که در چنین خانواده‌ای با چنین مشخصاتی متولد شدند، راضی و خرسند باشند. باید تشویق شوند تا مفاخر خانوادگی خود را بشناسند حتی اگر کسی در خانواده‌اش خیطی وجود دارد، نباید سرخورده شود به یقین، در نسل‌های پیش‌تر، افراد سالم و متصف به صفات خوب وجود داشتند. پس شاید حال او بتواند با راهی که در زندگی خود پیش می‌گیرد، دوباره عزت و احترام را به خانواده برگرداند در قدم بعدی این تعلق، نوجوان باید ریشه‌های هویت خود را به عنوان ایرانی بودن بشناسد شاید این‌جا معلم بزرگ‌ترین راهنماست و می‌تواند با آشنا کردن درست نوجوان با مفاخر فرهنگی ایران و صفات خوب ایرانی، عزت و هویت ملی او را تقویت کند و کلام آخر، از موانع «خود بودن» و «خود را یافتن»، به تأیید شدن و مقبول واقع شدن از جانب دیگران نیاز است. این نیاز می‌تواند فرد را از هویت مستقل باز دارد و شخصیتش را تابع الزامات بیرونی یا تقاضاها و انتظارات دیگران کند.

معلم می‌تواند با مداخله‌ها و حمایت‌های به وقت خود، نوجوان را در یافتن خود به عنوان موجودی منحصر به فرد یاری دهد «خود بودن» و «تفاوت بودن» را چراغ راهنمای دانش‌آموزانتان قرار دهید.

اشاره‌ی ششم

در این میان، نقش مدرسه و اولیای آن نیز بسیار حیاتی است. معلم می‌تواند به دانش‌آموز کمک کند تا همواره خودش باشد به یاد دارم، در دوران دبستان به هنگام نوشتن مشق شب موظف به خط‌کشی دو طرف صفحه با رنگ قرمز بودیم؛ رسمی که همگی باید رعایت می‌کردیم. در کلاس ما، گاهی بچه‌ها از همان ابتدا تمام دفتر خود را خط‌کشی می‌کردند در سال‌های پایانی دبستان، معلمی آزاده نصیبم شد. یک بار او همه‌ی ما را تشویق کرد که به جای کشیدن خط، به راه دیگری فکر کنیم و مختاریم به شکل دیگری حاشیه‌ی صفحه را جدا کنیم چیزی نگذشت که کم‌کم بچه‌ها به ایده‌های ابتکاری جدید رسیدند و به جای خط ساده‌ی قرمز، طرح‌های متفاوت در دفترشان می‌کشیدند کم‌کم رنگ هم آمد و هر کس به سلیقه‌ی خود رنگ‌هایی را اضافه می‌کرد. بعد از مدتی، همه‌ی ما یک جور مشق می‌نوشتیم، اما صفحه‌آرایی هر کس متفاوت شده بود این تفاوت‌ها، به دفترهای مشق زیبایی داد؛ به گونه‌ای که دیگر این مشق یک تکلیف کسل‌کننده نبود، بلکه با حاشیه‌های زیبایش، برای هر کسی معنایی داشت. در واقع هر کس با طرح منحصر به فرد خود، گوشه‌ای از خود را به نمایش گذاشته بود؛ گوشه‌ای که با دیگران متفاوت بود؛ تفاوتی که در عین یگانه بودنش، زیبا بود و معرف خالقش.

به رسمیت شناختن و تحمل تفاوت‌ها فوق‌العاده مهم است. تفاوت‌ها گنج‌هایی ارزشمندند که فرصت شناخت برداشت‌ها و نظرات دیگر را می‌دهند. در مواجهه با تفاوت دیدگاه‌هاست که فرد می‌اندیشد تا صحت یافته‌های خود را دریابد گاهی در نکات دیگران حقایقی را می‌یابد که مکمل دیدگاهش می‌شوند پس معلم، هم خود آماده‌ی پذیرش تفاوت‌هاست، هم به دانش‌آموزانش می‌آموزاند که لازم نیست مثل هم باشید. هر کس می‌تواند خودش باشد و محترم و مقبول باقی بماند.

منابع

۱. کریمی، عبدالعظیم، تربیت چه چیز نیست انتشارات تربیت، ۱۳۷۶، تهران.
۲. کریمی، عبدالعظیم، آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی، انتشارات عابد، ۱۳۸۵، تهران.

«فناوری هسته‌ای، کاری بزرگ در تأمین استقلال ملی و جلوگیری از وابستگی است.»

مقام معظم رهبری

ایران اسلامی با عضویت در آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، نه فقط الزام و بای‌بندی خود را به بهره‌گیری از این فناوری در فعالیت‌های علمی و غیرنظامی و صلح‌جوانه نشان داد، بلکه خواهان خلع سلاح هسته‌ای در سطح جهان و رهایی بشریت از خطر بمب اتمی بوده و هست.

آن‌چه در پی می‌آید، گزارشی از بازديد جمعی از مسئولان دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی است که با انگیزه‌ای آشنایی با این فناوری و پیشرفت شکفت‌آور و افتخارآمیز و چگونگی انعکاس آن در مواد و محتوای آموزشی دانش‌آموزان، با هماهنگی و بدل عنایت سازمان انرژی اتمی ایران، از سایت و تأسیسات اصفهان صورت پذیرفت.

روز اول، ۲۲ اردیبهشت ۸۸:

بازدید از سایت و مجتمع‌های کارخانه‌ی تولید آلیاژهای نوین زیرکونیوم

شرکت «توليدات آلیاژی نوین»، مجموعه‌ای است که با کار کیمیاگری! مواد اولیه‌ی ارزان قیمت را که از معادن ماده‌ی «زیرکونیوم» به دست می‌آید، به فلز و آلیاژهای

کلیدواژه‌ها: انرژی هسته‌ای، زیرکونیوم، فناوری اورانیوم.

دل هر ذره را که بشکافی

افتابیش در میان بینی

جهاد علمی دانشمندان و مهندسان جوان ایرانی در عرصه‌ی دست‌یابی به فناوری چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، با واکنش‌های متفاوت جهانی مواجه شد: حیرت، تحسین و وحشت. برخورد‌های چندگانه، تنگ‌نظرانه و قیّم‌هابانه‌ی قدرت‌های جهانی و سارمان‌های جهانی تحت نفوذ آنان، به تنها و قفقه‌ای در این جهش و کوشش مقدس ایجاد نکرد، بلکه عزم و اراده‌ی فولادین قاوران با ایمان و غیرنمندان ایرانی را چند برابر ساخت.

امروزه با توجه به اتمام تدریجی سوخت‌های فسیلی (نفت، گاز و...)، بشریت به بهره‌گیری از فناوری جدید نیاز دارد. انرژی هسته‌ای در دنیای امروزی ضروری انکارناپذیر است، زیرا کاربرد این انرژی در بخش‌های صنعت، خدمات، بهداشت، درمان، کشاورزی و محیط زیست، در حال افزایش است.

سونامی هسته‌ای ایران اسلامی

محمد رضا مقدادی



نمایی از نیروگاه اتمی - بوشهر



ورق‌ها و قطعات موردنیاز در چرخه‌ی تولید سوخت هسته‌ای، مشاهده کردیم.

در کارگاه‌های متعدد و بزرگ مجتمع، اختلاط این خاک (زیرکونیوم) با اسیدتیتراک، انجام مراحل سخت جداسازی و تغلیظ، تبدیل آن به اسفنج و شمش و سپس لوله، ورق و قطعات گوناگون، هر بیننده‌ای را به تحسین وامی‌دارد^۲

روز دوم، ۲۳ اردیبهشت ۸۸ بازدید از سایت و مجتمع‌های UCF

شرکت «تاسیسات فراوری اورانیوم»^۳ (UCF) ایران، پروژه‌ای عظیم و افتخارآفرین است که در واقع نام ایران را به عنوان هشتمین کشور تولیدکننده‌ی UCF در جهان ثبت کرده است.

در ابتدای بازدید، فیلم افتتاح این پروژه‌ی عظیم به نمایش درآمد معاون شرکت پس از پایان فیلم گفت: «فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح‌جویانه است و براساس مقررات بین‌المللی و زیرنظر آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای صورت می‌گیرد. این آژانس علاوه بر بازدیدهای ماهیانه از فعالیت‌های ایران، دوربین‌های خاصی را در بخش‌هایی از این مجموعه نصب کرده است که با فاصله‌های کوتاه زمانی، فیلم و عکس می‌گیرد.» پس از شنیدن این توضیحات با انجام تست‌های اولیه و پوشیدن لباس مخصوص، وارد سایت اصلی شدیم.

بسیارگران قیمت و ارزشمندی تبدیل می‌کند که یکی از موارد استفاده‌ی آن، به عنوان فلزات انتقالی در چرخه‌ی تهیه‌ی سوخت هسته‌ای، مانند غلاف سوخت، لوله‌های فشار، نازل‌ها و نگهدارنده‌هاست. «زیرکونیوم» یا زرگون، فلزی منحصر به فرد است که رنگ خاکستری دارد، سبک‌تر از آهن و در برابر زنگ‌زدگی دارای مقاومتی بسیار بالاتر از آهن است. دمای ذوب آن نسبتاً بالا (برابر با ۱۸۵۵ درجه‌ی سانتی‌گراد) و عدد اتمی آن ۴۰ است. پودر و براده‌ی آن به آسانی آتش می‌گیرد و با نور خیره‌کننده‌ای می‌سوزد.

این فلز در حالت خاص دارای شکل‌پذیری خوب و جلدی فلزی زیباست. لذا در ساخت انواع مبدل‌های حرارتی، مخازن، پمپ‌ها، ابزارهای جراحی، مفاصل مصنوعی، زیورآلات و... کاربرد دارد.

این صنعت در کشورمان در حال گسترش است و ما در ابتدای راه هستیم. به همین لحاظ، در شرکت تولیدات آلیاژی نوین، در کنار تولید؛ به تحقیق، آموزش و تحلیل فرایندها اهمیت خاص داده می‌شود.

در کارگاه‌های متعددی که در مجموعه‌ی سایت کارخانه‌ی تولید آلیاژهای نوین زیرکونیوم وجود دارد به عینه تبدیل خاک به ظاهر کم‌ارزش زیرکونیوم (با قیمت جهانی هر کیلو ۷۰۰۰ ریال) را به امکانات بسیار ارزشمند و گران‌قیمت مانند غلاف‌ها، لوله‌ها،

نمایی از تاسیسات آب سنگین



در این مجموعه، ابتدا کنسانتره‌ی اورانیوم طبیعی (کیک زرد) به عنوان خوراک اولیه و اصلی، وارد تأسیسات می‌شود و پس از انحلال در اسید نیتریک و خالص‌سازی، مناسب با فرایندهای هسته‌ای، به ترکیب «واسطه کربنات آمونیوم» (AUC) تبدیل می‌شود.

در مرحله‌ی بعد، AUC تولید شده، پس از تجزیه و احیا در یک راکتور دوار در دمای بالا، به «اکسید اورانیوم» (UO_2)^۲ تبدیل می‌شود. این ترکیب در راکتور دوار دیگری در دمای حدود ۵۰۰ درجه‌ی سانتی‌گراد، در واکنش با گاز بسیار سمی و خورنده‌ی فلورید هیدروژن، به پودر سبزرنگ «تترا فلورید اورانیوم» (UF_4) تبدیل می‌شود. UF_4 تولیدی، وارد مرحله‌ی بعدی می‌شود و در راکتور بستر سیال که اولین راکتور از این نوع در مقیاس صنعتی در سطح جهان است، با گاز فلوئور که تا دمای حدود ۴۵۰ درجه‌ی سانتی‌گراد گرم شده است، واکنش می‌دهد و ترکیب گازی «هگزا فلورید اورانیوم» (UF_6) حاصل می‌شود. این ترکیب در مرحله‌ی بعدی، پس از چگالش، برای غنی‌سازی در مخازن ویژه ذخیره می‌شود.

وجود عناصر بسیار سمی و رادیواکتیو اورانیوم، گازهای خطرناک فلوئور و اسید فلوریدریک و سایر ترکیبات شیمیایی و در مجموع ساختار هسته‌ای و شیمیایی پروژه، سبب شده است تا این کارخانه براساس استانداردهای هسته‌ای، طراحی، ساخت و اجرا شود و کلیه‌ی آلاینده‌های مرتبط، به صورت خامد، مایع و گاز، در واحدهای مخصوص به خود پالایش و ملاحظات زیست محیطی در حد مطلوب رعایت شود.

عمده محصولات این مرکز عبارت‌اند از:

۱. UF_6 به عنوان مهم‌ترین ترکیب شیمیایی واسطه در تولید سوخت هسته‌ای؛
۲. اکسید اورانیوم با غنای تا ۵ درصد، برای استفاده در راکتورهای قدرت آب سبک مانند راکتور بوتسهر؛
۳. اکسید اورانیوم طبیعی برای استفاده در راکتورهای تحقیقاتی و آب سنگین؛

۴. گاز فلوئور به عنوان فعال‌ترین اکسیدکننده در فرایند تولید UF_6 ؛

۵. نیتروژن به صورت گاز و مایع برای مصارف گوناگون سایت

این مجتمع، از مجهزترین و بزرگ‌ترین مراکز آزمایشگاهی در سطح کشور است که کار آنالیز فیزیکی و شیمیایی را با جدیدترین دستگاه‌ها و کارشناسان متخصص انجام می‌دهد.

بازدید از کارخانه‌ی تولید بسته‌های سوخت

کارخانه‌ی تولید بسته‌های سوخت، پودر اکسید اورانیوم را به دو صورت طبیعی و غنی شده از کارخانه‌ی UF_6 و لوله‌ها و غلاف‌های زیر کونیوم را از کارخانه‌ی تولید آلیاژهای نوین زیر کونیوم دریافت می‌کند و تحت عملیاتی بسیار دقیق، قرص‌های UO_2 را می‌سازد.

در مرحله‌ی بعد با جاگذاری قرص‌های نو گرمی اورانیوم در لوله‌های زیر کونیومی، میله‌های سوخت تولید می‌شوند. در نهایت هم میله‌های سوخت درون اسکلت مجتمع (مجموعه‌ای از میله‌های سوخت) بارگذاری می‌شوند و طی عملیات مونتاژ نهایی و بازرسی دقیق، برای بهره‌برداری و تأمین سوخت راکتورهای هسته‌ای، آماده می‌شوند.

خدای مان را شاکریم که با وجود تبلیغات گسترده‌ی جهان، اعلام محدودیت‌ها و تحریم‌های بین‌المللی، با امدادهای غیبی حضرت ولی‌الله الاعظم، امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و تلاش خداجویانه‌ی دانشمندان و فناوران رشید این مرز و بوم، این فناوری در حد استاندارد هسته‌ای، در بهار سال ۱۳۸۳ به صورت آزمایشی و در سال ۱۳۸۷ به صورت رسمی و در مقیاس صنعتی، به مرحله‌ی تولید رسید.

امید است ما و شما در انتقال دستاوردهای ارزشمند این فناوری و جهاد علمی که به شکست سد وابستگی‌ها و القای روحیه‌ی خودباوری به نسل نوجوان و جوان منجر می‌شود، به رسالت خویش عمل کنیم.



نمایی از تأسیسات فناوری اورانیوم - اصفهان

**انرژی هسته‌ای در
دنیای امروزی ضرورتی
انکارناپذیر است، زیرا
کاربرد این انرژی در
بخش‌های صنعت،
خدمات، بهداشت،
درمان، کشاورزی و
محیط زیست، در حال
افزایش است**

پی‌نوشت

1. Zirconium

۲. فرایند تولید زیر کونیوم عبارت است از:

Zircon (zrso) - Petroleum

coke (c) - ZrC

ZrC - cl - ZrCl₄

Purified ZrCl₄

Zirconia (ZrO₂)

Nuclear ZrCl₄

Purified Nuclear ZrCl₄

Reduced Nuclear Zirconium

(High Purity Magnesium Sponge)

Nuclear Zirconium Sponge

1. Uranium Conversion Facility

4. Ammonium Uranyl Carbonate

5. Uranium Oxide

نمایی از انبارهای سانتریفیوژ



قسم حضرت عباس یادم خروس!



از زیر چاب بیرون می‌آیند تر گل و رگل: با کلی امید و آرزو که می‌رویم زیر دست خلاق، یک چیزی یاد می‌گیرند، دوقش را می‌کنیم که مقیدیم! به قنوقاره‌ی خودشان نگاه می‌کنند با این که سازشان متفاوت است، اما خوش حال می‌شوند که کت و کلفت‌اند و پر از مسئله. لابد مرد میدان می‌خواهد در کشان کند و احتمالاً خلاق همه مردان مردی که خوانده و نخوانده، دانشمند یار می‌آیند! تازگی‌ها هم دوقشان ورم کرده و خوش خالیشان مضاعف شده، چون دستشان را داده‌اند به دست رایانه‌ی زبان بسته و قانون وضع کرده‌اند: «در کنار پیاده‌روی مطالب درسی روی اعصاب دانش‌آموزان، فکر و ذکر آن‌ها را به تعلیمات رایانه‌ای بند کنید و بدانید این از اهم مسائل آموزشی جهان است! این وسط می‌ماند یک اشکال خیلی کوچک که قطعاً در سال‌های آتی فرصت مناسبی برای رفع و رجوع آن وجود خواهد داشت و البته حالا تا سال‌های بعد، کی داده، کی گرفته!! و اما آن اشکال کوچک: «آیا مفاد کتاب‌های درسی یا فکر محوری مغایرت دارد؟!» الحق! الانصاف دنبال پاسخ هم تپاشیم، اشکالی پیش نمی‌آید، چرا که تا کتاب‌های کمک‌درسی و کتاب‌های رنگارنگ جانی هستند، نیازی به پاسخ‌گویی نقادانه نیست. لابد بهتر بوده کتاب‌های درسی برای خالی نبودن عریضه، حرف خودشان را بزنند و بعد از اطمینان کلامی که تنها خاصیتش افزودن محفوظات است، مطلبی عمیق و کاربردی نداشته باشند و کار را بسپارند به معلمان دلسوزی که می‌خواهند تولید علم را جدی بگیرند و فناوری روز را به عرصه‌ی کاربرد

برسانند تا حداقل ساعات درسی هفتگی، حرفی برای گفتن داشته باشند! از این روست که بازار تولید کمک‌درسی‌ها گرم شده و هر کدام با طرحی مکمل به میدان آمده‌اند تا مرد بودن خلاق را به منظور پاسخ‌گویی به سوالات درسی، تضمین کنند. از اسراف کاغذ و انرژی و فکر و وقت که بگذریم، ارائه‌ی کتاب‌های کمک‌درسی، بیچاندن لقمه به دور دهان است! ظریفی می‌گفت: «آقا جان، یکبار به وقت تألیف کتاب درسی، سطح بيماران را کم کنید و به عمق بذرپاشی بیفزایید تا هم معلم تکلیفش را بداند هم دانش‌آموز بفهمد چه می‌خواند و هم از وقت مربوطه در نظام آموزشی کشور چیزی تلف نشود.» حکایت حاشیه‌ای مطلب را ندید نگیریم تا حضور تعلیمات رایانه‌ای قوز بالای قوز جلوه نکنند! و آموزش و پرورش سروسامانی بگیرد. به قول همان ظریف محترم، اگر کتاب‌ها آن چنان که باید فکر محور تألیف شوند، اگر معلمان ما دست از اطلاع‌رسانی سطحی و لقمه‌ای بردارند و اگر دانش‌آموزان کار را جدی بگیرند، آن وقت تعلیمات رایانه‌ای روی واقعی خودشان را نشان می‌دهند. به این می‌گویند یک دو دو تا چهار تایی ساده، یکی باید شروع کند، چون همه‌ی خوش اقبال‌ها در لحظه‌ی شروع به دنیا می‌آیند به امید آن روزگاران.

• ویژگی معلم و مربی

معلم باید احسان‌های خداوند متعال را برای دانش‌آموزان برشمارد نکته‌ی مورد توجه در این باره، ویژگی معلم است. یکی از اصول مهم در کار معلم، به‌ویژه در تربیت دینی، تناسب ویژگی او با کار اوست. معلم در این کار، واسطه‌ی بین خدا و دانش‌آموز است که می‌خواهد یکی از ویژگی‌های خدا را به آن‌ها منتقل کند. بر همین اساس، معلم خود باید خدا را با همین رویکرد بشناسد تا بتواند آن را به دیگران منتقل سازد. معلمی که الگوی رابطه‌اش با خداوند محبتی نباشد نمی‌تواند به‌خوبی دانش‌آموز را با محبتی تربیت کند. نقش‌بازی کردن در این زمینه تأثیر عمیق ندارد. وقتی دانش‌آموز ببیند معلم، خود به چنین چیزی باور ندارد، آن را نمی‌پذیرد. به همین جهت، خداوند متعال می‌فرماید: «لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» [صف/۲].

هم‌چنین، معلم باید احسان شناس خوبی باشد. لازم است گونه‌های متفاوت احسان خدا را بشناسد و در جای مناسب، آن‌ها را برای دانش‌آموزان بیان کند. بعداً درباره‌ی احسان‌های خداوند متعال بیشتر سخن خواهیم گفت.

بعد دیگر این موضوع، رابطه‌ی معلم با دانش‌آموز است. معلمی که می‌خواهد احسان خداوند را برای دانش‌آموزان بیان کند، باید خود نیز اهل احسان به دانش‌آموز باشد. معلم در این رابطه، مجرای انتقال احسان خداوند به دانش‌آموز است. کسی که اهل بدی است و رابطه‌ای خشک و خشن با دانش‌آموز دارد، در انتقال لطف و احسان خداوند، موفقیت چندانی نخواهد داشت. به همین دلیل، خداوند متعال به حضرت عیسی (ع) می‌فرماید:

«ذَكَرَ خَلْقِي نِعْمَانِي، وَ أَحْسَنَ إِلَيْهِمْ، وَ حَسَنِي إِلَيْهِمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَا يَجُوبُونَ إِلَّا مِنْ أَحْسَنِ إِلَيْهِمْ» [ارشاد القنوب: ۱۱۶]: نعمت‌های

مرا به خلق من یادآور و به آنان احسان کن و آنان را با من دوست گردان؛ چرا که آنان جز کسی را که به آنان احسان کرده باشد، دوست نمی‌دارند.

هدف دوست ساختن مردم با خداوند است که در عبارت «حَسَنِي إِلَيْهِمْ» آمده است. پیش از این جمله، دو مطلب آمده است: یکی بیان نعمت‌های خداوند برای مردم (ذَكَرَ خَلْقِي نِعْمَانِي) و دیگری احسان گوینده به مردم (أَحْسَنَ إِلَيْهِمْ). بنابراین، برای تحقق هدف دوست ساختن دانش‌آموز با خداوند، دو کار باید صورت پذیرد: یکی آشناسازی دانش‌آموز با احسان و لطف خداوند که به ارائه‌ی اطلاعات مربوط است و دیگری احسان به دانش‌آموز که به شیوه‌ی ارتباط با دانش‌آموز مربوط می‌شود. در تربیت دینی دانش‌آموزان، نمی‌توان با خشونت و تندی رفتار کرد. بر می و ملاطفت، لازمه‌ی تربیت دینی است. خداوند متعال در آیه‌ی ۱۵۸ سوره‌ی آل عمران به پیامبر اکرم می‌فرماید: به رحمت الهی، تو با مردم نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی، از گرد تو پراکنده می‌شدند. به این جمله دقت کنید: «اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی، از گرد تو پراکنده می‌شدند». نکته این است که اگر معلم نرم‌خو نباشد، دانش‌آموزان از گرد او پراکنده می‌شوند و در سورتی که پراکنده شوند، آشناسازی با خداوند اتفاق نمی‌افتد.

• انواع نعمت‌های خداوند

معلم باید احسان شناس باشد و انواع نعمت‌های خداوند متعال را بشناسد. برای شناخت لطف و احسان خداوند، باید آیات و روایات موضوع «نعمت» را مطالعه کرد. ما در این قسمت، به مواردی اشاره خواهیم کرد که در عنوان «لعمره» کتاب میزان الحکمه آمده است.

معلم عالم عامل

حجت الاسلام عباس پسندیده

حلق و کارشناس پژوهشکده‌ی علوم حدیث

کلیدواژه‌ها: معلم، احسان، نعمت.

اشاره

در شماره‌ی پیش، دیدگاه «عاطفه-مرکزی» را در تربیت توحیدی توضیح دادیم و گفتیم که برای برانگیختن محبت، باید «احسان» و «کمال» خداوند متعال را یادآوری کرد. در این شماره، به‌ویژگی معلمی که متکفل این امر می‌شود و هم‌چنین راه شناخت احسان خداوند متعال، خواهیم پرداخت.

در قرآن کریم تصریح شده که از هر آن چه خواستید، خدا به شما داد نعمت‌های او بی شمار است و انسان ستمکار و ناسپاس، و البته خدای او آمرزنده و مهربان است و هر آن چه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورید. همانا انسان ستم‌پیشه و ناسپاس است [ابراھیم/ ۳۴].

و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورید. همانا خداوند آمرزنده و مهربان است [نحل/ ۱۸].

به همین جهت، امام علی (ع) خداوندی را سپاس می‌گوید که سخنوران در ستودنش در مانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌هایش را ندانند و به کمالین زیاد تصریح می‌کند، تو هیچ گاه از لطف خدا خالی نبوده‌ای، پس هماره او را سپاس و ستایش کن.

زوزی رسول خدا (ص) از امیرالمؤمنین (ع) پرسید: «یگو نخستین نعمتی که خدای عزوجل تو را به آن فرمود و به وسیله‌ی آن نواخت، چیست؟» امام علی (ع) عرض کرد: «این که خداوند جل ثناؤه، مرا از هیچ آفرید.» رسول خدا (ص) با شنیدن این پاسخ فرمود: «درست گفتی.»

امام علی (ع) از وجود پیامبر اکرم (ص) و خوش اخلاقی و پرهیز از گناه و الفت میان مردم، به عنوان نعمت یاد کرده است و در روایتی دیگر، در یک ترتیب صعودی، از «مال» و «سلامتی» و سپس «تقوای قلب» به عنوان نعمت یاد کرده است. امام صادق (ع) نیز از توحید در محبت به خدا، به عنوان نعمت یاد کرده است. در برخی دیگر از روایات، سلامتی، فراغت و امنیت، نعمت‌های مغفول نامیده شده‌اند. در روایتی از امام علی (ع)، علاوه بر آن چه خدا عطا می‌کند و استباهاتی که می‌پوشاند، از بلاهایی که پیش از ورود به برمی‌گرداند نیز به عنوان نعمت یاد شده است.

بخش مهمی از نعمت‌ها، در دعاها، معصومان بیان شده‌اند. برای نمونه، امام علی (ع) در دعای کمال از پوشاندن گناهان، برگرداندن بلاهای سخت، نگاه داشتن از لغزش، برطرف کردن گرفتاری‌ها و نشر خوش‌نامی، به عنوان نعمت‌های خداوند متعال یاد کرده است: «اللهم و مولای، کم من قبیح سترته، و کم من فادح من البلاء اقلته، و کم من عثار وقته، و کم من مکروه دفعته، و کم من ثناء جمیل لست اهلًا له نشرته».

یکی از دعاهایی که به این مسئله پرداخته، دعای جوشن صغیر است. این دعا قسمت‌های متعددی دارد که در هر کدام، حضرت نخست نعمتی از نعمت‌های الهی را بر می‌شمرد و در پایان این جمله را بیان می‌کند:

«فَلِكُ الْحَمْدُ يَا رَبُّ مِنْ مُقْتَبِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي آتَاةٍ لَا يَغْضَلُ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ
لِلْآتِكِ مِنَ الذَّاكِرِينَ». پس برای توسل حمد ای پروردگارم، از آن جهت که تو آن توانایی که مغلوب نشوی و آن بردباری که هرگز شتاب نخواهد کرد، درود فرست بر محمد (ص) و آل او و مرا از شکرگزاران نعمت و یادکنندگان احسان‌هایت قرار ده.

در دعای عرفه نیز نعمت‌های متعددی شمرده شده‌اند. هم‌چنین، در مواردی که واژه‌ی «الحمد لله» به کار رفته، معمولاً نعمتی از نعمت‌های خداوند بیان شده است. نمونه‌ی آن را می‌توان در دعاها، ابوحمزه، افتتاح و دیگر دعاها یافت. معلم می‌تواند با مطالعه‌ی این دعاها، مجموعه نعمت‌های خدا را شناسایی کند و در وقت مناسب به دانش‌آموزان منتقل سازد.



عکاس: طاهره رحیمی

کلیدواژه‌ها: نیاز، تربیت، معلم

در شماره‌ی قبل، سؤال مهمی مطرح شد که مورد بررسی قرار نگرفت. سؤال این بود که اگر نباید با گروه گرفتن ارضای نیازهای اساسی دانش‌آموزان، آن‌ها را به درس خواندن واداشت، پس چه انگیزه‌ای باید باعث درس خواندن آن‌ها شود؟ جواب عمدتاً معلمان این است که انگیزه‌ی آن‌ها باید گشت دانش، مهارت و توانایی باشند که زندگی خود را با آن بسازند اما این پاسخ با سؤال جدی‌تری مواجه شد و آن این که چرا این انگیزه‌ها در بچه‌ها وجود ندارد و در عوض مدرسه مجبور است با به چالش کشیدن ناهنجاری‌های فیزیولوژیکی، ایمنی، محبت، تعقل و ارزشمندی، او را به درس خواندن وادارد؟

در شماره‌ی قبل هم یادآوری کردیم، پاسخ این سؤال باید برای کسی که مقالات این نوشته را تاکنون دنبال کرده است واضح باشد آن پاسخ این است: دقیقاً به آن علت که نیازهای اساسی او به چالش کشیده شده است. یعنی اگر نیازهای اساسی دانش‌آموز بنوعی قید و

شرط تأمین نبود، آن گاه او به مرحله‌ی نیازهای رشد می‌رسد و بنابراین نه تنها برای شکوفایی استعداد خود بلکه برای ارضای نیاز به تانس و قهملین، یاد می‌گیرد [سعید، ۲۰۰۹].

شاید برخی بگویند که این گونه نیست، بلکه وقتی معلم می‌داند که بچه ترس نمی‌خواند شروع به گروه گرفتن نیازهای اساسی می‌کند ولی تقریباً به‌طور عمده این گونه نیست دانش‌آموزی را در نظر بگیرید که سال اول ابتدایی است و تازه وارد مدرسه شده است، آیا معلمان از ابتدا شروع به گذاشتن قوانین کلاس، تکلیف و غیره نمی‌کنند؟ آیا از ابتدا برای درس بخواندن بچه‌ها اتمام حجت نمی‌کنند؟ آیا از ابتدا به‌عنوان تشویق رفتارهای مثبت آن‌ها، برایشان معرفت جاده، سار و غیره قرار نمی‌دهند؟ آیا برای بچه‌های درس‌خوان، باهوش و مؤدب، در برابر دیگران احترام‌هاش نمی‌شوند و در مقابل به دیگران بی‌اعتنایی نمی‌کنند؟

تکمی دیگر این است که باوقی خواست مدرسه، معلم والدین این باشد که همه باید در یک زمان معین،

میزان معینی از تروس معینی را با شیوه‌ی معینی و با کیفیت معینی بیاورند. روش مذکور دیر با زود ضرورت می‌یابد، در مقابل، اگر نیازهای کمبود آن‌ها را تأمین کنیم به آن‌ها اعتماد کنیم، به قدرت انتخاب آن‌ها احترام بگذاریم و اعطاف لازم برای پیشرفت‌های کند و تند را در مدرسه فراهم کنیم، دیر با زود آن‌ها برای یاد گرفتن تلاش خواهند کرد.

این روش فقط یک روش در برابر سایر راه‌ها نیست، بلکه تنها راه موجود برای کمک به افراد در طریق کمال است. لازم است دوباره توجه داده شود که اساساً، درس خواندن یا انگیزه‌های کمبود، به کمال منحصر نمی‌شود [مازلو، ۱۹۶۸]. حتی رسیدن به دانش (که محصول بیش از ۹۰ درصد نوع آموزش فاسد است) و با مهارت و توانایی (هرچند که آموزش ما به قدرت به این هدف می‌رسد) نیز با کمال فرد ارتباط مستقیم ندارد.

علاوه بر آن، این نوع آموزش حتی اگر به دانش، مهارت و توانایی منجر شود، در کنار آن، عوارض روانی زیادی هم ایجاد می‌کند که زندگی شخصی فرد را مختل می‌سازد [زمرض، ۲۰۰۲]. سلب قدرت انتخاب، احساس

پیش نیازهای تربیت

بخوان، فکر کن، تغییر بده!

یدالله سعیدنیا

دکترای تعلیم و تربیت



ارزشمندی را از بین می‌برد و در انسان بدبینی ایجاد می‌کند این بدبینی منشأ اصلی افسردگی است [سلیگمن، ۲۰۰۶]. در مقابل، دانش قدرت کنترل، حتی در حیوانات، اثرات شگرفی داشته است. خال اگر انسان‌ها احساس کنند که می‌توانند با انتخاب خود محیط را کنترل کنند انتظار چه تغییراتی در جسم و روان آن‌ها می‌رود؟

داشتن قدرت انتخاب، یعنی احساس توانایی کنترل محیط، امید به زندگی را افزایش می‌دهد [سلیگمن، ۲۰۰۷]. مثلاً سالمندانی که در خانه‌ی سالمندان خدماتی را دریافت می‌کردند که می‌توانستند آن‌ها را انتخاب کنند، مرگومیرشان نسبت به گروهی که همان خدمات را بدون قدرت انتخاب دریافت می‌کردند، کمتر بوده و ضمناً فعال‌تر و شادتر بوده‌اند [سلیگمن، ۲۰۰۹].

توجه شود که در تحلیل نمی‌خواهیم که همه‌ی مدارس، همه‌ی معلمان، همه‌ی مسئولان و همه‌ی نظام آموزشی را یک‌جا نقد کنیم، ولی این رویه‌ی جاری و غالب است. هم‌چنین، ادعا نمی‌شود که همه‌ی محصولات مدارس، مشخصاتی نظیر آن‌چه که در شماره‌ی قبل ذکر شد دارند ولی عمده‌ی محصولات چنین‌اند.

عکاس: اعظم لاریجانی



دلایلی که به نتیجه‌ای متفاوت با آن‌چه ذکر شد منجر می‌شود، می‌تواند ناشی از موارد زیر باشد:

۱. برخی معلمان با درک واقعی نیازهای دانش‌آموز و تأمین آن‌ها، آن‌ها را به انگیزه‌های رشد می‌رسانند.
۲. برخی دانش‌آموزان به دلیل رشد کردن در خانواده‌هایی که آن‌ها را متعادل رشد داده‌اند در مدارس خود را با شرایط وفق می‌دهند و اساساً چون انگیزه‌ی کمال را دارند، خواسته‌های معلمان هم خودبه‌خود تأمین می‌شود. لذا در چرخه‌ی معیوب ذکر شده قرار نمی‌گیرد.
۳. هدف‌های محدود نظام آموزشی ممکن است با کمال برخی افراد متناسب از کار درآید برای این دانش‌آموزان نیز محدودیت‌ها و فشارهای مدرسه ایجاد اذیت نمی‌شود و آن‌ها از این آسیب‌ها در امان می‌مانند.

۴. برخی خانواده‌ها به دلیل عملکرد درست تأثیری بسیار قوی بر دانش‌آموزان دارند به‌طوری که حتی در شرایط تنش‌زای مدرسه خود را حفظ می‌کنند و با کمترین آسیب از آن‌ها عبور می‌کنند یافته‌های سلیگمن (۱۳۸۷) نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

بنابراین به‌منظری می‌آید اگر نیازهای اساسی دانش‌آموز، به درستی، به موقع و بدون پیش‌شرط تأمین شود، انتخاب او سلب نشود و قدرت تحلیل و تفکر او پرورش نیابد. خود بهترین تصمیم را می‌گیرد. اگر درس خواندن نیاز او باشد خود به طرف آن خواهد رفت؛ اگرچه ممکن است نحوه‌ی درس خواندن، میزان درس خواندن، موضوعات مورد علاقه و غیره‌ی این افراد مانند هم نباشد و یکسان‌سازی موردنظر مدارس تأمین نشود.

موالعی که معلمان و مدارس برای چنین عملکردی دارند، می‌تواند این‌ها باشد:

۱. معلمان، خود افراد رشدیافته‌ای نیستند و لذا با قربانی کردن دانش‌آموزان، نیازهای اساسی‌شان را تأمین می‌کنند این موضوع، می‌تواند چالشی مهم برای آموزش و پرورش باشد زیرا اگر این فرض درست باشد

بی‌نوشت

منابع

۱. تافلر، الوین- شوک آینده. ترجمه‌ی حشمت‌الله کامرانی، نشر مترجم، ۱۳۷۲.
۲. سلیگمن، مارتین- خوش‌بینی آموخته شده ترجمه‌ی کریمی و سادات افراز، نشر بهار سبز، ۱۳۸۷.
3. Maslow, A.H (1968). Toward a Psychology of Being (2nd ed.). Princeton: Van Nostrand.
4. Mergel, B.(1998). Instructional design & learning theory. University of Saskatchewan, Retrieved Feb. 12/ 2002/ from <http://www.usask.ca/education/coursework/802papers/mergel/mergel.PDF> Retrieved in 12/2/2006.
5. Saeednia, Y. (2009). The need to know and to understand in Maslow's basic needs hierarchy, US- China Educational Review Volume 6, Number 9, September 2009 (Serial Number 58), 52- 57. David Publishing Company, Illinois 60048, USA.
6. Seligman, M. (2006). Learned Optimistic: How to Change your Mind and Your Life.
7. Zimmerman, M. (2002). Abraham Maslow, Emotional Literacy and Ortho- Education: How to Make the World a Better Place, chapter 6. Retrieved Feb. 11, 2007, from <http://emotional literacyeducation.com/abraham-maslow-emotional-literacy-ortho-education.shtml>.

که معلمان رشدنیافته (کسانی که نیازهای کمبود آن‌ها به نسبت تأمین نشده و در سطح نیازهای رشد قرار ندارند)، باعث آفاتی می‌شوند که ذکر شد، آن‌گاه به دلیل در اقلیت بودن معلمان رشدیافته، آموزش و پرورش بدون معلم می‌ماند این واقعیت، گواه حقانیت پیشنهادی است که برخی متفکران جدید فلسفه‌ی آموزش و پرورش می‌دهند و آن این است که در آموزش و پرورش کنونی جهان، نقش معلم به‌عنوان محور، مرکز و مرجع یاددهی، متزلزل‌تر از گذشته است [تافلر، ۱۳۷۲]. در عوض، باید نقش محیط آموزشی و مواد آموزشی را پررنگ کرد و هسته‌ی اصلی آموزش را بر یادگیرنده متمرکز کرد. روش‌های ساخت‌گرایی^۱ در یادگیری، چنین دیدگاه‌هایی را توسعه می‌دهند [مرگل، ۱۹۹۸].

۲. معلمان تحت فشار مدرسه، والدین و نظام آموزشی قرار دارند و مجبورند از چنین روش‌هایی استفاده کنند تا خروجی (محصول) موردنظر آن‌ها تأمین شود. باید گفت، به واقع چنین مشکلی وجود دارد. یعنی حتی اگر معلمان بخواهند بدانند و بتوانند به درستی عمل کنند، فشارهای فوق‌مانعی اساسی برای تحقق اهداف آن‌ها هستند نظام آموزشی، توسط مرکز تصمیم‌گیری در دولت‌ها ایجاد می‌شود. مدرسه موظف است سیاست‌های آموزشی دولت‌ها را دنبال کند فرهنگ و ارزش‌های والدین نیز در این زمینه، انعکاسی از فرهنگ حاکم بر جامعه است فرهنگ آموزشی نیز که در طول سال‌های زیادی شکل گرفته، ناشی از واقعیت‌های اجتماعی مانند ارزشمند بودن مدرک، وضعیت اقتصادی و غیره است که این‌ها نیز به نوبه‌ی خود از نتایج سیاست‌هایی است که دولت‌های سال‌های گذشته و دورتر اعمال کرده‌اند به‌طور خلاصه، اگر قرار باشد معلمان رشدیافته از فشارهای ذکر شده رهایی یابند، در وهله‌ی اول و به‌طور اساسی، باید سیاست‌های دولتی در این زمینه تغییر کند؛ اگرچه تلاش برای تغییر نگرش اولیا از طریق گسترش آگاهی‌ها، تأثیرات زیادی خواهد داشت.

1. Constructivism



حسین افصح

شبانه روزی صداقت

یک گوشه‌ای از این مملکت، یا عشق و ایمان دارند کارشان را انجام می‌دهند دور از چشم همه: نه تقدیری، نه تشکری، نه تعریفی، نه تمجیدی، نه همایشی و نه بزرگداشتی. آتشی گرم که شب روشن می‌کند و صبح، موقع خداحافظی، باد خاکسترشان را می‌برد گوشه‌ای، پای درختی و... تمام.

آقای کریمی لیخنه زد - شیرین لیخنه می‌زد - و گفت: «عجله داری جوان؟»

گفتم: «کارم را دوست دارم.»

گفت: «کدام کار؟ شما که هنوز تجربه‌ای نداری! می‌دانی چی را دوست داری؟»

گفتم: «شما را دوست دارم.»

گفت: «به جان خودم، لال از پشت خاکریز بلند شدی امدی این جا، سلمچه بودی؟»

امروز، ساعتی پیش، مردی را به خاک سپردم که از جنس خاک بود. تا امروز نمی‌دانستم که می‌توان دریا را هم دفن کرد امروز مردی را به خاک سپردم که دلش دریایی بود.

نمی‌دانم این‌ها را که می‌نویسم خاطره است یا داستان، تکتنگاری شاهدهی است زنده یا پرنشان‌گویی مردی بیمار! هرچه هست، متعلق به موجودی است که بار غم دنیا بر دلش سبکی می‌کند، شمع می‌بویاید، شمع روشن می‌کنند، برای دقایقی: سال شصت و هفت بود جنگ تازه تمام شده بود، برگشتن از منطقه و خو گرفتن به عادات شهر، کار ساده‌ای نبود حکم را که دادند دستم، از خوش حالی پر درآوردم. ساعت ده صبح بود که از ساختمان اداره زدم بیرون، ظهر نشده، شوق و رفی جلوی مدیر شبانه‌روزی ایستاده بودم.

عاقله مردی بود به نام آقای کریمی که بعدها دانستم اهل کرامت است و از آن جواهرات خاک گرفته‌ی آموزش و پرورش که



گفتیم: «یک کم آن طرف تر»

گفت: «از روی نقشه یک کم آن طرف تر می شود بغداد!»

گفتیم: «بعضی ها وقتی فهمیدند ابلاغم برای این جا صادر شده، گفتند: پوست کنده است.»

گفت: «چرا؟»

و خندیدیم گفتیم: «به من می گفتند این جا باید خیلی کار کنم. می گفتند این جا کسی یا کسی تعارف ندارد. می گفتند این جا کار سخت است. می گفتند هر کس که تا حالا ابلاغش برای این جا خورده، یک جوری حکمش را پیچانده است. می گفتند تو هم اگر آشنا داری، حکمت را بیچان، این جا چه طوری است؟»

گفت: «راست گفته اند... از کار می ترسی؟»

گفتیم: «آه!»

گفت: «یک ضرب المثلی هست که: «اسم نایب را می گذارند عینعلی!» یعنی هر کس دنبال همان چیزی است که ندارد، درست یا غلط، من خیلی به این ضرب المثل باور ندارم. بعضی ها هستند که مصداق کامل اسمشان هستند. این جور آدم ها کم هم نیستند. آن قدیم ها که می خواستند برای اولین بار برای هر کسی شناس نامه صادر کنند، برای انتخاب نام خانوادگی، می گشتند ببینند آن بنده ی خدا در ولایتش به چه چیزی مشهور است. اگر طرف اهل محرم بود، اسمش را می گذاشتند مناجزاده، اگر اهل زمین و زراعت بود، اسمش را می گذاشتند کشاورز. اگر دستش کج بود اسمش را می گذاشتند سارقی و همین طور که اسم ها ردیف می شد، کار و کاسبی و خصلت و فیزیک آدم ها پشت سرش قطار می شد. شما سر این رشته را بگیر بیا جلو تا بررسی به حالا که اهل تحقیق، خیلی از خصلت های این آدمیزاد را زنتیکی می دانند که از پدربزرگ و پدر می رسد به پسر و نوه، و این طوری می شود که قربانعلی کدخدایی می شود عباس کدخدایی و بعد هم می شود سعید کدخدایی و بعد هم می شود امیر کدخدایی و آخر سر می بینی نوه ی آن قربانعلی کدخدایی از قضای روزگار، الان بعد از نود سال، باز هم شهردار و کدخدای یک جای دیگری است و خدا می داند پسرش فردا می شود رئیس پسر بنده و شما که نود سال پیش اسم پدربزرگمان را گذاشته اند بنده زاده یا غلامپور! حالا مثلاً چه می شد اگر اسم آن بنده ی خدا، پدر پدربزرگم را می گذاشتند سالارزاده! از این دنیای به این بزرگی کم می آمد؟»

گفتیم: «چه قدر طولانی؟ منظور تان چیست؟»

گفت: «این جا اسمش شبانه روزی صداقت است. اهالی شهر

می گفتند که آقای صداقت واقعاً آدم راستگویی بودم.

گفتیم: «این جا چکار باید بکنم؟ منظورم غیر از راستگویی است.»

گفت: «اول می گویم چه کار نکنی. زیاد حرف نزن... برای من تا دلت

می خواهد حرف بزنی، ایراد بگیر، پیشنهاد بده، انتقاد کن، قول می دهم که گوش کنم. این که می گویم حرف نزن، منظورم برای بچه ها است. جان هر کس که دوست داری، اگر فکر می کنی آموزش و پرورش یعنی

این که صبح تا شب بنشین و بچه های مردم را توی علفزار نصیحت بچرانی، همین الان برگرد و برو، ابلاغت را به قول همان ها که یاد دادند، بیچان.»

گفتیم: «چه شاعرانه گفتید «چربدن در علفزار نصیحت» را می گویم.»

گفت: «این جا یک مدرسه ی شبانه روزی است. این جا با مدارس دیگر فرق دارد. ما این جا فقط درس نمی دهیم. بچه ها این جا فقط درس نمی خوانند. ما این جا زندگی می کنیم، زندگی یعنی خواب و بیداری، یعنی بازی و نشاط، یعنی درس و امتحان، یعنی دعا و دوستی، یعنی محبت، بگذار زندگی این بچه ها راه خودش را برود. نصیحت این وسط جایش خیلی تنگ است. همین که من و تو این دور و بر باشیم که راه این بچه ها کج نشود، کافی است. کار کمی هم نیست. سخت هم هست.»

گفتیم: «پس با بچه ها که هستیم، چه کار کنیم؟»

گفت: «گوش کن - گوش کن - بگذار بچه ها حرف بزنند یک

کلمه که گوش کنی، به اندازه ی یک دنیا نصیحت می آرد.»

گفتیم: «شما که همماش من را نصیحت کردید.»

گفت: «من یکبار اشتباه بکنم، بهتر از این است که شما یک عمر اشتباه بکنی.»

گفت: «معلمی مثل رانندگی می ماند. خطر آن وقتی نیست که هنوز بلد نیستی دنده را چاق کنی یا نمی دانی پارک دوپل یعنی چی؟ این جور وقت ها آدم ها احتیاط می کنند. خطر مال وقتی است که دست به دنده و فرمان آشنا شده و فکر می کنی که راننده شدای، غافل از این که رانندگی یعنی در یک لحظه، در بدترین شرایط و در کمترین زمان، بهترین تصمیم را گرفتن. معلمی هم همین جور است. پسر، وقتی فکر کردی که دیگر یک معلم کامل شدی، خطر تازه شروع شده، معلمی تجربه می خواهد این را در هیچ مرکز تربیت معلم و دانشگاهی نمی توانند یادت بدهند.»

و این جوری بود که من کارم را در شبانه روزی صداقت شروع کردم. بیست و یک سال پیش!

از کجای این بیست و یک سال بنویسم؟ من این جا کار نکردم. من در این جا بیست و یک سال زندگی کردم. در کنار مردی از جنس خاک که دوستش داشتم و دوستم داشت. همه را و از همه بیشتر بچه ها را دوست داشت. همکاران هم دوستش داشتند. همه دوستش داشتند و از همه بیشتر بچه ها!

آن موقع من یک دنیا انرژی بودم. دوست داشتم بادی باشم که به بادیان مدرسه فشار می آورد و آن را به زور جلو می برد. آقای کریمی هم ناخدای این کشتی بود. در آن دوران جوانی، برای خودم یک دنیا طرح و برنامه بودم و همیشه دنبال چیزهای جدید می گشتم. آقای کریمی هم خوشش می آمد دوست داشت. هر وقت می رفتم سراغش، می گفت: «جوان، بریز بیرون ببینم این دفعه چی توی چنتهات داری؟»





از آن همه طرح‌های عجیب و غریب من دست می‌گذاشت روی یکی و می‌گفت: «بینم چه قدر جوهر داری؟ اگر اهلش هستی، یا علی! اما با من هماهنگ باش. هر جا شک کردی بپرس، خب؟»

یک روز یک موتور برق گیرمان آمد. آن موقع‌ها تازه جنگ تمام نشده بود و بر اثر صدماتی که نیروگاه‌ها در زمان جنگ دیده بودند، ساعات زیادی از شب و روز برق می‌رفت. در یک «شنبه‌روزی»، این موضوع برای خودش معضلی بود. آن موقع‌ها بعضی‌ها که دستشان به دهانشان می‌رسید با یک موتور برق کوچک مشکل خانه‌شان را تا حدی حل می‌کردند، اما کاری از دست ما بر نمی‌آمد. وضع مالی مدرسه در آن شرایط به قدری بد بود که به زحمت از عهده‌ی برطرف کردن ضرورت‌ترین نیازهای بچه‌ها بر می‌آمدیم. انتظاری هم نداشتیم. این موتور برق هم روغن ریخته‌ای بود که یک بنده خدایی ندر اما مراده کرده بود. در حقیقت از موتور برق فقط اسمش را داشت. صاحبش که دیده بود این موتور عمرش را کرده و دم به ساعت باید خرج تعمیرش کند، عطایش را به لقایش بخشیده و یک موتور نو خریده بود و بعد هم برای شادی امواتش آن را فرستاده بود برای ما!

به آقای کریمی گفتیم: «آقا عالی شد. مشکلمان حل شد.» آقای کریمی گفت: «آدم خوش خیال، مثلاً فکر کردی با این چه کار می‌توانی بکنی؟ این به زور برایت بتواند شبی یک ساعت کار بکند.»

گفتم: «اتفاقاً همان یک ساعت هم کافی است. ببینید من یک طرحی داشتم که بچه‌ها شب‌ها کار گروهی انجام بدهند. گروه گروه دور هم جمع بشوند و درس‌های آن روزشان را مرور بکنند. یادتان هست چی شد؟ یک هفته نگذشت که به خاطر خاموشی‌ها، برنامه به هم خورد. شما بگذار این را برای همان ساعت‌های کار گروهی درسی روشنی کنیم. تعمیرش با من، بزنن و روغنش هم که خرجی ندارد.»

آقای کریمی گفت: «برای خودت در درس درست می‌کنی، ولی اگر دوست داری، حرفی نیست. سنگ مفت، گنجشک مفت.»

من از بیجگی، ناستان‌ها که می‌شد پیش پدرم در مکانیکی کار می‌کردم. با کار موتور کم و بیش آشنا بودم. وقتی دستی به سر و رویش کشیدم، چیز بدی از آب درنیامد. درست که شد، به روشنایی سائلن مطالعه وصلش کردم. اولین شبی را که موتور به کار افتاد به خوبی به یاد دارم. یکی از روزهای بهمن‌ماه بود. انگار که دنیا را به من داده باشند. گاهی همین موفقیت‌های کوچک، شادی یک هفته‌ی زندگی آدم می‌شود.

به هر حال، از همان فردایش برنامه‌ی مطالعه‌ی گروهی شبانه را با برنامه و حساب و کتاب و با امید و آرزو به راه انداختم. فرم‌هایی درست کرده بودم که در آن‌ها ساعات مطالعه و عناوین درس‌ها ثبت شده بود. فرم‌هایی هم داشتیم که میزان موفقیت و فعالیت گروه‌های دانش‌آموزی را در آن ثبت می‌کردم.

متأسفانه این شادی من شاید دو هفته هم نوام نیاورد. موتور برق خراب و برنامه با مشکل روبه‌رو شد. جای نزدیک نبود. آستین‌ها را بالا زدم و دوباره مشغول تعمیر آن شدم. در نور کم چراغ‌قوه و در سرمای بهمن‌ماه، واقعاً کار سختی بود. اما دلم به نتیجه‌ی کار گرم بود. بچه‌ها هم کمک می‌کردند. رابطه‌ی من با بچه‌ها همیشه خوب و دوستانه بود. حتی شاید بگویم برادرانه. من فکر می‌کنم دانش‌آموزان هم این را فهمیده بودند. رفتارشان با من همیشه دوستانه بود و البته احترامم را هم نگاه می‌داشتند. به هر حال، دانش‌آموزان هم به کمک من آمدند و موتور را باز کردیم و دوباره سست‌وشویش دادیم و سوارش کردیم. این کار تا دیروقت شب طول کشید. ولی در نهایت موتور روشن شد. فردای آن روز، برنامه‌ی مطالعه‌ی گروهی را از سر گرفتیم. ولی بعد از دو سه شب، دوباره موتور از کار افتاد و من دوباره با کمک بچه‌ها مشغول تعمیر و سرویس موتور شدم. الان که به آن موقع فکر می‌کنم، از آن همه انرژی تعجب می‌کنم. در آن سرما، دست زدن به قطعات فلزی موتور، وحشتناک بود. گاهی دست‌هایم بی‌حس می‌شد. اما به کار ادامه می‌دادم تا دوباره موتور را روشن کنیم.

شاید نزدیک به دهمار این اتفاق تکرار شد و من ادامه دادم. دانش‌آموزان هم خسته شده بودند. حوصله‌شان سر رفته بود. از همان دفعه‌های دوم و سوم به من می‌گفتند: «آقا ولش کنید. بی‌فایده است.» اما من دست‌بردار نبودم و جالب این که در آن شرایط سخت، غده‌ی زیادی از دانش‌آموزان پایه‌های من و برای تعمیر موتور کمک می‌کردند. این داستان ادامه داشت تا این که یک شب با اصرار عجیب دانش‌آموزی به نام عزیززاده روبه‌رو شدم که سفت و سخت ایستاده بود تا مرا از ادامه‌ی کار منصرف کند. می‌گفت: «آقا شما خیلی مرد هستید. اما شما را به خدا ولش کنید.»

گفتم: «نه، من یا پس نمی‌کشم.» گفت: «آقا، جان هر کس که دوست دارید ولش کنید، بچه‌ها حالشان گرفته است. ولش کنید.»

گفتم: «بچه‌ها برای چی حالشان گرفته است؟ من که نخواستم بیايند کمکم، خودشان آمدند.»

گفت: «آقا شما نمی‌دانید. لطفاً دست بردارید.»

بحث آن شب با بنون نتیجه ادامه پیدا کرد تا این که عزیززاده در عین تعجب من شروع به گریه کرد و رفت. کارش برام عجیب بود. به هر حال بی‌تگرفتم و به کارم ادامه دادم تا این که فردا صبح، آقای کریمی من را صدا زد و گفت: «محسن جان، این موتور برق را ولش کن.» و تا من آمدم چون و چرا کنم، جنویم را گرفت و گفت: «فرض کن این یک دستور است. خب؟ اگر خواستی تعمیرش کن و بگذارش انبار، اگر هم نخواستی ببندارش دور. اما برنامه‌ی کار گروهی تعطیل! موتور خاموش!» این اولین و آخرین باری بود که آقای کریمی به من دستور می‌داد.

آقای کریمی این سال آخر را خانه‌نشین شده بود. بیماری سرطان از پا انداخته بودش. روح سرزنده‌ای داشت، اما جسمش فرسوده بود و

یاری اش نمی کرد دیگر نمی توانست بیاید مدرسه. این بود که استعفا داد و اداره حکم مدیریت مدرسه را به نام من زد. هر وقت که فرصتی پیش می آمد، به دیدنش می رفتم. حداقل هفته ای یکبار. نمی شد اسم این دیدارها را عبادت گذاشته کنار بسترش می نشستیم و از خاطرات گذشته می گفتم. به قول خودش، کتاب خاطراتم را ورق می زدم. بارها در مرور خاطرات گذشته، کنار بسترش به گریه افتادم. هر بار که این اتفاقی می افتاد او دلناری ام می داد اما هرگز ندیدم که چشمان خودش حتی به نم اشکی مرطوب شود. در تمام سال هایی که می شناختمش، حتی یکبار هم اشک او را ندیدم.

گاهی در این دیدارها بعضی از همکاران حضور داشتند. یک روز چند نفری از شاگردان سال های دور مدرسه به دیدنم آمدند. عزیزاده هم همراهشان بود. بچه های دبیروی حالا به سن سی و چند سال رسیده بودند و پیر شدن مرا به رخم می کشیدند. ساعتی را باهم بودیم و خاطرات آن سال های دور را بازگو کردیم و گفتم و خندیدیم. با خودم گفتم، خاطرات آن سال ها باید برای یک نفر از همه جالب تر باشد این بود که دسته جمعی برای دیدار آقای کریمی، زاهی شدیم. مدت ها بود که آقای کریمی را این طور شاد ندیده بودم. ساعتی گفتم و خندیدیم تا رشته ی بازگویی خاطرات رسید به آن شب های سرد و آن ماجرای موتور برق کذایی!

یکی از جوان ها به من گفت: «آقا چی شد از تعمیر موتور دست برداشتید؟ باورمان نمی شد کوتاه بایید»

گفتم: «پسر جان! من اگر دست کشیدم، به خاطر دستور رئیس بود، وگرنه عمراً کم نمی آوردم».

گفت: «آقا ما فکر می کنیم کار، کار عزیزاده بود که آخر سر قضیه را لو داد ما که جرئتش را نداشتیم».

گفتم: «قضیه ی چی را لو داد؟»

گفت: «قضیه ی خراب کردن موتور برق را» و برای من که گیج شده بودم، توضیح داد که همه ی آن شب ها، این بچه ها بودند که موتور را خراب می کردند. یکبار در پاک بنزینش شکر ریخته بودند. یکبار در اکروزش کاغذ چپانده بودند. یکبار شیلنگ بنزینش را با اشغال مسدود کرده بودند و هزار کار عجیب و غریب دیگر که اصلاً فکرش را نمی کردم.

گفت: «پس چرا من نمی فهمیدم».

گفتند: «وقتی برای تعمیر موتور کمکتان می کردیم، آثار جرم را پاک می کردیم».

تصورش برای من سخت بود. من آن کارها را برای بچه ها کرده بودم. در نهایت صداقت: از خودم مایه گذاشته بودم و آن ها من را بازی داده بودند. با خودم گفتم: «کار کثیفی بوده، شیطنت بچه گانه نبوده، نه...» نمی توانستم باور کنم. با این که در حضور آقای کریمی بودیم و قاعدتاً باید رعایت می کردم، نتوانستم جلوی خودم را بگیرم و گفتم: «بر آن سرما، پدر من درمی آمد من ساعت ها سرپا می ماندم، شام نمی خوردم. در آن شرایط،

زیر نور شمع یا چراغ قوه ی لعنتی که پرپر می زد برای شما این کار را می کردم. آن وقت همه ی آن شب ها شما با من بازی می کردید؟»

بعد از حرف های من، همه ساکت شدند. پس از لحظاتی، عزیزاده گفت: «آقا چاره ای نبود».

گفتم: «چاره ای نبود؟ مگر می خواستم چه کار بکنید؟ می خواستم درس بخوانید».

گفت: «آقا ما از درس بدمان نمی آمد اما خودمان هزارتا مشکل داشتیم. از صبح درس خوانده بودیم. سر کلاس بودیم. خسته بودیم. خودمان هزارتا مشکل داشتیم. یکی پول نداشت. یکی مادرش نامه داده بود که برگرد. یکی پدرش مریض بود. می خواستیم چند ساعت هم مال خودمان باشد. خود من...»

گفتم: «خب چرا نمی گفتید».

یکی از آن ها گفت: «آقا اگر می گفتیم، فایده ای داشت؟ شما گوش می دادید؟»

عزیزاده گفت: «آقا شما محو برنامه تان شده بودید. شما همه اش از فواید برنامه ی خودتان می گفتید، یکی دوبار هم که ما آمدیم حرفی برنیم، شما اصلاً توجه نکردید».

گفتم: «پس چرا خود شماها کمکم می کردید؟ چرا در آن سرما پایه پای من می آمدید تا به زور بفرستتان خوابگاه؟»

عزیزاده گفت: «آقا چون دوستان داشتیم».

گفتم: «اما دست های من از سرما بی حس می شدند».

بعد از این جرف من، سکوت سنگینی بر فضای دیدار ما حاکم شد. من رو کردم به آقای کریمی و گفتم: «شما هم می دانستید؟»

آقای کریمی گفت: «همان روز که فهمیدم، صدايت زدم و گفتم دیگر ادامه ندم». مدتی در سکوت گذشت تا آقای کریمی ادامه داد: «پسرم، آن موقع شما جوان بودی. شاید دست هایت از سرما بی حس می شد اما قلبت به عشق کاری که می کردی، گرم بود. از دست این جوان ها ناراحت نشو».

حرف زدن برایش سخت شده بود. بعد از هر عبارت مکث می کرد و نفس می گرفت.

«پسرم دست و پای من مدتی است که بی حس شده اند. خدا می داند چند روز دیگر مهمان شما هستم. شما به من گوش کن. این حرف را که الان به شما می گویم، تعارف نیست. دلیلی برای تعارف ندارم. محسن جان، دست های من مدتی است که بی حس شده اند. اما قلبم هنوز گرم است. این قلب من زمانی برای این بچه ها می تپید. راستش را بخواهی، الان هم برای آن ها می تپد».

سررم را بلند کردم. بر صورت تکیه داش برای اولین بار، قطره اشکی دیدم.

...

بعضی آدم ها آتشی گرم هستند که شب روشن می کنند و صبح، موقع خدا حافظی، باد خاکسترشان را می برد گوشه ای، پای درختی و...



کلیدواژه‌ها:

هوش قضایی،
کلاس درس،
هوش طبیعت‌گرا

اشاره

گاردنر، از جمله نظریه پردازان هوش های چندگانه ی یادگیری، اعتقاد دارد که باید برای شناخت بیشتر و یادگیری ماندگارتر، به مطالعه ی منابع اطلاعاتی طبیعت گرایانه ای پرداخت که نحوه ی ایجاد مهارت های اصلی زندگی مردم سراسر جهان براساس آن است. این عقیده ی گاردنر، بر توجه به هوش های چندگانه ی یادگیری و تأثیر آن بر افزایش اثربخشی مثبت مدرسه و معلم تأکید می کند. بر این اساس و مطابق مقالات گذشته، دسته های از هوش های چندگانه، مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. نوشته ی این شماره، به دو هوش مکانی و طبیعت گرا اختصاص دارد.

شاید شما هم به افرادی برخورد داشته باشید که در محلی ناآشنا، به راحتی مسیر خود را پیدا می کنند و به نقشه ی راه ها بسیار علاقه مندند. این دسته از افراد معمولاً حساسیت بالایی به رنگ ها دارند و یکی از سرگرمی های مورد توجهشان، استفاده از دوربین عکاسی و فیلم برداری در ثبت چیزهایی است که در اطرافشان وجود دارد. این نشانه ها بیانگر آن است که این دسته، دارای هوش مکانی قوی هستند. هوش مکانی که با عناوینی چون هوش قضایی - بصری نیز مطرح می شود، نوعی توانایی است که فرد را قادر می سازد تا به راحتی تصویر سه بعدی اجسام را در ذهن خود ترسیم کند. بنابراین، هندسه و درس این جنبه، از جمله مواردی هستند که درک آن ها برای این افراد ساده است. در این میان، معلمانی که بیشتر می کوشند تا مطالب جدید را از طریق ترسیم کردن، کشیدن شکل یا نقشه، رنگ آمیزی کردن و... نشان دهند، در این گروه قرار دارند.

به این ترتیب، به نظر می رسد در فرایند یاددهی - یادگیری، استفاده از ابزارهای مربوط به هوش مکانی، از کارایی زیادی برخوردار است. برای مثال، دبیر تاریخ به عنوان تکلیفی پیشنهادی، از دانش آموزان علاقه مند می خواهد، نقشه ی درس را که در آن محدوده ی حکومت ایلخانات نشان داده شده است، بکشند و رنگ آمیزی کنند یا دبیر درس علوم، برای بحث جابه جایی یا همرفتنی، لایه های زمین را با استفاده از یونولیت به صورت

تکه های جدا از هم می سازد و در اختیار دانش آموزان قرار می دهد تا با قرار دادن آن ها در کنار هم، با مفهوم مورد نظر آشنا شوند. دبیر ادبیات هم، قسمت های گوناگون درس را با استفاده از تصویر به دانش آموزان نشان می دهد تا آن ها بتوانند با داسان ارتباط بهتری برقرار کنند. طرح معما نیز از دیگر کاربردها در درس، به ویژه در درس ریاضی است. دانش آموزان ضمن مواجهه با یک معما که باید ذهن خود را درگیر آن کنند، به نوعی از هوش مکانی خود بهره می گیرند. به ویژه زمانی که معما به شکلی مطرح شده است که لازم باشد فرد برای حل آن، تصویرسازی کند.

بر این اساس، برگزاری نمایشگاه هایی از تصاویر و عکس های مربوط به یک زمینه ی درسی برای دانش آموزان دارای این توانایی ذهنی، بسیار تأثیرگذار است. این دسته از دانش آموزان در خواندن نقشه، نمودار و جدول ها، به مراتب بهتر از سایرین عمل می کنند و به همین علت، بهتر است تکالیف آن ها مجموعه ای از انجام چنین فعالیت هایی را دربرگیرد.

ساختن الگوها و اشکال سه بعدی، برای این گروه از دانش آموزان ساده تر از سایرین است و این توانایی می تواند منبع خوبی برای تهیه ی ابزارهای آموزشی معلم باشد. برای این منظور کافی است معلم در حین تهیه ی طرح درس خود و پیش از اجرای آن، طرح اشکال مورد نیاز را یا این دسته از دانش آموزان در میان

معمای کلاسی طبیعت

لیلا سلیمه دار

دکترای برنامه ریزی آموزشی



بگذارند سپس با هدایت آنان، موارد را تهیه و در جلسه‌ی آموزشی به عنوان رسانه‌ی آموزشی از آن استفاده کنند.

در ادامه، به چند تجربه‌ی مفید آموزشی معلمان که با تکیه بر هوش مکانی انجام می‌شود اشاره شده است: «یکی از تأثیرگذارترین تجربیات من در یادگیری دانش آموزان، به «تخته سیاه ذهنی» مربوط می‌شود. برای این کار، از دانش آموزانم می‌خواهم که در ذهن خود یک تخته سیاه را تصور کنند و مطالب درس را در هر قسمت از تخته به‌طور مرتب و دسته‌بندی شده قرار دهند. در فرصت‌های مناسب از آن‌ها می‌خواهم، مطلب خاصی را روی تخته‌ی ذهنشان به یاد آورند.»

تجربه‌ی مؤثر دیگری می‌گوید:

«پس از آشنایی با هوش‌های چندگانه و براساس هوش مکانی تصمیم گرفتیم، نقش رنگ‌ها را در کلاس بیشتر کنیم. به همین دلیل، مطالب روی تابلو را با مژیک و گچ‌های رنگی نوشتیم و از دانش آموزانم هم خواستیم تکالیفشان را با استفاده از رنگ‌های گوناگون انجام دهند. بسیار جالب بود که این کار کوچک و به‌نظر ساده، تأثیر زیادی در یادگیری دانش آموزانم داشت.»

از دیگر کاربردهای این هوش برای اثربخشی آموزش، آن است که از دانش آموزان بخواهیم، مفهوم درس را با استفاده از نقاشی خود نشان دهند. برای مثال، معلم می‌خواهد از این شیوه در مفهوم کسر و یا احتمالات در درس ریاضی استفاده

کلاس درس با همکلاس



کند او از فراگیرندگان می‌خواهد تا تصور خود را از مفهوم مورد نظر نقاشی کنند. در این حالت، پیچیدگی یا سادگی نقاشی مورد نظر نیست، بلکه توضیحاتی که دانش آموز در مورد نقاشی خود می‌دهد و برداشتی که او از مفهوم داشته است، می‌تواند برای معلم بسیار راهگشا باشد.

برای معرفی توانایی دیگر ذهنی لازم است نوعی بازی را به یاد آورید که ممکن است خود شما هم در کودکی بازیگر آن بوده باشید. در این بازی، یک نفر باید بعد از مشاهده‌ی دقیق محیط، کلاس یا اتاق را ترک می‌کرد. در غیاب او، تغییری در محیط ایجاد می‌شد و سپس او باید تغییر را حدس می‌زد. کسانی که همیشه برنده‌ی این مسابقه هستند، از هوش طبیعت‌گرایی بالایی هم برخوردارند.

این افراد هم‌چنین سازگاری بیشتری با طبیعت دارند و معمولاً به پرورش، کشف محیط و یادگیری درباره‌ی موجودات علاقه‌مندند. به سرعت از جزئی‌ترین تغییرات در محیطشان آگاه می‌شوند و از آن‌جا که علاقه‌مندی‌های آنان موضوعاتی مانند گیاه‌شناسی، زیست‌شناسی و جانورشناسی است، بنابراین لازم است یا فرصت‌های آموزشی بیشتری در دل طبیعت برای آن‌ها ایجاد کرد و یا قسمتی از کلاس درس را به طبیعت اختصاص داد.

بر این اساس، شناسایی راه‌های رعایت حقوق حیوانات و یا روش‌های حفظ کره‌ی زمین و یا مطالعه‌ی اکولوژی، طبیعت و حیوانات و نیز نگهداری از ماهی‌های آکواریوم و یا جانوران تراریوم می‌تواند موضوعات پژوهشی مناسبی برای این قبیل دانش آموزان باشد.

به این ترتیب، ممکن است این تصور ایجاد شود که هوش طبیعت‌گرا تنها با درس علوم تجربی ارتباط دارد و برای آموزش در این درس به کار می‌آید. اما باید به این نکته توجه کرد که ذکاوت معلم در پیوند دادن مطالب هر درس با این توانایی ذهنی، می‌تواند اثربخشی آن را افزایش دهد. برای مثال، دبیر اجتماعی از دانش آموزان می‌خواهد، زندگی انسان‌ها را با زندگی گروهی از حیوانات مقایسه کنند. در این مقایسه، نکات مورد نظر معلم پررنگ می‌شود. اما تصور زندگی حیوانات و آشنایی بیشتر با آن‌ها می‌تواند برای این گروه از دانش آموزان لذت‌بخش و مؤثر باشد. یا دبیر ریاضی می‌کوشد تا مسائلی با موضوع گیاهان را در اختیار دانش آموزان قرار دهد.

چنین قیاس‌هایی، در بسیاری از دروس قابل استفاده است. از سوی دیگر، برایی کلاس در محیط باز، برگزاری اردوهای آموزشی و نیز تشویق دانش آموزان به نگهداری گیاهان گوناگون در کلاس درس، می‌تواند به‌طور غیر مستقیم با تحریک هوش طبیعت گرایانه‌ی دانش آموزان، به یادگیری بیشتر آنان منجر شود.

پی‌نوشت

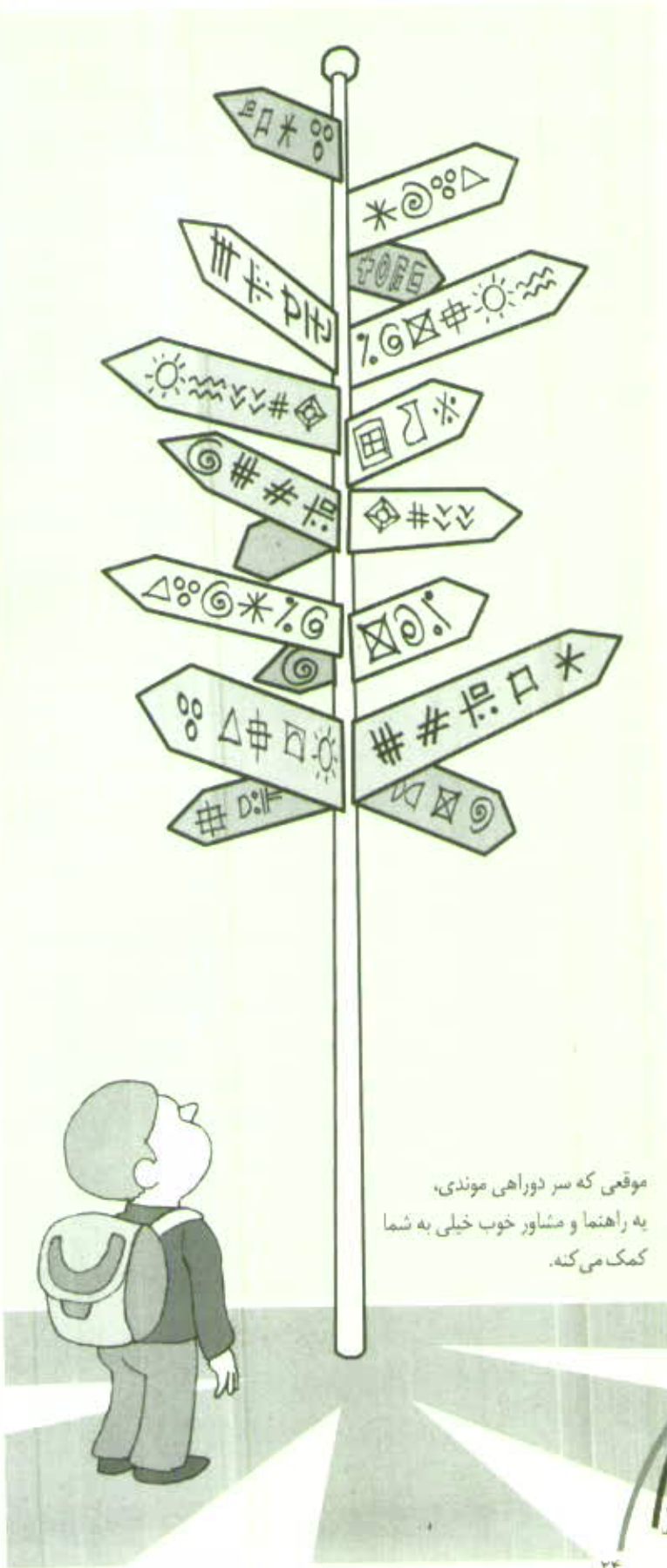
۱. وبسایت‌های مانند آکواریوم که برای نگهداری حیوانات به کار می‌رود.

منابع

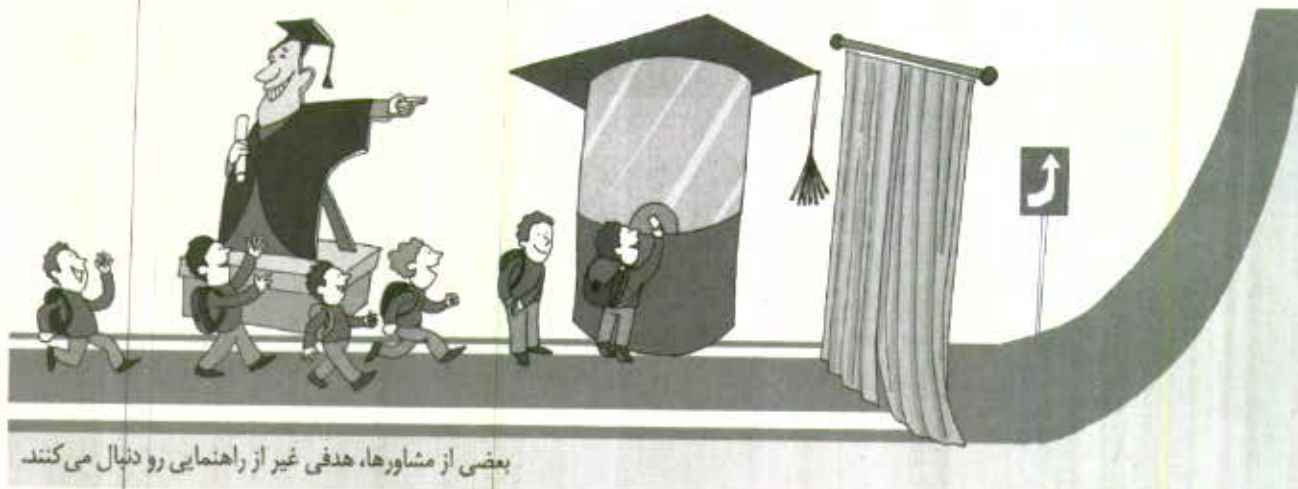
۱. رولو، مارتین. تمرین‌هایی برای پرورش درک کودک ترجمه‌ی کاظم فاتحی. تهران: مؤسسه‌ی انجام کتاب، ۱۳۷۷.
۲. زاکار، آلبر. هوش چیست؟ ترجمه‌ی کیان فروزش. تهران: نشر مرکز کتاب مریم، ۱۳۸۰.
۳. صفائی‌دیبا، علی‌اکبر. کتاب برای کودکان باهوش. تهران: مهرمانا، ۱۳۸۵.
۴. عراقی، عباس. پرورش هوش کودکان. تهران: هستی، ۱۳۸۰.
۵. علوی، مریم - علوی، مسعود تقویت هوش کودک. تبریز: نشر میلان، ۱۳۸۱.

مشاوره و نقشه‌برداری

مهدی رضائیان



رشد آموزش
راهنمای
تخصصی



مفصل‌ها را نشکنید!

احمد مختاریان

بزشک عمومی و دبیر منطقه ۲ تهران

رایانامه: a2mokhtarian@yahoo.com

در شمارهی گذشته درباره‌ی مبلمان بدن - عضلات - مطالبی تقدیم سروران گرامی شد. در این شماره به سلامت اسکلت بدن می‌پردازیم. اسکلت عبارت است از: استخوان‌ها، مفاصل و رباط‌ها (تانئون‌ها).

وظیفه‌های اسکلت

۱. محافظت (مانند اسکلت جمجمه، قفسه‌ی سینه و...)
 ۲. تأمین حرکت بدن از طریق اتصال عضلات به آن
 ۳. برقراری تعادل کلسیم در بدن
- با توجه به وظایف مطرح شده، سلامت اسکلت نقش مهمی در سلامت تمام اندام‌های بدن و کارکرد آن‌ها دارد. اصلی‌ترین نکاتی که در حفظ سلامت استخوان‌ها و مفاصل و تانئون‌ها نقش بنیادین دارند، عبارت‌اند از:
۱. تغذیه‌ی صحیح به‌منظور تأمین مواد موردنیاز اسکلت به‌ویژه کلسیم: تأمین کلسیم از مهم‌ترین نکاتی است که درباره‌ی دستگاه اسکلتی باید رعایت شود. مصرف مداوم و روزانه‌ی لبنیات به‌ویژه پنیر، شیر، ماست، دوغ و یا قرص‌های کلسیم (با نظر پزشک) شدیداً توصیه می‌شود.
 - علاوه بر لبنیات، سبزیجات مانند پونه، دیگر فرآورده‌های لبنی مانند کشک، خشکبار مانند بادام و نیز گوشت، می‌توانند کلسیم موردنیاز بدن را تأمین کنند.

۲. تأمین ویتامین D: این ویتامین در جذب و ذخیره‌سازی کلسیم نقش اساسی دارد. اما آن چه مهم است و معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد، این است که زمان مصرف این ویتامین (به‌صورت آمپول) هنگامی است که فرد از دریافت تابش مستقیم نور آفتاب محروم باشد. پس در کشورها و یا شهرهایی که آفتاب کافی دارند، نیازی به مصرف این ویتامین نخواهد بود. زیرا در این گونه محیط‌ها برخورد نور آفتاب با بدن برای تولید ویتامین D در بدن کافی است. لذا افرادی که باید ویتامین D را به‌عنوان دارو دریافت کنند، عبارت‌اند از:

- الف) بیماران بستری در بیمارستان‌ها (به شرطی که مدت بستری شدن آن‌ها طولانی نباشد).
- ب) پیرمرد‌ها و یا پیرزن‌هایی که کمتر از منزل یا آسایشگاه خارج می‌شوند.

ج) ساکنان مناطقی که به دلیل وضعیت آب و هوایی و یا جغرافیایی، آفتاب کمتری را دریافت می‌کنند.

پس، اصراری به دریافت و یا مصرف مصنوعی ویتامین D نداشته باشید.

۳. ورزش و نرمش: زیرا هم مانع کاهش دامنه‌ی حرکات مفاصل می‌شود و هم جریان خون بدن را تنظیم می‌کند.

۴. استفاده و به‌کارگیری صحیح اسکلت (در بخش‌های آینده در این باره صحبت خواهد شد).

اقدامات فوق در پیش‌گیری و یا ساکن کردن بیماری خطرناک پوکی استخوان (استئوپورز) بسیار مؤثر هستند. بیماری پوکی استخوان معمولاً در افرادی دیده می‌شود که با کمبود کلسیم و ویتامین D مواجه هستند. این بیماری آثار و عواقب خطرناکی دارد که برخی از آن‌ها را نام می‌بریم:

۱. شکسته شدن استخوان‌ها به‌ویژه دست‌ها، پاها و لگن، با وارد آمدن کم‌ترین ضربه؛

۲. سکنه‌ی قلبی، مغزی، کلیوی و یا ربوی، به‌دلیل وزود ذرات چربی به رگ‌ها؛

۳. تأخیر طولانی مدت در بهبود شکستگی‌ها؛

۴. بروز اختلال در روند تولید گلبول‌های قرمز خون.

به‌منظور تسهولت در رعایت اصول و نکات بهداشتی مربوط به استخوان‌ها، مفاصل و رباط‌ها، هر یک را به‌طور جداگانه می‌آوریم:

الف) مفاصل

مفصل عبارت است از اتصال دو استخوان به یکدیگر که غالباً متحرک هستند. مفاصل مهم بدن که رعایت بهداشت آن‌ها ضروری است، عبارت‌اند از: مفاصل مهره‌های گردن و کمر؛ مفصل انگشتان دست؛ مفصل کتف و شانه؛ مفصل زانو؛ مفصل مچ پا.



درباره‌ی مفصل‌ها رعایت موارد زیر کاملاً جدی و ضروری است:

- مفصل‌ها را نشکستید (صدای آن‌ها را در نیاورید) زیرا هر بار شکستن مفصل‌ها، باعث پیدایش ذرات ریز استخوانی در مفصل می‌شود و به مرور، هم مفصل را درشت و بدشکل می‌کند و هم حرکات طبیعی آن را محدود می‌کند. شکستن مفصل همان است که بعضی از عوام می‌گویند: «قولنج دست یا کمر را گرفتیم».
- مانع وارد شدن هر گونه بار زیاد به مفصل‌ها شوید.
- از کشیده شدن مفاصل جلوگیری کنید.
- عضلات اطراف مفاصل را تقویت کنید.



مفصل مهره‌های گردن

مهم‌ترین کاری که شایسته است دبیران محترم به‌ویژه دبیرانی که مطالعه‌ی زیاد دارند و یا ورقه‌های زیاد را باید تصحیح کنند رعایت کنند، این است که تا حد امکان، از خم کردن گردن روی کتاب یا ورقه خودداری کنند. هنگام مطالعه، با گردن را راست بگیرید و یا از وسیله‌ای استفاده کنید که کتاب را به صورت شیب‌دار در مقابل چشمان شما قرار دهد. هنگام تصحیح ورقه نیز تا حد امکان روی برگه خم نشوید. برای آن که بتوانید این نکته‌ی بسیار مهم را به راحتی رعایت و اجرا کنید، لازم است نور کافی داشته باشید. زیرا کمبود نور باعث می‌شود عمداً یا ناخودآگاه روی ورقه خم شوید.



هم‌چنین، عضلات گردن به‌ویژه عضله‌ی ذوزنقه‌ای پشت گردن را به روش زیر تقویت کنید:

دست‌ها را پشت قرار دهید و با سر به دست‌ها فشار دهید این عمل را حداقل ۱۰ بار در هر نوبت انجام دهید (تصویر در مجله‌ی شماره‌ی ۶) سپس کف دست راست را روی سمت راست صورت قرار دهید و با سر به دست خود فشار وارد کنید این عمل را حداقل ۱۰ بار در هر نوبت انجام دهید. همین کار را با دست چپ نیز اجرا کنید. سپس پشت دست‌ها را بر پیشانی قرار دهید و با سر به دست‌ها فشار دهید این عمل را حداقل ۱۰ بار در هر نوبت انجام دهید. اصراری بر انجام تمرین سستی گردن نداشته باشید، زیرا معمولاً باعث ایجاد صدا و مهره‌های گردن می‌شود. البته اگر در صورت آمادگی عضلات گردن این عمل را انجام دهید، اشکالی پیش نخواهد آمد.

همین‌طور ارتفاع صندلی و میز کارتان را کمتر کنید زیرا اگر خیلی پایین یا بالا باشد، به مهره‌های گردن صدمه خواهد زد.



«تقویت عضله‌ی پشت گردن را هرگز فراموش نکنید»

هنگام ایستادن و راه رفتن، سر را بالا و مستقیم نگه دارید.

رعایت موارد بالا، آن بیماری را که مردم «آرتروز» می‌نامند، کنترل می‌کند.

جعفر ربانی

شاعر دلیر و آزادی خواه

در ابتدای فصل هفتم از کتاب فارسی دوم راهنمایی که از سال تحصیلی جاری به مدارس راه یافت، شعری با عنوان «خوشا مرز ایران غیر نسیم» چاپ شده است که متأسفانه نام شاعر در زیر آن نیامده است و احتمالاً بسیاری نمی‌دانند که سراینده‌ی این شعر کیست؟ که بوده و چه سرنوشتی داشته است؟

کوتاه سخن این که شعر مزبور از میرزا آقاخان کرمانی، شاعر آزادی خواه دوره‌ی ناصرالدین شاه و سپس مظفرالدین شاه است که جان بر سر راه دلیری و آزادی خواهی گذاشت و مقتول شد و ما در سطور بعد، به‌طور مشروح او را به شما خواهیم شناساند. نکته‌ی دیگر این که شعر «خوشا مرز ایران...» را در سال‌هایی بسیار پیش از این، یعنی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی، بچه‌ها در کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی می‌خواندند. پس از تغییر و تحولی که در همان ایام در کتاب‌ها پیش آمد، این شعر هم از کتاب‌ها رخت بربست و اینک باز دیگر از کتاب دوم راهنمایی سر برآورده است. اما میرزا آقاخان

زندگی میرزا آقاخان

نام او میرزا عبدالحسین خان، مشهور به میرزا آقاخان کرمانی است. در زمان ناصرالدین شاه و در سال ۱۲۷۰ هجری قمری، در روستای «مشیز» از دهات پرنسیر کرمان به دنیا آمد. خانواده‌اش صاحب مکتب و ملاک بودند. پدرش اهل علم و عرفان بود و مادرش دختر یکی از فقیهان باگرایش به عرفان و تصوف، پس، میرزا آقاخان در خانواده‌ای اهل علم و فرهنگ و متمکن به دنیا آمد. در کرمان عقیدات اساسی خود را در فقه، اصول، حکمت، منطق، ریاضی و... آموخت و ترقی کرد. به همه‌ی رشته‌های علوم قدیم و جدید علاقه نشان می‌داد حتی نقاشی، جغرافیا، تاریخ و زبان‌های خارجه، سی سال داشت که به اتفاق شیخ احمد روحی کرمانی، فرزند یکی از استادانش، به اصفهان رفت. در اصفهان زبان فرانسوی را یاد گرفت و بعد به استانبول رفت. این زمانی بود که آوازه‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی در ایران و خارج از ایران پیچیده بود. سید جمال در استانبول می‌ریست و از دور، مخالفان حکومت ناصرالدین شاه را راهنمایی و رهبری می‌کرد. میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی در استانبول به مریدان سید پیوستند و در آن‌جا به فعالیت‌های علمی و قلمی علیه حکومت ناصری مشغول شدند.

این بود تا ناصرالدین شاه به دست میرزا رضاخان کرمانی، از مریدان سید، در حرم حضرت عبدالعظیم در

تهران کشته شد. دولت ایران که میرزا آقاخان را از جمله محرکان میرزا رضا در این قتل شناخته بود، از دولت عثمانی درخواست کرد که او و دو نفر دیگر از یارانش را به ایران تحویل دهند. عثمانی هم پذیرفت و در نتیجه میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی و میرزا حسن خیرالملک را دستگیر کرد و روانه‌ی ایران ساخت. وقتی به تبریز رسیدند، محمدعلی میرزا، ولیعهد مظفرالدین شاه، که آن زمان در تبریز مستقر بود، دستور داد هر سه را بی‌درنگ اعدام کنند و لذا در سال‌های قبل از مشروطه، به زندگی این سه آزادی خواه پایان دادند.

و اما ویژگی میرزا آقاخان در چند مورد است که از جمله‌ی آن‌ها، حلت توحه‌وی به ایران باستان و به اصطلاح آثار تمدن و مفاخر ایرانی قبل از اسلام است. گو این که در این جهت، نوعی شیفتگی از خود بروز می‌دهد که با افکار و عقاید اسلامی اصطکاک پیدا می‌کند. او چندین کتاب نوشت که از جمله عبارت است از: «سه مکتوب، صد خطابه، آیین‌های اسکندری، سالارنامه و هفتاد و دو ملت».

در همه‌ی این کتاب‌ها، به نوعی افکار ضد استبدادی، آزادی خواهانه و در عین حال کتابه‌آمیز نسبت به روح دینی زمانه و زردشتی‌مآب را از خود نشان داده است. دو نمونه از نوشته‌های او را می‌آوریم.

حکایت: یکی از وکلای ایران بر دربارشاهی
دزدی را دید که به معرض قتل می‌بردند. گفت:
«در حقیقت این دزد کشتن را مستوجب است، زیرا
بدون لباس رسمی و منصب دولتی می‌خواسته دزدی
کند!»

حکایت: ناپلئون فرانسه از سلطان عثمانی پرسید:
«پیغمبر شما با کدام نردبان معراج کرد؟»
گفت: «با همان نردبانی که پیغمبر شما فرود
خواهد آمد.»

هر جزائی هست بر طبق فعال
هر جوابی هست بر شکل سؤال

ظاهراً مجموعه اشعار میرزا آقاخان که اشعار
وطن پرستانه‌ی او در آن درج است و بعد از مرگ
او گردآوری شد، «سالارنامه» است. باری، با
آن که میرزا آقاخان شدیداً از وضع موجود ایران، چه
اجتماعی و چه سیاسی، متزجر بود، اما عشق به ایران
در نوشته‌هایش موج می‌زند. برای نمونه چند بیت از
سالارنامه را می‌آوریم:

به ایران مباد آن چنان روز بد
که کشور به بیگانگان اوفتد
همه کشور ما عروسی است خوش
ولی شوی او دلتخوی و ترش
نخواهم زمانی که این نوعروس
بیفتد به جنگ جوانان روس
به گیتی مباد آن که این حور دیس
شود همسر لردی از انگلیس
پدر گرچه باشد خسیس و لثیم
به از آن که فرزند گردد یتیم
مرا گر بود وحشیانه پدر
از آن به که مامم رود در به در
بزرگان که این رازها سفته‌اند
به برهان حکمت چنین گفته‌اند
کسی را که در تن نباشد روان
دگر چون پدید آید از وی توان؟

میرزا آقاخان
کرمانی شدیداً
از وضع موجود
روزگارش متزجر
بود. اما عشق به ایران
در نوشته‌هایش
موج می‌زند



مدارس شبانه روزی دنیای

مدرسه شبانه روزی راهنمایی پسرانه پژوهش

نصرالله دادار

«مدرسه شبانه روزی راهنمایی پسرانه پژوهش» در سه کیلومتری شهر نهاوند، در روستای کوهانی استان همدان واقع شده است. این مدرسه ۱۳ سال پیش براساس اندیشه‌ای مدیرانه و ارزشمند، به منظور پرورش استعدادها در خشان دانش‌آموزان روستایی تأسیس و آغاز به کار کرد. این مدرسه، دانش‌آموزان مستعد روستایی تا فاصله‌ی ۵۰ کیلومتری از مدرسه را پوشش می‌دهد و هم‌اکنون ۲۳۱ دانش‌آموز دارد. «مدرسه راهنمایی پژوهش» اینک یکی از مدارس موفق استان همدان محسوب می‌شود و اکثر دانش‌آموزان آن به دبیرستان‌های تیزهوشان و نمونه دولتی راه می‌یابند. با وجود این، در سال‌های اخیر با مشکلات و کمبودهای مالی روبه‌رو شده است. مشکلاتی که کیفیت آموزشی و پرورشی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به منظور آگاهی از مشکلات این مدرسه، پای صحبت مدیر و معاون آموزشی و تعدادی از دانش‌آموزان آن می‌نشینیم.

مدرسه دارند. ضمن این که مدرسه در شهر نیست و از شهر فاصله دارد، اما با وجود همه‌ی این مسائل، هیچ امتیازی برای دبیران آن قائل نیستند. این شرایط موجب شده است که ما نتوانیم دبیر خوب جذب کنیم و ادامه‌ی این وضعیت برای ما خیلی مشکل است.»

وی می‌افزاید: «بود یک سالن چندمنظوره در این مدرسه شبانه‌روزی، مشکل دیگر ماست. دانش‌آموزان این مدرسه، شبانه‌روزی هستند و به جز ساعات درسی، بقیه اوقات در خوابگاه محصورند و جایی ندارند که اوقات فراغت خود را در آن سپری کنند. دانش‌آموزان پنج شبانه‌روز در مدرسه هستند و جایی نمی‌روند. اگر یک سالن چندمنظوره

احمد بهزادی، مدیر مدرسه که ۲۰ ساله‌ی کار در آموزش و پرورش را دارد، بزرگ‌ترین مشکل مدرسه‌ی شبانه‌روزی راهنمایی پژوهش را عدم توان جذب دبیر قوی و خوب ذکر می‌کند و می‌گوید: «در سال‌های قبل، دبیران این مدرسه به ازای هر شش ساعت تدریس، یک ساعت پاداش می‌گرفتند. همین امر موجب می‌شد که دبیران خوبی در این مدرسه تدریس کنند ولی الان دو سال است که این پاداش قطع شده است و دبیران خوب انگیزه‌ای ندارند که در این مدرسه تدریس کنند. چون دانش‌آموزان این مدرسه نخبه هستند و انتظارات زیادی از دبیران دارند. همان‌طور که اولیا و آموزش و پرورش نیز توقعات زیادی از دبیران این



دانش‌آموزان در حال بازی فوتبال



را به ما نداده است. البته باید اشاره کنم، همین اقلام غذایی که در سال‌های گذشته به ما می‌دادند هم به موقع به دست ما نمی‌رسید و در زمان مناسب توزیع نمی‌شد. برای مثال، در اواخر خردادماه که مدرسه داشت تعطیل می‌شد، برای ما پنیر، گوشت و روغن می‌آوردند که ما توانایی نگهداری آن‌ها را نداشتیم، ضمن آن که تاریخ انقضای برخی از این مواد غذایی تا مهرماه، یعنی شروع سال تحصیلی جدید پایان می‌یافت. در تابستان، برق روستای ما قطع می‌شود و حتی اگر به اندازه‌ی کافی یخچال داشته باشیم، نمی‌توانیم مواد غذایی را نگهداری کنیم.

براساس قانون مدارس شبانه‌روزی، این نوع مدارس دانش‌آموزان با استعداد روستاهای مناطق محروم را جذب و ثبت‌نام می‌کنند و این دانش‌آموزان از نظر بضاعت مالی، توان زیادی ندارند. در صورتی که مسئولان به‌طور مرتب از ما می‌خواهند که برای تأمین هزینه‌هایمان، از کمک‌های مردمی استفاده کنیم. یعنی عملاً ما را به سمتی سوق می‌دهند که مجبور شویم از مردم پول بگیریم. این کار باعث می‌شود ما با مردم مشکل پیدا کنیم.

خسرو ناصری، معاون آموزشی مدرسه، با ۲۵ سال سابقه‌ی خدمت که ۱۰ سال آن در این مدرسه بوده است، مشکلات مدرسه را از دید آموزشی مطرح می‌کند و می‌گوید: «یکی از مشکلات ما، توزیع نا عادلانه‌ی سرانه‌های آموزشی در مدارس گوناگون است.

وزارت آموزش و پرورش سرانه‌ی آموزشی این مدرسه را که شبانه‌روزی است، براساس تعداد دانش‌آموزان و همانند سایر مدارس راهنمایی می‌دهد، در صورتی که این مدرسه شبانه‌روزی است و فضای آن بسیار زیادتر از فضای یک

داشتیم، می‌توانستیم از آن برای پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان استفاده کنیم تا فضای خوابگاه روحیه‌ی آن‌ها را ضعیف نکند.»

زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس

بهبودی در ادامه‌ی صحبت‌هایش، به کوچک بودن فضای کلاس‌ها و زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان نسبت به فضای کلاس‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «کلاس‌های این مدرسه حدود ۱۸ متر مربع و برای ۲۵ دانش‌آموز طراحی شده است، در صورتی که در حال حاضر تعداد دانش‌آموزان هر کلاس حدود ۳۰ نفر است و دانش‌آموزان تا پای تخته هم نشسته‌اند. فضای کاری معلم و دانش‌آموز بسیار محدود است.»

ایشان می‌افزاید: «تأمین غذا و کمبود بودجه برای آن، مشکل دیگر مدرسه‌ی ماست. سرانه‌ی غذایی که وزارت آموزش و پرورش برای هر دانش‌آموز در نظر گرفته است، بسیار کمتر از هزینه‌ی تأمین غذای دانش‌آموزان است. وزارت آموزش و پرورش، سرانه‌ی غذایی برای یک وعده نهار هر دانش‌آموز را ۲۲۵ تومان و برای سه وعده‌ی (صبحانه، نهار و شام) ۶۰۰ تومان در نظر گرفته است. در صورتی که ۶۰۰ تومان برای تأمین غذای یک وعده‌ی نهار هم کافی نیست. وزارت آموزش و پرورش در سال جاری برای یک فصل حدود پنج میلیون تومان پول داده است، در صورتی که ما در آن فصل حدود ۱۵ میلیون تومان هزینه کرده‌ایم. جالب توجه است که آموزش و پرورش در سال‌های گذشته، مقداری گوشت، برنج، روغن، قند، شکر، جای و پنیر هم با قیمت دولتی به مدارس می‌داد، ولی امسال تاکنون هیچ‌یک



پرسرعت استفاده کنیم و فقط یک خط صعیف داریم. مشکل دیگر، موضوع بهداشت مدرسه است. مدتی پیش براساس تفاهم‌نامه‌ای که بین وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و درمان امضا شد، مقرر شد، برای مدارس درجه‌ی بهداشتی تعیین شود و به مدارس از نظر بهداشتی، مانند هتل‌ها ستاره بدهند. این تفاهم‌نامه بیش از ۱۰۰ بند دارد و مدارس براساس آن ارزیابی بهداشتی می‌شوند. یعنی وضعیت بهداشتی هر مدرسه براساس این تفاهم‌نامه سنجش و ارزیابی می‌شود و به آن مدرسه، ستاره یا ستاره‌هایی مناسب آن وضعیت می‌دهند. صحبت ما این است که وقتی در وزارت‌خانه چنین تصمیمی گرفته می‌شود، باید برای بالا بردن سطح بهداشت مدارس، بودجه‌ای هم در نظر بگیرد. در صورتی که چنین بودجه‌ای در نظر گرفته نشده است. براساس چارت سازمانی، مدرسه‌ی ما باید سه نیروی خدماتی داشته باشد. در صورتی که فقط یک نفر نیروی خدماتی به ما داده‌اند البته ما با تلاش و ذریعت همکاران و همکاری خوب دانش‌آموزان، مسائل بهداشتی مدرسه را حل می‌کنیم. هم‌چنین ما باید سه سرپرست برای خوابگاه دانش‌آموزان داشته باشیم. در صورتی که دو سرپرست خوابگاه داریم.

مشکل دیگری که مدرسه با آن روبه‌روست، کوچک بودن سالن غذاخوری است که برای ۱۲۰ نفر طراحی شده است. در صورتی که تعداد دانش‌آموزان مدرسه‌ی ما ۲۲۰ نفر است و بچه‌ها باید در دو نوبت نهار بخورند: گروهی در نوبت اول و گروهی در نوبت دوم. این وضعیت موجب شده است، گروهی که نوبت دوم غذا می‌خورند، با عجله غذا بخورند و خود را به سرعت برای کلاس درسی آماده کنند. قطعاً این کار درست نیست. برای دانش‌آموزان اضطراب و استرس ایجاد می‌کند و باعث کاهش توان یادگیری در آن ساعت‌های تری می‌شود.»

عدم پرداخت اضافه‌کاری‌ها

مدیر مدرسه‌ی شبانه‌روزی راهنمایی پژوهش، یکی دیگر از مشکلات را عدم پرداخت اضافه‌کاری کارکنان اداری مدرسه ذکر می‌کند و می‌گوید: «یک اضافه‌کار جزئی هم که به کارکنان اداری می‌دهند، به موقع پرداخت نمی‌شود. ما هنوز اضافه‌کار شش‌ماه پیش را نگرفته‌ایم و به هر کجا هم که مراجعه می‌کنیم، جواب روشنی دست ما را نمی‌گیرد. مثل این که قصد ندارند این اضافه‌کاری را پرداخت کنند.

الان جذب نیرو برای ما مشکل شده است. کارکنان اداری مدرسه دو شیفت کار می‌کنند، ولی اضافه‌کاری آن‌ها را نمی‌دهند. هیچ‌کس حاضر نیست برای ۲۲ ساعت کار و دستمزد خودش را مقید کند که تا ساعت ۴ بعدازظهر کار کند.



مدرسه‌ی راهنمایی معمولی است. مساحت مدرسه‌ی ما حدود سه هکتار است و هزینه‌های گرمایشی و سرمایشی آن بسیار بالاتر از یک مدرسه‌ی معمولی می‌شود. مناسبانه در توریع سرانه، به سطح زیرینا و فضای مدرسه و شبانه‌روزی بودن آن توجه نمی‌شود.»

وی اضافه می‌کند:

«مدرسه‌ی شبانه‌روزی راهنمایی پژوهش، چون در روستا واقع شده است با مشکل کمبود آب و برق هم روبه‌روست. مثلاً با وجود آن که ما ۲۳ دستگاه رایانه داریم، اما برق مدرسه فقط توان پاسخ‌گویی به ۱۵ دستگاه را دارد و از بقیه‌ی کامپیوترها نمی‌توان استفاده کرد. این در شرایطی است که همین تجهیزات را هم با کمک‌های مردمی تأمین کرده‌ایم.

و آموزش و پرورش نمی‌تواند تجهیزات آموزشی ما را تأمین کند. نبود امکان استفاده از شبکه‌های اینترنت پرسرعت (ADSL)، یکی دیگر از مشکلات ماست که علت آن باز به واقع بودن مدرسه در روستا برمی‌گردد. یعنی به‌دلیل این که مدرسه‌ی ما در روستا واقع شده است، عملاً نمی‌توانیم از شبکه‌ی اینترنت



نقش مدرسه‌ی راهنمایی پژوهش در شکوفایی استعداد های دانش آموزان روستایی

اگرچه بهزادی و ناصری، مدیر و معاون آموزشی این مدرسه، از مشکلات مهم مدرسه صحبت می‌کنند، ولی با وجود این، آن‌ها معتقدند که این مدرسه نقش مهمی در رشد و شکوفایی استعداد های دانش آموزان روستاهای مناطق محروم منطقه دارد. آن‌ها می‌گویند: «طرح مشکلات و معضلات فعلی مدرسه، به مفهوم نادیده گرفتن اثرات بسیار مثبت آن در منطقه نیست و بیان مشکلات صرفاً برای حل آن‌ها و استفاده‌ی بهتر و مفیدتر از امکانات مدرسه است.» بهزادی در این باره می‌گوید: «بچه‌های این مدرسه در سطح شهرستان نیاوند سرآمد هستند و تاکنون که ۱۳ سال از تأسیس مدرسه می‌گذرد، توانسته‌اند ده‌ها مدال علمی

و ورزشی کسب کنند. این مدرسه هر سال ۱۰۰ درصد قبولی می‌دهد و فارغ‌التحصیلان آن معمولاً به مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی راه پیدا می‌کنند.

هنر مدرسه این است که توانسته است دانش آموزان نخبه‌ی روستاهای مناطق محروم را کشف و راه ادامه‌ی تحصیلشان را هموار کند؛ در صورتی که اگر چنین مدرسه‌ای وجود نداشته باشد، شاید سرنوشت تحصیلی این دانش آموزان مستعد، به‌طور کلی تغییر یابد. بنابراین، ما معتقدیم که هر اندازه برای این نوع مدارس هزینه شود، به نفع کشور است. نباید به مرور زمان توانایی این مدارس کاهش یابد و گرفتار مسائل مالی و مادی شوند. نظر ما این است که این نوع مدارس باید هر روز بهتر از روز قبل باشند و همواره در جهت رشد و تکامل خود حرکت کنند. نه این که به تدریج افت پیدا کنند.»



زحمت زیادی برای معلم هیچ فایده‌ای ندارد. ما کارنامه‌ی ماهیانه به دانش آموزان می‌دهیم، یعنی معلم هر ماه باید سؤال طرح کند و ورقه‌ی امتحانی تصحیح کند و نمره بدهد، ولی هیچ فوق‌العاده‌ای ندارد، همین وضع موجب شده است که ما نتوانیم دبیران خوب و نیروهای کاری مضاعف جذب کنیم.»

مشکلات مدرسه از نگاه دانش آموزان

حقیقت آن است که دانش آموزان مدرسه‌ی راهنمایی پژوهش به جز چند مورد، از مدرسه گلایه‌ای ندارند. بیشتر دانش آموزان از وضعیت مدرسه راضی هستند و خوش‌حال‌اند که در این مدرسه تحصیل می‌کنند. دانش آموزان می‌گویند: «یکی از مشکلات جدی ما این است که مدرسه یک سالن چندمنظوره ندارد تا ما بتوانیم اوقات فراغت خود را در آنجا سپری کنیم. مدت زیادی از سال تحصیلی هوا سرد است و نمی‌توان از حیاط مدرسه برای سبزی کردن اوقات فراغت استفاده کرد. ای کاش مدرسه سالنی چندمنظوره داشت تا بچه‌ها بتوانند زمانی که کارهایشان را انجام داده‌اند و درس و مشق ندارند، یا زمانی که دل‌تنگ خانواده‌های خود می‌شوند، به آنجا بروند و قضای روحی خود را عوض کنند.»

محمد متین، دانش آموز کلاس دوم این مدرسه می‌گوید: «من از روستای دهبوره می‌آیم که در فاصله‌ی ۱۵ کیلومتری مدرسه قرار دارد. گاهی اوقات، روزهای وسط هفته، دلم برای اعضای خانواده‌ام تنگ می‌شود، اما نه می‌توانم در خوابگاه بمانم و نه هوای سرد بیرون اجازه می‌دهد که به حیاط بروم و روحیه‌ام را عوض کنم. در صورتی که اگر یک سالن ورزشی یا بود که با بچه‌ها به آنجا می‌رفتیم، از نظر روحی می‌توانست کمک زیادی به ما بکند. ما همواره یا در کلاس درس هستیم و یا در خوابگاه، و این یا روحیه‌ی روستایی سازگار نیست.»

اکبر، دانش آموز سال اول این مدرسه هم از برخی غذاهایی که در این مدرسه سرو می‌شود، شکایت دارد و می‌گوید: «بچه‌ها از برخی غذاها مانند استانبولی و ماکارونی که در مدرسه طبخ و ارائه می‌شود، خوششان نمی‌آید.» این دانش آموز در ادامه می‌افزاید: «مدرسه‌ی راهنمایی پژوهش مدرسه‌ی بسیار خوبی است و از این که توفیق پیدا کرده‌ام در آن درس بخوانم، بسیار راضی‌ام و خدا را شکر می‌کنم.»

یکی از دانش آموزان سال سوم مدرسه نیز می‌گوید: «مدرسه‌ی ما در مجموع مدرسه‌ای بسیار ایده‌آل برای دانش آموزان روستاهای مناطق محروم است و کمبودهای آن در مقابل نقاط مثبت آن، بسیار محدود است.»

حرفه‌فن

فاطمه خرقانیان

در این شماره با شش تن از معلمان نمونه‌ی کشوری دوره‌ی راهنمایی به گفت‌وگو نشستیم. این معلمان که در رشته‌های حرفه‌وفن، ریاضی، بهداشت و معاونت آموزشی مشغول فعالیت هستند، در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ به عنوان معلمان نمونه‌ی کشوری برگزیده شده‌اند. مجله‌ی رشد راهنمایی در راستای معرفی و تقدیر از این عزیزان، گفت‌وگوهایی با آنان انجام داده و در خلال بحث درباره‌ی فعالیت‌ها و مشکلات شغلی‌شان، سوالاتی را مطرح کرده است که مشروح آن در پی می‌آید.

آقای حمید کاظم‌زاده، معلم نمونه‌ی استان تهران

حمید کاظم‌زاده، متولد سال ۱۳۴۳ در استان تهران است. دارای مدرک لیسانس حرفه‌وفن و ۲۶ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش دارد. حمید کاظم‌زاده اهداف تدریس رشته‌ی حرفه‌وفن را این گونه تشریح می‌کند: «بیشتر اهداف این درس مهارتی است و مطالبه به منظور تقویت دست‌ورزی دانش‌آموزان تدوین شده‌اند. این درس در واقع عاملی است برای کشف استعدادها و تنوع و در نهایت می‌تواند قابلیت‌های بالقوه‌ی دانش‌آموزان را تحریک کند و بالفعل سازد.»

وی در ادامه افزود: «محتوای کتاب حرفه به اساس اهداف فوق تدوین شده است، اما این کتاب در دنیای امروز پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموزان نیست، البته نمی‌توان این نکته را دلیل بر ضعف محتوای کتاب دانست، زیرا هیچ‌گاه نمی‌توان از یک کتاب درسی انتظار جامع علمی داشت، به این منظور، دانش‌آموزان نیز باید به صورت خودجوش به دنبال کسب علوم نوین باشند و با راهنمایی‌های دبیران مربوطه در هر درس، نسبت به انتخاب محتوای گمکی در آموزش و با حساب‌و‌خو در اینترنت... معلومات خود را افزایش دهند. او با اشاره به این نکته که: تحقق اهداف آموزشی کتاب حرفه، در عمل با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه است، می‌گوید: «ساختار تخصصی درس حرفه‌وفن ایجاب می‌کند که دبیر متخصص به تدریس این درس همت گمارد، ولی متأسفانه آمار و ارقام نشان می‌دهد، حدود نیمی از دبیران این رشته متخصص نیستند و به معنای واقعی از عهده‌ی تدریس بر نمی‌آیند. از سوی دیگر، نداشتن فضای کارگاه و افلام و تجهیزات کارگاهی کافی در بسیاری از مدارس، عاملی دیگر در اجرای صحیح این درس است. علاوه بر این، از دیگر محدودیت‌های تدریس حرفه‌وفن عبارت‌اند از:

- عدم هم‌خوانی محتوای کتاب در بعضی واحدها با سابع‌های تخصصی به واحد موردنظر
- دیدگاه نه چندان مطلوب بسیاری از مسئولان و مدیران نسبت به این درس
- عدم همکاری اولیای مدرسه در بازدیدها
- معایرت شیوه‌ی ارزش‌یابی صحیح دانش‌آموزان، با توجه به امکانات موجود (امکانات جایگزینی ۱۲ صوره‌ی عملی نیست)

خانم سکینه کریمی اسمعیل‌پور، معلم نمونه‌ی استان خوزستان

سکینه کریمی اسمعیل‌پور، متولد ۱۳۳۵ در شهرستان اخاچاری استان خوزستان است. لیسانس حرفه‌وفن و فوق‌لیسانس مدیریت و ۳۰ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش را دارد.

این معلم نمونه‌ی کشوری، نیاز دانش‌آموزان به رشته‌ی حرفه‌وفن را به تبار فعلی و آینده‌ی جامعه وابسته می‌داند و می‌گوید: «معلم حرفه‌وفن باید درصدد کشف استعداد و علاقه‌ی دانش‌آموزان به مباحث گوناگون و متنوع، با توجه به جنسیت آنان و نقش آینده‌ی مادرانه و پدرانه‌ی آن‌ها در جامعه‌ی ملی باشد. برای تحقق این امر می‌تواند با استفاده از امکانات موجود و با کمک گرفتن از والدین، جامعه‌ی فرهنگی و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و اداره‌ی کار و امور اجتماعی، مراتب تفکیک نیاز دانش‌آموزان به صورت‌های فردی و گروهی را فراهم آورد.»

وی معتقد است، محتوای کتاب درسی حرفه‌وفن به‌طور کامل پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموزان نیست و در این باره افزود: «برخی مباحث مثل فلزکاری یا صایع جوب، خیلی مختصر توضیح داده شده‌اند و نمی‌توانند شناخت کامل به دانش‌آموز بدهند و راه‌گشای آنان باشند. در کتاب‌های فعلی حرفه‌وفن، همه‌ی مباحث در کتاب‌های هر سه سطح راهنمایی گنجانده شده است، در حالی که بهتر است که در کتاب هر پایه، یک سلسله مباحث توضیح داده شود تا دانش‌آموز شناخت مناسبی نسبت به موضوع پیدا کند.»

کریمی اسمعیل‌پور، از یکی شدن کتاب حرفه‌وفن دختران و پسران ابراز خرسندی می‌کند و می‌گوید: «امروزه بهترین آشپزها و با جتی خیاط‌ها آقایان هستند، از دیگر سو، دختران هم در رشته‌های فنی و مهندسی حضور چشم‌گیر دارند و این مسئله لزوم یکی بودن آموزش‌های حرفه‌ای دو جنس را نشان می‌دهد.»

متأسفانه تا زمان چاپ مجله عکس ایشان به دست ما نرسید.



رضا اسماعیلی



کبری دلوریان زاده



حمید کاظم زاده



نقیسه لاجوردی



ابراهیم مرادی

استفاده شود. در بسیاری از مدارس معلمان را از یک دوره به دوره‌ی دیگر می‌برند، در حالی که این معلم نسبت به آن دوره شناخت و آشنایی ندارد. گاهی افرادی تجربه مدیر می‌شوند و ناشناخته هدایت مدرسه را به عهده می‌گیرند. این باعث می‌شود حداقل توانایی از معلم گرفته شود. معلم مجبور است نصف وقت خود را صرف آموزش به دانش‌آموز کند و نصف دیگر را صرف قانع کردن مدیر. معلم مجبور است آرام آرام مطالب را برای مدیر توضیح دهد تا او شرایط و لزوم تدریس درسی مثل حرفه را درک کند و بپذیرد که بعضی شرایط و لوازم را برای او فراهم آورد. در حقیقت، آموزش و پرورش یک نظام پیچیده است که همه‌ی اجزای آن باید با هم اصلاح شود. اسماعیلی در پایان پیشنهاد کرد: آموزش رایانه و کاربردهای آن، در کتاب‌های اول، دوم و سوم حرفه‌وفن راهنمایی گنجانده شود.

خانم نقیسه لاجوردی معلم نمونه‌ی استان قم

نقیسه لاجوردی، در سال ۱۳۴۷ در شهر قم متولد شده است. لیسانس پرستاری و نیز لیسانس علوم سیاسی دارد. هم‌اکنون نیز در دوره‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی حقوق جزا، مشغول به تحصیل است و ۱۶ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش دارد.

لاجوردی، وظایف معلم بهداشت مدرسه را این گونه تشریح کرد: «وظیفه‌ی معلم بهداشت، بررسی بهداشت جسمی و روانی دانش‌آموزان است. در مدرسه‌ی ما که دوره‌ی راهنمایی است، من بیشتر به بعد روانی بهداشت تکیه دارم. راهنمایی سن بحرانی دختران است. در این سن، استرس و مشکلات روحی آن‌ها افزایش می‌یابد. لذا باتکیه بر علم روان‌شناسی، در حل مشکلات روحی روانی دانش‌آموزان می‌کوشم. البته در بخش بهداشت جسمی، معایناتی از قبیل سنجش بینایی، شنوایی، قد و وزن، بهداشت دهان و دندان در مدرسه انجام می‌شود. ارائه‌ی الگوی تغذیه‌ی سالم و صحیح در مدرسه نیز از دیگر کارهایی است که من به عنوان معلم بهداشت برعهده گرفته‌ام.»

وی در پاسخ به این سؤال که آیا بررسی مشکلات روحی دانش‌آموزان به عهده‌ی مشاور مدرسه نیست، گفت: «در شهر قم، اگر نیروی مشاور وجود داشته باشد، آن را به دبیرستان‌ها می‌دهند. در ماه دو بار یک مشاور را به مدرسه می‌فرستند که مدرسه باید به صورت

کاظم زاده با بیان این که انتخاب شغل یکی از اهداف جزئی حرفه‌وفن است، می‌افزاید: «هدف اصلی این درس، دست‌ورزی و افزایش مهارت‌های فردی دانش‌آموزان است و لذا دوره‌ی راهنمایی مناسب‌ترین زمان برای آموزش این درس به حساب می‌آید. حتی بعضی از مدارس، آموزش چنین مهارت‌هایی را از پایه‌ی چهارم ابتدایی آغاز می‌کنند.

آقای رضا اسماعیلی، معلم نمونه‌ی استان مازندران

رضا اسماعیلی، در سال ۱۳۴۵ در شهر آمل متولد شده است. لیسانس حرفه‌وفن دارد. حدود ۲۰ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش دارد.

اسماعیلی با تأکید بر این که فلسفه‌ی تأسیس دوره‌ی راهنمایی، کشف استعدادهای دانش‌آموزان است و بخش عظیمی از این هدف، در درس حرفه‌وفن پی‌گیری شده است، تصریح کرد: «هدف از درس حرفه‌وفن را می‌توان آشنان کردن دانش‌آموزان با رشته‌های تحصیلی موجود در دوره‌ی متوسطه و نیز حرف و مشاغل موجود در جامعه، ایجاد مهارت‌های اولیه برای زندگی روزمره، و ایجاد روحیه‌ی کار و تلاش در دانش‌آموزان دانست.»

وی با اشاره به تدوین کتاب‌های جدید تألیف گفت: «کتاب جدید تألیف آموزش حرفه‌وفن، نسبت به دوره‌های قبل روان‌تر، کامل‌تر و مطالب به روزتری دارد و محتوای آن برای دانش‌آموزان قابل لمس‌تر است. با این همه، هنوز کاملاً نتوانسته است نیازهای دانش‌آموز امروز را برطرف کند. مسئله‌ی مهم در آموزش حرفه‌وفن، امکانات و تجهیزات کارگاهی و آزمایشگاهی است که آموخته‌ها در آن‌جا به عمل درمی‌آیند و یادگیری دائمی و پایدار می‌شود. فعالیت عملی، زمینه‌ی کشف استعداد و خلاقیت دانش‌آموز را فراهم می‌آورد.»

این معلم نمونه‌ی کشوری، با ذکر برخی شیوه‌های خلاق در تدریس اظهار داشت: «استفاده‌ی مستمر و متنوع از وسایل کمک آموزشی در هنگام تدریس، استفاده از وسایل سمعی و بصری در آموزش و انجام کارهای عملی و گروهی، می‌تواند اثرگذار و جذاب باشد.»

او در ادامه افزود: «بعضی از مشکلات موجود در آموزش و پرورش را باید نظام‌مند نگاه کرد. باید از افراد باتجربه برای برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت‌ها

مدارس قرار نگیرد، تقدیر واقعی صورت نمی‌گیرد، چرا که هدف از تولید این وسایل، دریافت تقدیرنامه نیست، بلکه هدف تسهیل علم‌آموزی و پیشرفت دانش است. من انتظار دارم که مسئولان این وسایل کمک‌آموزشی را بشناسند و از آن‌ها در عمل استفاده کنند. هیچ‌کس امکانات مناسبی را در اختیار افرادی که تمایل دارند خلاقیت‌هایی در زمینه علم و دانش داشته باشند، قرار دهند. من معتقدم، هر جبری یابانی دارد جز دو چیز: اول خدمت‌گذاری واقعی در راه رضای خدا و دوم کمک به پیشرفت‌های مثبت جامعه که صدقه‌ی جاری است.»

خانم کبری دلوریان زاده، معاون نمونه از استان همدان

کبری دلوریان زاده که لیسانس علوم تجربی دارد و امسال بازنشته شده است، در سال ۱۳۸۸ به عنوان معاون نمونه‌ی کشوری انتخاب شد.

وی معاون را مدیر دوم مدرسه می‌داند که در برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی با مدیر همکاری می‌کند و بدون حضور این دو اداره‌ی مدرسه دچار مشکل می‌شود. او درباره‌ی وظایف معاون آموزشی مدرسه می‌گوید: «داشتن ایده‌های نو و خلاقانه در اداره‌ی مدرسه، شناخت دانش‌آموزان، استعدادها و مشکلات آن‌ها و ایجاد بستر مناسب برای تقویت نگرش‌های مثبت در دانش‌آموزان، از جمله مهم‌ترین وظایف معاون آموزشی مدرسه محسوب می‌شود.»

معاون نمونه‌ی کشور معتقد است، امروزه با توجه به استفاده‌ی فراگیر دانش‌آموزان از انواع رسانه‌ها و تغییر در نوع نگرش آن‌ها، تغییر در روش‌های برخورد با آن‌ها نیز لازم و ضروری است.

وی در این باره می‌افزاید: «هرچه معاون مدرسه، میزان اطلاعات از شغل خود را بیشتر و به‌روز کند، کارایی بهتری خواهد داشت، البته باید توجه داشت، روش‌ها متناسب با پایه‌ی تحصیلی، فرهنگ و شرایط محلی باشد. در غیر این صورت، اثرات منفی تغییرات بیش‌تر خواهد بود.»

دلوریان زاده معتقد است، در نظام آموزشی ما جایگاه معاون مشخص و تعریف نشده است؛ به گونه‌ای که هنوز در بعضی مدارس، معاونان آموزشی نقش ناظم‌های سنی را ایفا می‌کنند. وظیفه‌ی برقراری نظم در مدرسه را به عهده می‌گیرند و هیچ‌گونه تغییر در روش‌های آموزشی را نمی‌پذیرند. وی می‌افزاید: «بیان دلایل منطقی درخصوص وظایف معاونان به دانش‌آموزان و تغییر نوع نگاه آن‌ها، کمک مؤثری به معاونان مدرسه است، تا حدی که فراگیرندگان، خود، داوطلبانه بار و یاور معاون در کارهای مدرسه خواهند شد.»

وی بهترین روش برخورد با دانش‌آموزان را به شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و موقعیت جغرافیایی وابسته می‌داند و درباره‌ی تجربیاتش در این زمینه می‌گوید: «دانش‌آموزان به جذب معلم و معاون توجه دارند، البته باید دقت کرد که این جذب با خشونت همراه نباشد معمولاً جدی بودن با صمیمیت تأثیر مثبت‌تری بر دانش‌آموزان دارد و سبب آرامش آن‌ها و والدینشان می‌شود.»

حق‌التدریس حق‌الزحمه‌ی او را بپردازد، در این مدت، مشاور نمی‌تواند در عمل چنان که باید موفق ظاهر شود.

و به این دلیل است که مربی بهداشت بیشتر نقش مشاور را دارد. اما با کمک خانواده‌ها، والدینی که پزشک هستند، به مدرسه می‌آیند و دانش‌آموزان را ویزیت می‌کنند.»

این معلم نمونه، درباره‌ی راهکار ارتقای جایگاه مربی بهداشت در مدارس افزود: «تا دانش‌آموزان از سلامت جسمی و روحی مناسبی برخوردار نباشند، یادگیری حاصل نمی‌شود. اگر مسئولان آموزش و پرورش به این موضوع دقت کنند به جایگاه معلم بهداشت بیش از این‌ها اهمیت می‌دهند. وی در پایان تأکید کرد: «اگر برخورد معلم با دانش‌آموزان درست باشد، بسیاری از مسائل و مشکلات حل می‌شود و آن‌ها تمام مشکلاتشان را با معلم مطرح خواهند کرد.»

آقای ابراهیم مرادی، معلم نمونه‌ی استان کردستان

ابراهیم مرادی سال ۱۳۴۸ در شهرستان مریوان متولد شد. وی مدرک لیسانس ریاضی و ۱۹ سال سابقه‌ی تدریس در آموزش و پرورش دارد.

مرادی حدود ۳۰ مجموعه وسیله‌ی کمک‌آموزشی را طراحی کرده است که ۲۵ مورد آن‌ها اختراع محسوب می‌شود، او درباره‌ی نحوه‌ی ایجاد انگیزه در دانش‌آموزانش می‌گوید: «من در کلاس از وسایل کمک‌آموزشی دست‌ساز استفاده می‌کنم. می‌گویم مفاهیم انتزاعی ریاضی را به واقعیاتی عینی تبدیل کنم. از روش تدریس مخصوص خودم استفاده می‌کنم تا دانش‌آموزان به درس علاقه‌مند شوند. وقتی چهره‌ی خشک ریاضی شکسته شود، دانش‌آموزان هم علاقه‌مند می‌شوند و انگیزه پیدا می‌کنند.»

این معلم نمونه‌ی کشوری در زمینه‌ی مشکلات تدریس ریاضی افزود: «وقتی درس ریاضی به عنوان یک واقعیت عینی تدریس نشود، همواره با مشکلات مواجه خواهد بود. اگر درباره‌ی دریاچه‌ی مریوان برای فردی توضیح دهید، باز هم ممکن است شکل واقعی دریاچه با توضیحات شما فرق داشته باشد. ریاضی هم دقیقاً این وضعیت را دارد. تا زمانی که معلمان ریاضی مفاهیم را به واقعیات عینی تبدیل نسازند، درک مطلب برای دانش‌آموز با مشکل همراه خواهد بود.»

وی مشکلات تدریس در مناطق محروم را این‌گونه توضیح داد: «مریوان منطقه‌ای مرزی محسوب می‌شود و به این واسطه، مسئله‌ی قاچاق، مشکل جدی این منطقه است. وقتی دانش‌آموز می‌بیند که یک فوق‌لیسانس بیکار است، اما فردی که کار قاچاق می‌کند، روزی صد هزار تومان درآمد دارد، انگیزه‌اش برای ادامه‌ی تحصیل کاهش می‌یابد.»

او در پایان، در سخنی با مسئولان گفت: «من بخش عظیمی از زمان زندگی‌ام را صرف علم و پیشرفت دانش کردم، وسایل و اختراعات فراوانی دارم و توسط بسیاری از مسئولان کشوری تقدیر شده‌ام، اما تا وقتی این وسایل کمک‌آموزشی در سطح وسیع مورد استفاده‌ی

معلم مشاور

در بازدید از مدرسه‌ی راهنمایی دخترانه‌ی امید چمگردان، در اتاق معلمان، نوشته‌ی بالایی یک میز، توجهم را جلب کرد: «ایستگاه مطالعه». وقتی به میز نزدیک شدم، روی آن تعداد زیادی مجله‌ی رشد دیدم. رشد «مشاور مدرسه» توجهم را جلب کرد. از مدیر مدرسه سؤال کردم، چه کسی این مجله را می‌خواند. پاسخ داد: «همه‌ی معلمان مدرسه‌ی ما، رشد مشاور را می‌خوانند».

با تعجب پرسیدم چرا؟ و او گفت: «در مدرسه‌ی ما هر معلم، مشاور نیز هست».

خانم مهرنوش جوادی اضافه کرد: «مجلات رشد در این مدرسه به عنوان منابع اطلاعاتی در اختیار همه‌ی معلمان قرار می‌گیرند. به همین دلیل، قسمتی از کتابخانه‌ی دبیران، برای آرشیو مجلات رشد در نظر گرفته شده است. برای این که هر معلم، مشاور خوبی برای دانش‌آموزان خود باشد، مدرسه برنامه‌های دیگری را هم اجرا می‌کند:

- برگزاری جلسه‌ی هم‌اندیشی با همکاران درباره‌ی چگونگی استفاده از مجلات، به خصوص مجله‌ی رشد مشاور مدرسه.
- برگزاری جلسات موضوعات مشاوره‌ای در طول سال تحصیلی، با دعوت از استادان امر به‌منظور آشنایی بیشتر معلمان با ویژگی‌های دوران بلوغ دانش‌آموزان.

- ارائه‌ی موضوعات مناسب برای اولیا توسط معلمان در جلسات آموزش خانواده که به صورت ماهانه برگزار می‌شود.
- طبقه‌بندی مشکلات دانش‌آموزان در شورای مدرسه و کمک گرفتن از معلمان برای حل مشکل دانش‌آموزان و ارائه‌ی راه حل به مادران دانش‌آموزان.

- بحث و بررسی مطالب مجله‌ی رشد مشاور مدرسه برای کاربردی کردن آن‌ها در محیط مدرسه.
- اختصاص یک کلاس به اتاق «هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو»، به منظور بیان مشکلات دانش‌آموزان برای دبیران خود در پایان هر روز.

- برگزاری مسابقات طراحی، نقاشی و مقاله‌نویسی در زمینه‌ی یکی از مشکلات دوران بلوغ دانش‌آموزان.
- طراحی سؤال از انواع مجلات رشد (از هر مجله سه سؤال) در هر ماه، در تابلوی معلمان و تقدیر از پاسخ‌دهندگان به سؤالات، به منظور ترغیب بیشتر همکاران برای مطالعه‌ی دقیق‌تر مجلات رشد.





پند و اندرز

شهلا افتخاری

از روزی که پایه عرصه‌ی «مطالعات» گذشتم و برای «رشد» قلم زدم، دغدغه‌ای، سوالی، فکر و روح مرا به خود مشغول کرده بود؛ چگونه می‌توان «رشد» را «رشد» داد؟ یعنی چگونه می‌توان «رشد» را «رشد» کرد. گرچه کلمه‌ی «بلند» قدم‌قواره‌ای کوتاه‌تر از «رشد» دارد، ولی نمی‌شود از این در قیمتی حافظ به راحتی گذشت؛ هر چند روحیه‌ی سوداگری سالن نمی‌گذارد که او از آن بگذرد.

داغ بلندان طلب ای هوشمند

ناشوی از داغ بلندان بلند

«رشد» زمانی بلند بالا می‌شود، بهتر است بگویم «رشد» می‌شود که «داغ بلندان» در سینه داشته باشد. وقتی رشد از بلندان «نوشت» و «بلندی» را تبلیغ کرد، آن وقت معنی «رشد» شدن را می‌فهمد و رشد آن وقت «رشد» می‌شود و این هم، کار مردم «هوشمند» است.

خلاصه آن که «رشد» با هوشمندی «رشد» می‌شود به با چیز دیگر، و برای رسیدن رشد، باید به دو مقوله و موضوع به خوبی پرداخت: «رضایت» و «شکایت». رضایت یعنی «کیفیت» و کیفیت با رعایت انتظارات، خواسته‌ها، سلیقه‌ها و نیازهای مخاطبان تأمین می‌شود.

و شکایت، از انتقادات و اعتراضات مخاطبان حاصل می‌شود که می‌تواند به عنوان بازخورد وارد نظام شده و با مدیریت، به تولید کیفی‌تر محصول کمک کند.

در این راستا، مجله‌ی رشد راهنمایی تحصیلی، ده‌شست را با مدیران و معلمان مدارس تهران و دیگر استان‌ها، با موضوع نقد و بررسی مجله بر گزار کرد. در این نشست‌ها، حاضران دیدگاه‌های خود را درباره‌ی شکل، قالب و محتوای مجله مطرح و راهکارهایی برای بهبود ارتقای کیفی و کمی ارائه کردند.

در خلال نشست‌ها، مدیران و معلمان عزیز چون همیشه، از سر مهر میزبان هیئت تحریریه‌ی رشد شدند و بدون چشمداشت و با روی گشاده، تمامی دانسته‌های خود را در اختیار ما گذاشتند. بای صحبت معتمدی نشستیم که جامعه آنان را سبیل «هوشمندی» و «خردمندی» می‌داند و صد البته که این گونه است.

میزگردها با معارفه آغاز می‌شد. مدیر مدرسه معلمان را که داوطلب حضور در جلسه شده بودند، معرفی می‌کرد و سپس هر معلم، نقطه‌نظرات خود را تشریح می‌کرد.

در آخرین میزگرد، خانم هراتی، با انتقاد از برگه‌های مجله گفت: «کاغذهای گاهی جذابیت مجله را کاهش می‌دهند، این کاغذها بوی بدی دارند و در مخاطب ذائقه ایجاد می‌کنند. سیاه و سفید بودن مجله، رغبت مطالعه را کم می‌کند. آرایش صفحه نیز شلوغ به نظر می‌رسد».

به دهم رسید که سیاه و سفید بودن مجله بیشتر از بابت کاهش هزینه‌ها و رعایت حال مخاطب است، اما شواهد، گویای انتظار دیگر گویه‌ی آنان بود.

معلم علوم ادامه داد: «مطالب مجله نظم منطقی ندارند. اگر مطالب موضوع بندی می‌شدند، هر معتمدی مستقیم به مطالب مربوط به رشته‌ی تخصصی خود مراجعه می‌کرد».

خانم ضرابی افزود: «مطالب مجله از چند منظر مشکل مخاطب دارد. به این معنا که بسیاری از مطالب بیش از آن که به طور خاص برای معلمان راهنمایی نوشته شده باشند، برای عموم معلمان فراهم آمده‌اند. مشکل دیگر، وجود مقالات متعدد دانشگاهیان است که موجب کمرنگ کردن شخصیت محتوا یا مخاطبان می‌شود».

شنیده‌ام، خوانندگان مجله در دیگر استان‌ها، از زاویه‌ای دیگر به این نکته نگریسته‌اند. برخی معتقدند که مؤلفان، ویژگی‌ها و شرایط استان‌ها را در نظر نمی‌گیرند، حال آن که این مجله برای تمام کشور تهیه می‌شود.

خانم حدادی با نگاه تر گذارتی به مباحث می‌نگریست و سخش را این گونه آغاز کرد که: «جبهه‌ی توزیع مطالب مجله، بر رویکرد کاربردی آن غلبه دارد، در حالی که امروزه مطالبی مورد تقاضای معلمان است که بیشتر کاربردی باشند، بهره‌گیری از شیوه‌های جذاب و اثرگذار هم چون کاریکاتور و طنز، می‌تواند نقش مهمی در جذب مخاطب ایفا کند».

آقای سردبیر، نظر حضار را درباره‌ی طنزها و کاریکاتورهای موجود در مجله پرسید؛ اما به نظر می‌رسید که معلمان مطالب را به درستی مطالعه نکرده‌اند. آن‌ها از کمبود زمان شکایت داشتند و من نمی‌دانم در این میان



با نقدها و پیشنهادهای مخاطبان، باز خورد کیفیت مجله به شورای برنامه ریزی هدیه می شود

معلم قرار گیرد. مطالبی درباره‌ی تربیت دینی تهیه کنید، زیرا این دست مطالب، معطوف به رشته‌ی خاصی نیستند و مورد استفاده‌ی همگان قرار می‌گیرند.»

خانم کرمی، در تکمیل سخنان همکارش افزود: «می‌توانید در مجله صفحه‌ای به نام «ترین‌ها» اختصاص دهید تا مخاطب بهترین و ضعیف‌ترین مطالب مجله را تعیین کند. این عمل، حرکت شما را در راستای رعایت سلیقه‌ی مخاطب آسان می‌کند.»

کم‌کم جلسه به پایان خود نزدیک می‌شد. ایده‌های نو، ذهن مرا به خود مشغول ساخته بود. هم‌کلام شدن با معلمان به من آموخت، استفاده از تجربیات گران‌سنگ معلمانی که سالیان سال خشت بر خشت دانش و تجربه‌ی خویش افزوده‌اند، چه اندازه ضرورت دارد!

سردبیر، از خانم مدیر خواست دیدگاه‌های پایانی خود را بیان کند و او چنین گفت: «مقالاتی با هدف آشنایی معلمان با حقوق خود چاپ کنید. در هر شماره، یک کتاب درسی جدید التالیف توسط معلمان آن رشته به نقد و بررسی گذاشته شود، چهره‌های ماندگار آموزش و پرورش را در مجله نام ببرید و ویژگی‌های آنان را توضیح دهید. این عملکرد، احساس رضایتمندی شغلی را میان معلمان بسط می‌دهد. رسالت مجلات رشد باید نیاز آفرینی باشد و نه نیازسنجی. لذا مطالب باید به گونه‌ای تنظیم شوند که با مطالعه‌ی آن‌ها، عطش فراگیری معلم بیشتر شود. مدارس موفق را معرفی، نحوه‌ی عملکردشان را تشریح کنید.»

وقتی مدرسه را ترک می‌کردم، حرف‌های سر بسته، اندیشه‌های ناب، تجربه‌های بر یاد رفته و نگاه‌های امیدوار، راحت نمی‌گذاشتند.

«رشد» با هوشمندی رشید می‌شود و گام بلندی به سوی رشادت، پای صحبت هوشمندان نشستن است. «الدین یستمعون القول و یستوعون احسنه...»

وقتی مدرسه را ترک می‌کردم، در دست‌انجمد مجله‌ای از رشد راهنمایی قراز داشت که همه‌ی صفحاتش سفید بودند...

مقصر کیست؟ آیا گناه از ما تهیه کنندگان مجله است که مطالبی «خواندنی» نوشته‌ایم و یا همان مشکل قدیمی: جامعه‌ی ما هم‌چنان از میزان پایین مطالعه رنج می‌برد. نگاه پرسشگر هیئت تحریریه سبب شد تا معلم حرفه‌وفن بگوید: «مجلات بهنگام به دست ما نمی‌رسند، به تعداد معلمان نیست و به خصوص، تبلیغات و اطلاع‌رسانی ضعیف است.»

به یاد آوردم، دوستانی از دیگر استان‌ها و شهرستان‌ها اعتراض داشتند که مجلات با تاخیر زیاد به دستشان می‌رسد. اطلاعات آنان درباره‌ی تعداد مجلات، و مخاطبان هر مجله و موضوعات آن ناکافی است و بسیاری از مجلات تخصصی هم‌چنان ناشناخته مانده‌اند. و این موضوع گواه آن است که اطلاع‌رسانی دفتر انتشارات کمک آموزشی درباره‌ی فعالیت‌ها و حوزه‌ی عملکردش ضعیف بوده است. در شرایطی که مجلات رشد به‌ویژه در مناطق محروم می‌توانند ابزار مناسبی برای کمک به گسترش عدالت آموزشی باشند، دسترسی نداشتن و اطلاع ناکافی مخاطبان، تأمل و تأسف عمیقی را برای هیئت تحریریه به همراه آورد.

گفت و گوهای ما هم‌چنان ادامه داشت. فضای صمیمی جلسه، یاب درد دل را هم گشود. معلمان از بی‌توجهی‌ها و نادیده انگاشته شدن‌ها توسط مسئولان گفتند و از قوانین دست‌وپا گیر و غیرمنطقی موجود در نظام آموزش و پرورش، طرح مشکلات، جمع را مهبای ارزانی راهکارها ساخت و سردبیر از حاضران خواست تا هر یک پیشنهادات خود را به منظور ارتقای کیفی مجله مطرح کنند.

دبیر ریاضی داوطلب آغاز بحث شد. و گفت: «بهتر است از خاطرات و تجربیات جذاب معلمان در مجله استفاده کنید و روش‌های خاص تدریسشان را شرح دهید. سؤالاتی در زمینه‌ی رشته‌های گوناگون به‌ویژه ریاضی، به صورت مسابقه مطرح کنید تا هم معلم به مطالعه و ادار شود و هم میان شما و مخاطب تعامل ایجاد شود. هم‌چنین، مطالبی درباره‌ی روان‌شناسی دوره‌ی راهنمایی درج کنید تا در حقیقت ابزارهایی برای شناخت دانش‌آموز در اختیار

از آن حکایت‌ها!

احمد عربلو

طوطی خالی‌بند!

دیگر قرار است از دهنت بیرون بروند؟ چرا باید مجبور باشی نام این همه کوه و دره و جاده و بیابان را حفظ کنی؟ کافی است که درس را یک‌بار برای این طوطی بخوانی تا او صدبار آن را برایت تکرار کند و تو به راحتی آن را حفظ کنی و ضمناً به کار و زندگی خودت هم برسی...

مرد آن قدر تعریف کرد تا پسر که دل خوشی از درس حفظ کردنی نداشت، به هوس افتاد طوطی را بخرد اما قبل از آن، خواست طوطی را امتحان کند که مبادا آن مرد، حالی بسته باشد. این بود که رو به طوطی کرد و گفت: «ایا این مرد راست می‌گوید که تو می‌توانی مرا از سرِ دروس حفظ کردنی نجات بدهی؟»

طوطی بلافاصله گفت: «در این شکی نیست!»
پسر، طوطی را خرید و خوش‌حال و شادان به خانه برد. بلافاصله یکی از درس‌های کتاب جغرافیا را برایش خواند و سپس از او خواست که آن را صدبار برایش تکرار کند، اما طوطی در جواب فقط می‌گفت: «در این شکی نیست!»
پسر ناراحت شد و فریاد زد: «مرد حساسی! رود باش تکرار کن. من فردا امتحان دارم، اگر حفظ نکنم، صفر می‌گیرم»

طوطی باز هم گفت: «در این شکی نیست!»
پسر فریاد زد: «خالا من چه طوری اسم این همه شهر و کویر و کوه و دشت و دریاچه و جوی آب و رودخانه و جلگه و ساحل و هزارتا چیز دیگر را به تنهایی توی کله‌ام فرو کنم؟ مگر من رایانه هستم؟»

طوطی گفت: «در این شکی نیست!»
پسر که از خریدن طوطی خیلی پشیمان شده بود، با ناراحتی گفت: «عجب حماقتی کردم که تو را خریدم!»
طوطی گفت: «در این شکی نیست!»
پسر، ناراحت شد. طوطی را به حیاط برد و ازادش کرد و با خودش گفت: «محبورم تنهایی همه‌ی این‌ها را حفظ کنم، وگرنه نمره نمی‌گیرم در این شکی نیست!»



مهرپرسار آسمانه شریفی



تعبیر خواب!

دبیری در خواب دید که تمام دندان هایش افتاده اند از منجمی تعبیر آن را پرسید. گفت تمام دانش آموزان شما امسال دچار افت تحصیلی می شوند و رفوزه خواهند شد! دبیر در خشم شد و منجم را در زندان کرد! منجم دیگری طلبید و تعبیر آن خواب پرسید. عرض کرد همه ی دانش آموزان شما در این کلاس خواهند ماند و دانش آموزان دیگر نیز به اینان اضافه خواهند شد و شما دارای آن همه دانش آموز خواهید شد! دبیر این نکته را پسندید و انعام داد!

دعای خوب!

دبیری نیمه شب دعا می کرد و می گفت: «خدایا. امشب مرا بیست میلیون تومان نقد بده و فردا بستان!» همسرش که مناجات او را می شنید، گفت: «این چه دعایی است که می کنی؟ پولی که امشب خدا بدهد و فردا بازستاند، تو را به چه کار آید؟» گفت: «هیس! بگذار بدهد، مگر با جانم پستاندا!»

خواستگاری

حق التدریسی را گفتند: «در چه کاری؟» گفت: «قصد دارم دختر ثروتمندترین مرد این شهر را به عقد و نکاح خویش درآورم.» بعد از چندی پرسیدند: «چه شد؟ کار را به کجا رساندی؟» گفت: «تصف کار تمام شده است!»

گفتند: «چگونه؟»

گفت: «از آن که در نکاح رضایت طرفین شرط است. از طرف بنده، رضایت حاصل است، همی رضای آن طرف مانده است!»

نابینا!

شخصی به منصب عالی رسید. یکی از دوستان قدیمش که دبیر با تجربه ای بود، برای عرض تبریک و تهنیت نزد او رفت. شخص تازه به منصب رسیده، اعتنایی به دوست دبیر نکرد و از او پرسید: «کیستی و برای چه کاری پیش من آمده ای؟» دبیر که از این حرف و برخورد او ناراحت شده بود، گفت: «من فلان دوست قدیمی تو هستم. چون شنیده ام که از دیده نابینا شده ای و دیگر کسی را نمی شناسی، آمده ام تا به تو عرض تسلیت بگویم!» مرد از کار خود خجل شد و معذرت خواست و از او پذیرایی کرد.

یک حکایت بی مزه!

روزی، شخصی در مجلسی که تعدادی از دبیران ادبیات فارسی نیز در آن حضور داشتند و مشغول بحث های ادبی بودند، وارد شد و ادعای فضل و ادب فراوان کرد. از او پرسیدند: «آیا «تاگور» شاعر و نویسنده ی معروف هند را می شناسی؟» شخص بادی به غیبت انداخت و گفت: «معلوم است که می شناسم. حتی از او شعری نیز در خاطر من هست که بسیار معروف است و می فرمایند: ز گهواره «تاگور» دانش بجوی!»

وضعیت تحصیل در مدارس

باید درآمد خانواده را با کار در خانه یا بخش‌های غیررسمی تأمین کنند. اکنون تقصیر دست‌رسانی مستمر به تحصیلات ابتدایی و راهنمایی برای همه، از اولویت‌های دولت تاجیکستان است. وزارت آموزش و پرورش به منظور غلبه بر نااهم‌خوانی‌های اجتماعی ندبیری می‌اندیشد تا راه‌های جدید تأمین سرمایه‌ی آموزشی و ابقای معلمان را پیدا کند و نام‌نویسی و حضور در مدارس را افزایش دهد. «آکادمی آموزش» در سال ۱۹۹۶ به منظور کاهش بی‌عدالتی تأسیس شد.

زبان آموزشی در مدارس تاجیکستان

نظام آموزشی تاجیکستان چند فرهنگی است. زبان آموزشی در بیشتر مدارس «تاجیکی» است؛ البته به زبان‌های ازبکی، روسی، قرقیزی و ترکمنی هم تدریس

هیچ‌کس نمی‌داند دقیقاً چه تعدادی از کودکان در تاجیکستان به مدرسه نمی‌روند. در دوران جنگ داخلی ۱۹۹۲-۱۹۹۷، حداقل ۱۲۶ هزار مدرسه به‌طور کامل ویران شدند. پس از جنگ، آموزش وجهه‌ی خود را از دست داد و جوانان بین ادامه‌ی تحصیل و کار، مورد دوم را انتخاب می‌کردند. در واقع، جوانان به تأمین نیازهایشان می‌اندیشید و کشور با کمبود نیروی انسانی مواجه بود. در سال‌های پس از جنگ آموزش رایگان هم تضعیف شد. تورم بالا و کاهش پرداخت دولتی، به افزایش مؤسسات آموزشی خودگردان منجر شد.

امروزه در تاجیکستان، دسترسی به آموزش خوب را بیشتر وضعیت مالی مشخص می‌کند تا توانایی فردی. این موضوع به قشر بندی اجتماعی با محرومیت فرزندان

ترجمه‌ی زهرا عطارزاده

آموزش چندزبانی

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، تاجیکستان، نظام آموزشی.

اشاره

جمهوری تاجیکستان کشوری است در آسیای میانه؛ کشوری محاط در خشکی که در گذشته راه ابریشم از آن گذر می‌کرده است. به لحاظ جغرافیایی، کشوری کوهستانی و پربارش است که منابع آبی فراوان دارد. بیش از هفت میلیون جمعیت دارد که حدود ۸۰ درصد آنان تاجیک هستند، ۱۵ درصد ازبک و ۵ درصد سایر اقوام. تاجیکستان و ایران اشتراکات تاریخی و فرهنگی فراوانی دارند. پیش از اسلام، تاجیکستان جزئی از ایران بود. این کشور پس از فروپاشی شوروی و رسیدن به استقلال، دچار جنگ داخلی شد که از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۷ طول کشید. حکومت تاجیکستان جمهوری و رئیس‌جمهور کنونی آن امام‌علی رحمان است که از سال ۱۹۹۲ تاکنون قدرت را در دست دارد. تاجیکستان دارای روابط خوبی با ایران است و ارتباطات این دو کشور روزبه‌روز بهتر و عمیق‌تر می‌شود.

می‌شود، جوانان زیر ۱۷ سال، ۴۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. نظام آموزشی تاجیکستان چهار دوره‌ی تحصیلی دارد: پیش‌دستان، دستان، راهنمایی و دبیرستان. آموزش پیش‌دستانی که می‌تواند از سن سه سالگی آغاز شود، فقط برای آمادگی کودکان به منظور ورود به نظام رسمی آموزشی و در حقیقت نگاه‌داری روزانه‌ی آنان برقرار است. قبل از استقلال تاجیکستان، تنها زبان آموزشی روسی و ادبیات هم به‌طور انحصاری ادبیات روسی بود. در اوایل سال ۲۰۰۰، امکاب آموزش حداقل به‌طور

خانواده‌های فقیر از تحصیل انعامیده است. با این که ثبت‌نام در مدارس دشوار است، باز هم بعضی از کودکان که در مدرسه نام‌نویسی کرده‌اند، نمی‌توانند در مدرسه حاضر شوند و کارهای خانگی یا حرفه‌های حیاتی را دنبال می‌کنند. تعداد افرادی که در سال ۱۹۹۷ ترک تحصیل کردند، ۳۷۹۰۰ نفر برآورد شده است. هرچه هزینه‌های آموزش افزایش می‌یابد، این تعداد نیز بیشتر می‌شود. بسیاری از خانواده‌های فقیر، توانایی خرید کتاب درسی، لباس، دفتر یا پرداخت هزینه‌ی رفت‌وآمد را ندارند. به علاوه، کودکان

ظاهری به پنج زبان در سراسر کشور فراهم آمد که شامل تاجیکی، ازبکی، روسی، قرقیزی و ترکمنی می‌شد؛ هر چند خانواده‌ها ترجیح می‌دهند کودکانشان در مدارس تاجیک زبان تحصیل کنند.

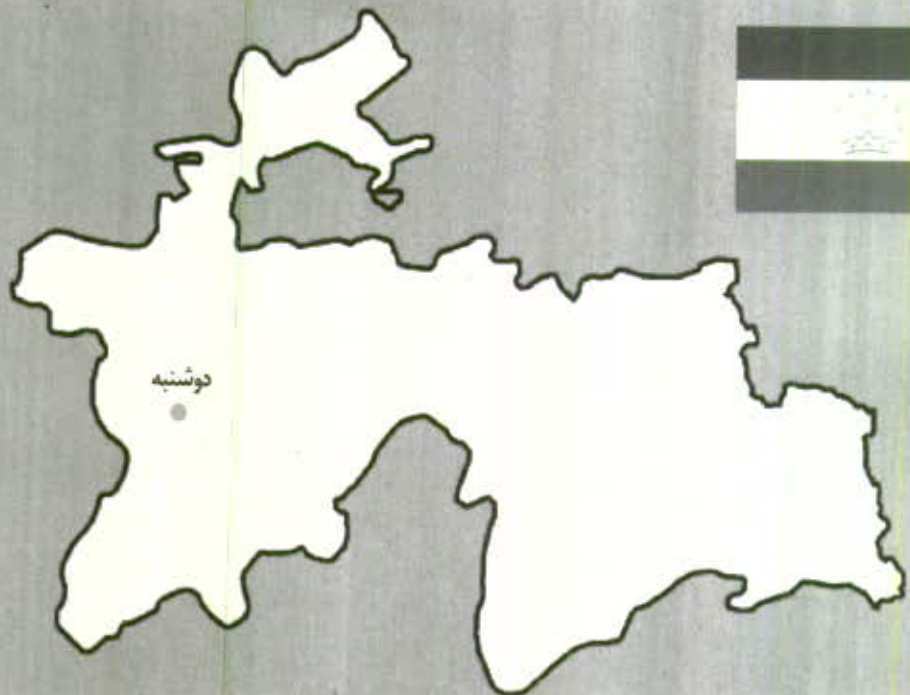
جایگاه اسلام در مدارس

در اول سپتامبر سال ۲۰۰۹، مقرر شد همه‌ی دانش‌آموزان به‌طور اجباری درسی را به نام «دانش اسلامی» بگذرانند. وزارت آموزش و پرورش قول داده است، کتاب‌های درسی این موضوع را فراهم کند و ۴۰۰ معلم تاریخ و ادبیات را برای تدریس آموزش دهد. این کلاس اولین بار برای دانش‌آموزان کلاس هشتم در مدارس تاجیک زبان گذاشته می‌شود و در سپتامبر ۲۰۱۰ به مدارس روسی و ازبک زبان گسترش می‌یابد.

ایده‌های افراط‌گرایانه‌ی اسلامی بین جوانان تاجیکستان است. هم‌چنین، ارائه‌ی این درس در مدارس، با حمایت وسیعی در سطح کشور مواجه شد. بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی و روحانیون مذهبی، از وزارت آموزش و پرورش، به خاطر وارد نکردن محققان اسلامی در برنامه‌ریزی درس دانش اسلامی و کتاب‌های آموزشی آن، انتقاد کردند. هم‌چنین، نماینده‌ی «حزب احیای اسلامی» از این که محققان اسلامی تاجیکستان در تدوین کتاب‌های این درس دعوت نشده‌اند، انتقاد کرد. رئیس بخش آموزش راهنمایی وزارت آموزش و پرورش گفت: در این درس تاریخ اسلام و قرآن، زندگی حضرت محمد (ص)، و آموزش‌های امام ابوحنیفه - بنیان‌گذار شاخه‌ی ابوحنیفه که اکثریت مردم از آن پیروی می‌کنند - آموزش داده می‌شود.

● نظام آموزشی تاجیکستان چند فرهنگی است

● ارائه‌ی آموزش اسلامی در مدارس تاجیکستان، مانع رشد ایده‌های افراط‌گرایانه بین جوانان است



افزوده شدن این کلاس جدید به برنامه‌ی آموزشی مدارس، به دنبال فرمان رئیس جمهور، امامعلی رحمان، برای توسعه‌ی آموزش تاریخ اسلام صورت گرفت که هدفش بهبود آموزش دانش‌های اسلامی در کشور بود. مقامات تاجیکستان به‌طور جدی نگران تأثیر رشد ایده‌های افراطی اسلام‌گرایان تندرو بین نسل جوان در کشور هستند و به گذراندن مراحل قانونی آموزش مذهبی، و نه آزاد، در جامعه گرایش دارند. ابداع دوره‌ی آموزش اسلامی در مدارس تاجیک، بخشی از تلاش برای جلوگیری از رشد

آموزش پیش از خدمت و ضمن خدمت معلمان اگرچه تاجیکستان به خود می‌بالد که به سطح سواد جهانی نزدیک شده است، با وجود این، نظام آموزشی ملت‌های آسیای میانه در حال رکود است. ناکارآمدی آموزش دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به این معنی است که احتمالاً در بیشتر موارد، والدین در تاجیکستان از سطح سواد بالاتری نسبت به فرزندانشان برخوردارند. مشکل پایین بودن سطح حقوق معلمان مدارس دولتی، به کمبود کارکنان مدارس و حضور آموزگاران ناکارآمد منجر شده است.

● **برنامه‌های توسعه:** در سطح ملی، دولت از برنامه‌های توسعه و اصلاحات قانونی، حمایت می‌کند. نظام آموزشی تاجیکستان از ضعف مدیریت که به استفاده‌ی نادرست از منابع منجر می‌شود، رنج می‌برد. به همین دلیل، سازمان ملل در برنامه‌ریزی و مدیریت، به آموزش و پرورش تاجیکستان کمک می‌کند.

● **اصلاحات آموزشی:** سازمان ملل از اصلاحاتی که در نهمین گردن محتوای آموزشی و پیشرفت حرفه‌ای معلمان تأکید دارند، حمایت می‌کند. همچنین، وزارت آموزش و پرورش را به اتخاذ برنامه‌هایی برای ادامه‌ی تحصیل دختران تشویق می‌کند.

● **بهداشت در مدارس:** آموزش بهداشت به بیش‌گیری از بیماری‌ها کمک می‌کند. دولت به طور منظمی کنترل تغذیه در مدارس را در دست می‌گیرد. سازمان ملل هم تا زمانی که راه مناسبی پیدا کند، با این برنامه‌ی دولت همکاری خواهد کرد.



کمیته‌ی آمار دولت تاجیکستان اعلام کرد که در سال ۲۰۰۷، میانگین ماهانه‌ی حقوق در بخش آموزش، معادل ۴۱ دلار آمریکا (حدود ۴۱۰۰۰ تومن) بوده است. گذران زندگی با روزی کمتر از یک و نیم دلار، معلمان را مجبور می‌کند به دنبال کار جدیدی با حقوق بیشتر و یا دریافت کمک هزینه از طرف دانش‌آموزان باشند.

از زمان فروپاشی شوروی به بعد، موج جدیدی از برنامه‌های نوآوری در آموزش ضمن خدمت توسط سازمان‌ها و کمک‌های بین‌المللی در دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان آغاز شد. «آژانس آمریکایی توسعه‌ی بین‌المللی» با همکاری آژانس‌های ملی و بین‌المللی، به منظور نوآوری در الگوهای آموزشی، چند مرکز آموزش تخصصی در تاجیکستان ایجاد کرد. برخی سازمان‌های غیردولتی نیز در سال ۱۹۹۰ در منطقه‌ی آسیای میانه، چند مرکز آموزش تخصصی به منظور آموزش ضمن خدمت، برنامه‌های دو جانبه‌ی آموزش و یادگیری بنا کردند. بعضی از استادان و مربیان دانشگاه تربیت معلم نیز برای پیشرفت علمی خودشان در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند. در حالی که در طول ۱۰ سال گذشته، آموزش ضمن خدمت براساس الگوهای امروزی تعلیم و تربیت کودکان پیشرفت کرده، به آموزش بیش از خدمت معلمان توجهی نشده است. این موضوع به نااهم‌خوانی بین آموزش پیش از خدمت و آموزش ضمن خدمت در مهارت‌های آموزشی منجر شده است.

کمک‌های در دست اقدام سازمان ملل متحد
سازمان ملل متحد قصد دارد از طریق راهبردهای مقابل، نظام آموزشی تاجیکستان را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کند:

دستاوردهای اصلاحات در مدارس تاجیکستان

● بازسازی مدارس

شش‌هزاره، دانش‌آموز سال نهم، در مدرسه‌ای در پایتخت تاجیکستان می‌گوید: «از زمانی که مدرسه‌ی ما به رایانه مجهز شده است، دانش‌آموزان دیگر غیبت نمی‌کنند».

● کتاب‌های جدید

کتاب‌های درسی جدید به همراه کتاب‌های کمک‌آموزشی جذاب، یادگیری را آسان می‌کند. سملا، کتاب‌دار مدرسه می‌گوید: «تأمین این کتاب‌ها یک پیشرفت عظیم است».

● تشویق والدین به حضور دختران در مدرسه

● دریافت کمک‌های بانک جهانی

به دلیل موقعیت بد اقتصادی در تاجیکستان، کمک‌های لازم برای توسعه‌ی روش‌های جدید آموزشی وجود نداشت و تدریس وجهه‌ی خود را از دست داده بود.

بانک جهانی با معرفی روش‌های جدید آموزشی، این مشکل را حل و هم‌چنین رضایت معلمان را جلب کرد. بانک جهانی در بازسازی مدارس و تجهیز آن‌ها نیز کمک‌هایی به این کشور رسانده است.

بر اساس ارزیابی وزارت آموزش و پرورش، حدود ۲۰ هزار دانش‌آموز و ۱۰ هزار نفر از والدین، از پروژه‌ی بانک جهانی منتفع برده‌اند. این تغییرات به افزایش گرایش دانش‌آموزان به حضور در مدرسه انجامیده است.

1. http://stats.unesco.org/unesco/TableViewer/document.aspx?ReportId=121&IF_Language=eng&BR_Country=TJ

2. <http://countrystudies.us.tajikistan.27.htm>

3. http://www.akdn.org/tajikistan_education.asp

4. <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/essay022009a.shtml>

5. <http://education.stateuniversity.com/pages/1505/Tajikistan-EDUCATIONAL-SYSTEM-OVERVIEW.html>

کلاس نغز

زیب رزاق شعاع

دبیر ادبیات فارسی منطقه ۲ تهران

فروردین ۸۹
شماره ۷
دوره ۱۵

کلاس ادبیات فارسی برای هر کسی یادآور روزها و خاطراتی است که در دوران تحصیل تجربه کرده است. شاید هیچ یک از دبیران محترم درس ادبیات، روزی که روی نیمکت های کلاس درس ادبیات نشسته بودند تصور نمی کردند سال ها بعد در همان جایگاهی که معلمشان بر آن ایستاده، بایستند و برای شاگردان خود سخن از دنیای شعر و ادب بگویند.

کلاس درس ادبیات، برای برخی افراد تداعی کننده لحظاتی است که با سیر در عالم اشعار زیبا و احساس های لطیف سیری کرده اند و برای برخی افراد یادآور تائیه های ملال آور و خسته کننده است.

به هر حال، بیشتر دبیران درس ادبیات فارسی، مشتاق اند کلاسی فعال و پویا، و لحظاتی خوش و دل پذیر برای شاگردانشان بیافرینند و برای نیل به این هدف، دست به آزمودن روش ها و ترفندهایی می زنند.

نگارنده، از جمله کسانی است که سعی کرده با آزمایش روش هایی - هر چند ساده - برای علاقه مند کردن دانش آموزان به دنیای شعر و ادب گامی بردارد و شیرینی شعر را به آنان بچشاند.

روش هایی مثل:

استفاده از جذابیت های سمعی و بصری: امروزه طراحی و تولید نرم افزارهای چندرسانه ای در زمینه ادبیات فارسی، مورد توجه برخی شرکت های تولیدات نرم افزاری قرار گرفته است. استفاده از این نرم افزارها در فضای کلاس ادبیات، موجب ایجاد تنوع در فضای کلاس می شود. برخی از این نرم افزارها، امکانات متنوعی دارند: از جمله: بخش صدای شاعر، رویت تصاویر شاعر، معرفی کتاب شناسی شعر و ملاحظه دیوان و کتاب شعر هر شاعر.

طراحی پاورپوینت و اسلاید از دروس کتاب با مشارکت دانش آموزان، و مشارکت گرفتن از آن ها برای تدریس درس مورد نظر

استفاده از تئاتر و نمایش: برخی دروس کتاب در قالب حکایت و داستان تألیف شده اند. این درس ها را می توان با مشارکت دانش آموزان، به صورت نمایش های جالب و جذاب ارائه کرد تا دانش آموزان در فضایی توأم با نشاط و سرخوشی، به آموختن درس بپردازند.

معرفی کتاب: معرفی کتاب یا کتاب شناسی شعرا و نویسندگانی که نام آن ها در کتاب درسی آمده است، می تواند بخشی از ساعت کلاس ادبیات را به خود اختصاص دهد. در این بخش، هم دانش آموزان می توانند با هماهنگی دبیر مربوطه، به معرفی کتاب هایی بپردازند که خوانده اند و از خواندن آن ها بسیار لذت برده اند و هم معلم می تواند به معرفی کتاب هایی بپردازد که به گونه ای با موضوعات مطرح شده در کتاب درسی مربوط هستند.

استفاده از برنامه های جنبی جذاب هم چون شب شعر، مساعره، مسابقه ادبی، انجمن ادبی در مدرسه و... فضای حاکم بر کلاس های ادبیات، گاه موجب می شود دانش آموزان، علاقه واقعی و استعداد ذاتی خود را کشف کنند و حتی دربارهی انتخاب رشته تحصیلی خود در دوره دبیرستان و دانشگاه تصمیم بگیرند.

امید است دبیران محترم درس ادبیات با استفاده از خلاقیت و کشف راه های جدید، در ایجاد فضایی مفرح و پرنشاط در کلاس موفق باشند و تجربیات خود را از همکاران دیگر دریغ نکنند.

تمرکز کامل، نتیجه‌ی خوب!

طیبه رحیمی

همان‌طور که در این مجموعه‌ی آموزشی بارها تکرار کرده‌ایم، همواره توجه به پس‌زمینه‌ی کار بسیار حائز اهمیت است. بعد از انتخاب موضوع، بلافاصله به محیط توجه کنید و سعی کنید زاویه‌ای را انتخاب کنید که هم جزئیات و خاصیت موضوع را از دست ندهید و هم مناسب‌ترین پس‌زمینه را برگزینید. (در شماری سه چگونگی انتخاب زمینه‌ی مناسب بیان شده است.)

نکته‌ی بعدی، توجه به فضاها‌ی خالی کادر است. همواره سعی کنید فضاها‌ی خالی به تعادل کادر کمک کنند. فضاها‌ی خالی یا منفی را می‌توانید با انیسایی بر کنید که با موضوع مناسب و هم‌خوان هستند و یا در کادربندی به نحو احسن می‌توان از آن‌ها بهره گرفت. یکی از روش‌هایی که با توجه به فضاها‌ی منفی به زیبایی کادر کمک می‌کند، استفاده از روش تقسیم‌بندی طلایی است که در شماری پنج به تفصیل بیان شد.

نکته‌ی دیگر، کامل بودن موضوع اصلی در کادر است. همواره توجه داشته باشید که موضوع به‌وسیله‌ی اضلاع مستطیل کادر، قطع نشود. البته الزامی در این کار نیست! امکان دارد شما با قصد قبلی به‌دلیل محتوای مورد نظرتان و تأکید بر موردی، خواص کادر را بطوری تنظیم کنید که موضوع کامل نباشد...

قصد ما از بازگو کردن این موارد، توجه بیشتر شما به امکانات و قابلیت‌های کادر و بالا رفتن سهم تالیف آگاهانه‌ی شماست. در شروع عکاسی، توجه هم‌زمان به همه‌ی این نکات، قدری مشکل است. شاید تمرکز روی همه‌ی این موارد شما را کلافه کند... اما مطمئن باشید، به مرور، با صرف زمان و انرژی و تمرین زیاد، ناخودآگاه در هنگام عکاسی این نکات را رعایت خواهید کرد.

زیرنویس
I. Subjective

با تشکر از همکاری که به سوالات مطرح شده در شمارهای قبلی مجله‌ی رشد آموزش راهمنامی تحصیلی پاسخ دادند، به اطلاع می‌رساند که پاسخ‌های نوبت، در اختیار کارشناسان مربوطه قرار گرفته است. پس از بررسی، اسامی کسانی که جامع‌ترین پاسخ را ارائه دادند، در مجله چاپ می‌شود و دفتر آموزش پرورش راهمنامی تحصیلی، از آنان تقدیر می‌کند. پرسش شماره‌ی ۴ خدمت شما خیران ارائه می‌شود.

۱. چنانچه انتخاب رشته‌ی تحصیلی دانش‌آموزان در پایان دوره‌ی راهمنامی تحصیلی کدام است؟

ان‌ها را انتخاب پذیری کرد
۲. الگوی مناسب پیشنهادی شما در خصوص هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در پایان دوره‌ی راهمنامی تحصیلی کدام است؟

پرسش مسؤلان، پاسخ شما



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های عمومی دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- + **رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- + **رشد نوآموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- + **رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- + **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- + **رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های عمومی بزرگسال

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- + **رشد آموزش ابتدایی**، **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی**، **رشد تکنولوژی آموزشی**، **رشد مدرسه فردا**، **رشد مدیریت مدرسه**، **رشد معلم**

مجله‌های اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- + **رشد برهان راهنمایی** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- + **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)
- + **رشد آموزش قرآن**، **رشد آموزش معارف اسلامی**، **رشد آموزش زبان و ادب فارسی**، **رشد آموزش هنر**، **رشد مشاور مدرسه**، **رشد آموزش تربیت بدنی**، **رشد آموزش علوم اجتماعی**، **رشد آموزش تاریخ**، **رشد آموزش جغرافیا**، **رشد آموزش زبان**، **رشد آموزش ریاضی**، **رشد آموزش فیزیک**، **رشد آموزش شیمی**، **رشد آموزش زیست‌شناسی**، **رشد آموزش زمین‌شناسی**، **رشد آموزش فنی و حرفه‌ای**، **رشد آموزش پیش‌دستانی**

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

- * نشانی: تهران، خیابان ابرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

* نمایر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

* تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۹۰۹۹

* E-mail: info@roshdmag.ir * www.roshdmag.ir *

سفره‌ی عیدانه‌ی رشد نوجوان

مجله‌ی رشد نوجوان، فروردین‌ماه ۸۹ طبق معمول خواندنی‌های جذابی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تدارک دیده است. برخی عناوین این شماره عبارت‌اند از:

عید یعنی زنگ نو شدن: اشاره به عیدهای دینی و ملی با نگاهی ویژه به تاریخچه‌ی عید نوروز
افسانه‌ی ماردوش: جام جهان‌بین: معرفی و بررسی فیلم کارتونی جام جهان‌بین و نگاهی به نوروز در شاهنامه

چکمه‌ی کهنه‌ی سلام می‌رساند: یک داستان فانتزی خیال‌انگیز همراه با نکاتی درباره‌ی فوت و فن داستان‌نویسی

خاطرات جانوران: دو قطعه‌ی کوتاه طنز از زبان یک عنکبوت و یک ماهی قرمز درباره‌ی عید نوروز
رنگی ترین جزیره‌ی خلیج فارس: تاریخچه و دیدنی‌های جزیره‌ی هرمز همراه با نکاتی درباره‌ی خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز
اضطراب را قورت بدهید: نکاتی درباره‌ی غلبه بر اضطراب امتحان

شغل‌ها: طنز مصور درباره‌ی انتخاب شغل
جائزوران هنرمند: نگاهی به دنیای شگفت عنکبوت‌ها

یک قدم جلوتر: آشنایی با کِلِر ژوبرت، نویسنده و نقاش فرانسوی که اسلام و ایران را انتخاب کرده است

بزرگان جام جهانی: مروری بر نام‌آوران جام جهانی فوتبال به مناسبت آغاز این رقابت‌ها در کشور آفریقای جنوبی

گلدان: آثار ارسالی دانش‌آموزان از سرتاسر کشور

قله‌های فتح نشده: گفت‌وگو با نوجوانان درباره‌ی نگرانی‌ها و دغدغه‌های آن‌ها
جدول، سرگرمی و...



برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک یا پست سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

+ نام مجله‌های درخواستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

امضا:



+ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

• شماره مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵-۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶

• صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

• پیام گیر مجله‌های رشد: ۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- + هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل بودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- + منتهای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.

رشد آموزش
راهنمایی
نحسبیلی

تفسیر من از من

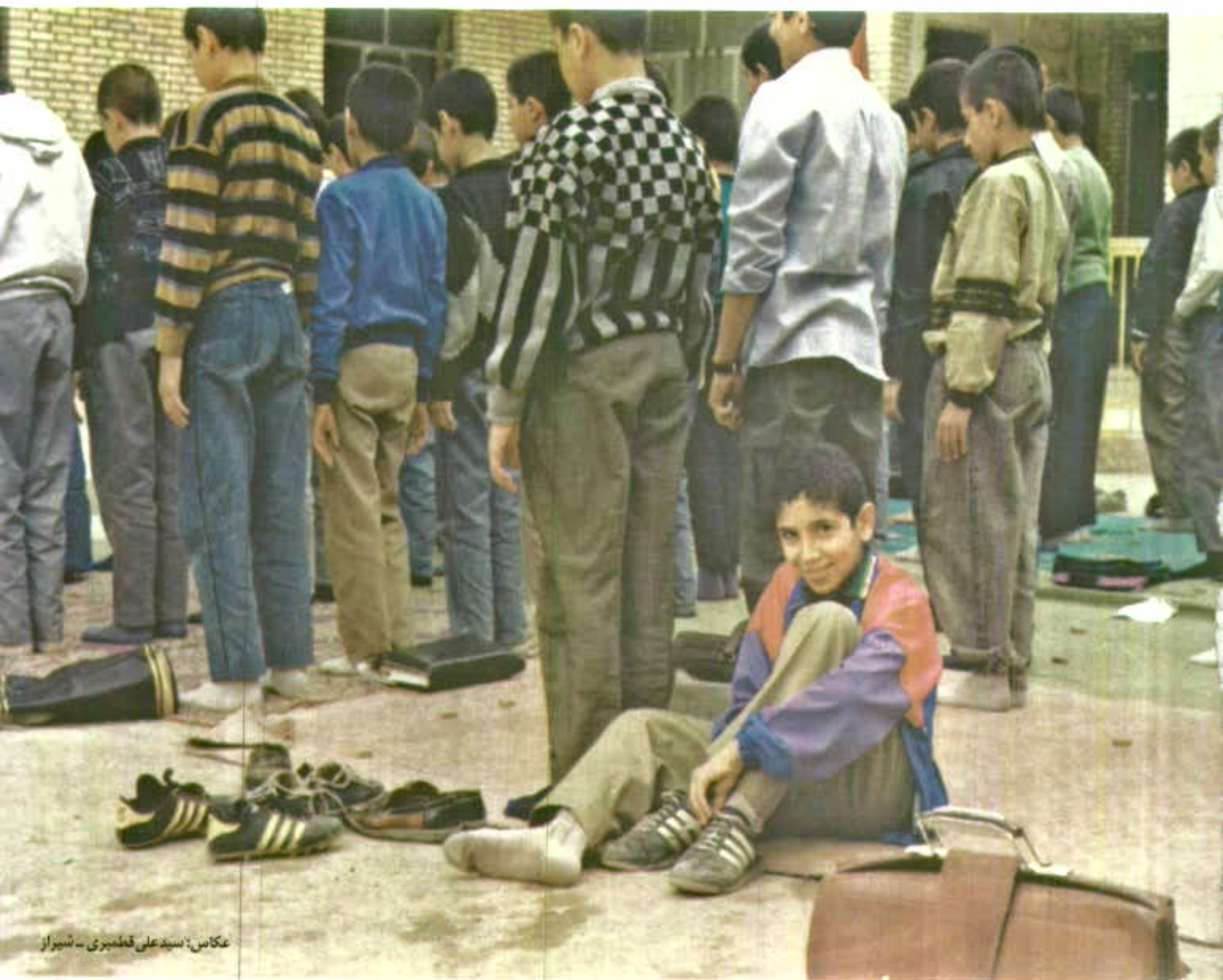
شما در رویارویی با این مسئله چه می‌کنید؟ چرا؟

من: ترجیح می‌دهم، از سرم رویم را برگردانم، نمی‌دانم اشکال کار ما بزرگ‌ترها چیست که به جای عشق به نماز، فرار از نماز را اموختیم.

من: با حسین دانش‌آموز خلاف‌کاری، برخوردی می‌کنم که با عمر دارد پادش بماند، وادارش می‌کنم ۱۰۰۰ رکعت نماز بخواند و بعد برود.

من: این نوع رفتارها در تصور یک نوجوان، انجام عمده‌ی کار خلاف نیست، شجاعتی برای مطرح کردن خود است.

من: ایا وقتش شده است که برای پرورش ایمان بچه‌ها: فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم!



عکاس: نسیم علی قلمبیری - شیراز

فراخوان ششمین جشنواره‌ی عکس رشد

● مهلت ارسال آثار

۳۱ تیرماه ۱۳۸۹
داوری: مرداد ۱۳۸۹
برگزاری نمایشگاه و
اعلام برگزیدگان:
دهه‌ی اول مهرماه ۱۳۸۹

● موضوع

گرایش آموزش و پرورش
(مدرسه، معلمان،
دانش آموزان، ساعت ورزش،
کلاس، اردو، نمازخانه،
کتابخانه، بنای مدرسه، آغاز
سال تحصیلی، رنگ تفریح و ...)
گرایش ایسوان، سرزمین پرگهر
(بازی‌های محلی، آرامگاه
مفاخر، گنار، راهپیمایی‌ها،
چشم‌ها، عزاداری‌ها و ...)

● بخش جنبی

در بخش دانش‌آموزی
(۱۳ تا ۱۸ ساله) یا موضوع
آزاد برگزار خواهد شد.

● امتیازها

● عکس‌های برگزیده به صورت
نمایشگاهی در معرض دید عموم قرار
خواهد گرفت. ● به ازای هر یک
از آثاری که به نمایشگاه راه یابد، مبلغ
۳۰۰/۰۰۰ ریال به صاحب اثر پرداخت
خواهد شد. ● برای عکاسانی
که آثارشان به نمایشگاه راه یابد، گواهی
شرکت در نمایشگاه صادر می‌شود.

● جوایز

نظر اول: تندیس جشنواره،
دیپلم افتخار و ۵ سکه بهار آزادی
نظر دوم: لوح تقدیر و ۴ سکه بهار آزادی
نظر سوم: لوح تقدیر و ۳ سکه بهار آزادی

● مقررات

● شرکت‌نامه عکاسان در این جشنواره آزاد است.
● هر عکاس می‌تواند حداکثر ۱۰ عکس در هر گرایش ارسال کند.
● نامه عکس‌ها می‌بایست به صورت چاپ دیجیتال یا آنالوگ
باشد. (پرینت با کیفیت مطلوب نیز پذیرفته می‌شود).
● نامه عکس‌ها اعم از دیجیتال و آنالوگ باید به همراه سی دی محتوی
عکس‌های ارسالی با فرمت tif یا jpeg و dpi حداقل ۳۰۰ ارسال شود.
● ابعاد و اندازه‌ی عکس‌های ارسالی حداقل با عرض
۲۰ سانتی‌متر و طول آن حداکثر ۴۵ سانتی‌متر باشد.
● عکس‌ها نباید قاپ یا پاسپورته شده باشد.
● ارسال اثر توسط عکاسان به منزله قبول مالکیت اثر و اصالت آن
تلقی می‌شود و هیچ‌گونه مسئولیتی به عهده دبیرخانه نخواهد بود.

● به آثاری که پس از مهلت مقرر به دبیرخانه‌ی
جشنواره ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● آثاری که به نمایشگاه راه نیابد، (حداکثر ۲ ماه
پس از برگزاری نمایشگاه) عودت داده می‌شوند.
● دبیرخانه ضمن به کار بردن نهایت کوشش خود برای
حفظ آثار، هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال آسیب‌های
ناشی از ارسال نامطلوب یا اشتکلات پستی نمی‌پذیرد.
● عکاس باید برچسب مربوط را تکمیل کند و پشت هر عکس بچسباند.
● ارسال عکس برای این جشنواره، به منزله قبول شرایط و مقررات آن است.
● تصمیم‌گیری در مورد مسائل پیش‌بینی نشده، به عهده برگزارکننده است.
● از عکس‌های راه یافته به جشنواره در تولیدات دفتر استفاده خواهد شد.



پشت‌نمایش دبیر
دبیرخانه دبیرستان
نظر اول، است. گشت‌نوی

